

ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

سال هفتم . دوره جدید
شماره ۱۸ . اسفند ۱۳۹۴
۶۸ صفحه . قیمت ۵۰۰۰ تومان

انتخابات مجلس در تبریز با دوبرنده قطعی

گفتگوی اختصاصی با:

مسئول ستاد انتخاباتی شورای اصلاح طلبان در
حوزه انتخابیه تبریز، اسکو و آذرشهر

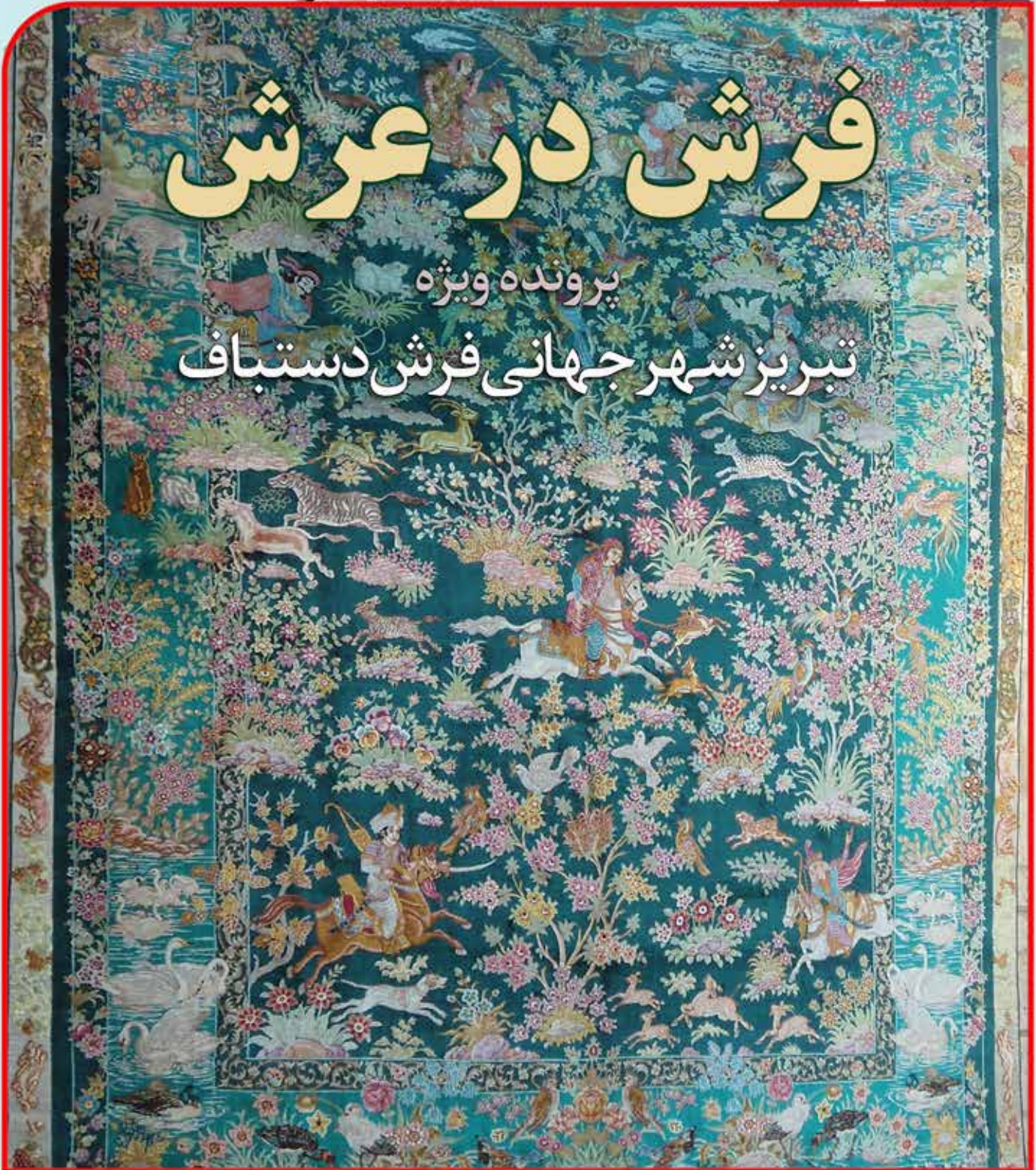
و
رئیس ستاد انتخاباتی اصولگرایان آذربایجان شرقی



فرش در عرش

پرونده ویژه

تبریز شهر جهانی فرش دستباف





سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزش‌های تخصصی

تربیت متخصص شبکه برای ورود به بازار کار

از مبتدی تا پیشرفته

دوره آمادگی برای ورود به دوره تربیت
متخصص شبکه به صورت رایگان

CISCO

Microsoft

MikroTik

Virtualization

Security

(سیسکو، میکروسافت، میکروتیک، مجازی سازی و امنیت شبکه)

مدت دوره: ۲۵۰ ساعت

شهریه دوره: ۳,۵۰۰,۰۰۰ تومان

۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴

www.imiazar.ir

آدرس کانال رسمی سازمان telegram.me/imi_tabriz

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی



دوره های عالی مدیریت
سازمان مدیریت صنعتی

مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی از دانش پژوهان داوطلب شرکت در دوره های عالی مدیریت دعوت به عمل می آورد. این دوره ها برای مدیران و کارشناسان ارشد سازمان های تولیدی و خدماتی طراحی گردیده و هدف آن توسعه ظرفیت علمی و توان حرفه ای، برخورد منطقی و علمی با چالش های فرارو، درک و راه حل یابی صحیح تر و سریع تر برای سازمان ها می باشد.

عناوین دوره ها:

مدیریت اجرایی

مدیریت پروژه

مدیریت مالی

مدیریت محیط زیست

مدیریت منابع انسانی

مدیریت شهری

مدیریت دولتی

مهندسی منابع - مدیریت سیستم و بهره وری

مدیریت فناوری اطلاعات - مدیریت کسب و کار هوشمند و تحول گرا

دوره ها بر حسب نوع شامل ۴۰ تا ۵۰ واحد درسی بوده و معمولاً دو سال به طول می انجامد و به منظور ایجاد امکان مشارکت بیشتر مدیران و کارشناسان در کلاسهای درسی، برنامه آموزشی به صورت دو الی سه تیم روز در هفته تنظیم می شود.

شرایط داوطلبان:

دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی از دانشگاه های معتبر، سابقه کار و کسب حد نصاب لازم در مصاحبه حضوری، داوطلبان می توانند از طریق دریافت دفترچه ثبت نام و فرم مربوط از وب سایت سازمان مدیریت صنعتی و ارسال آن به همراه تصویر آخرین مدرک تحصیلی، تصویر کارت ملی (پشت و رو) تصویر اولین صفحه شناسنامه و دو قطعه عکس ۳×۴ به انضمام فیش بانکی به مبلغ ۲۵۰۰۰۰ (دویست و پنجاه هزار) ریال به شماره حساب ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام مدیریت صنعتی تام آذربایجان (قابل پرداخت در همه شعب بانک سپه) جهت ثبت نام اقدام نمایند.



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

آدرس: تبریز - ولی عصر - انتهای خیابان شهریار شمالی -
۲۰ متری صفا - مرکز آموزش های تخصصی بلند مدت
سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی
تلفن تماس: ۳۳۳۳۳۶۰۰ www.imiazar.ir

دوره های آموزشی آکادمی زبان (ایمیلا)

نام دوره	تعداد ترم	مدت دوره	جلسه در هفته
مکالمه عمومی بزرگسالان	24	17 جلسه	2 جلسه
مکالمه عمومی کودکان	28	18 جلسه	2 جلسه
انگلیسی برای خاتم های خانه دار	12	17 جلسه	2 جلسه
Listening Speaking	12	17 جلسه	3 جلسه
Reading Writing	12	17 جلسه	3 جلسه
TOEFL	5	50 جلسه	2 جلسه
IELTS	5	50 جلسه	2 جلسه
Pre-TOEFL	1	24 جلسه	2 جلسه
Pre-IELTS	1	24 جلسه	2 جلسه
MCHE	1	50 جلسه	2 جلسه
مکالمات تجاری	1	17 جلسه	2 جلسه
مکاتبات تجاری	1	17 جلسه	2 جلسه
مقاله نویسی ISI	1	17 جلسه	2 جلسه
خوش نویسی زبان انگلیسی	1	10 جلسه	1 جلسه
مکالمه فشرده زبان فرانسه	5	15 جلسه	2 جلسه
مکالمه فشرده زبان آلمانی	5	15 جلسه	2 جلسه

مدیریت عملکرد کارکنان

سخنران:

دکتر بهزاد ابوالعالی

- دکتری مدیریت دولتی با گرایش منابع انسانی، مدرس و مشاور مدیریت منابع انسانی
- دبیر علمی یازدهمین کنفرانس توسعه منابع انسانی
- عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی
- مدرس دانشگاه و مولف بیش از ۲۰ کتاب در حوزه مدیریت سرمایه های فکری
- یکی از سخنرانان برتر کنفرانس سالانه مدیریت استراتژیک کشور
- مجری و مشاور شرکتهای بزرگ و برتر کشور در حوزه های مدیریت و تعالی

مخاطبان:

- معاونین و مدیران سازمان ها، شرکت های دولتی و خصوصی
- مدیران منابع انسانی و کارشناسان حوزه منابع انسانی

محتوی سمینار:

- عملکرد کارکنان تابع چه عواملی است.
- مدیران چه نقشی در ارتقا عملکرد کارکنان دارند.
- چرخه مدیریت عملکرد کارکنان چه اجزا و مراحل دارد.
- از نتایج ارزیابی عملکرد کارکنان چه استفاده هائی می توان کرد.
- چه ارتباطی بین پاداش ، آموزش و... با ارزیابی عملکرد کارکنان وجود دارد.
- چالش های ارزیابی عملکرد کارکنان در سازمان های ایرانی
- پرسش و پاسخ

www.imiazar.ir

زمان برگزاری: روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۶

هزینه ثبت نام: ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال (شامل گواهینامه دوزبانه، جزوات آموزشی، پذیرایی میان وعده)



۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



فهرست	
۶ رویداد	تبریز در اخبار سال ۹۴ خیر
۱۲ پرونده	برآمد باد صبح و بوی نوزوز
۱۳	ریشه جشن‌هایی همانند نوزوز به تقدس دهی به زمان …
۱۵	تعالی فرهنگی، عمده‌ترین نقش سازمان میراث فرهنگی …
۱۷	در منطقه آذربایجان، نوزوز جشن جشن‌هاست
۱۹	آذربایجان شرقی در زمینه موزه‌ها جزو استان‌های پیشتاز …
۲۱ بررسی	سرنوشت نتیجه انتخابات مجلس شورای اسلامی …
۲۲	کارآمد کردن ترکیب مجلس شورای اسلامی، با ورود …
۲۳	نتیجه نشان می دهد که هر دو جریان به صورت متوازن …
۲۴ پرونده	تبریز شهر جهانی بافت فرش
۲۵	قالی «گلستان تبریز» به مثابه تاریخ‌نگاری فرش تبریز
۲۸	فرش تبریز بهترین فرش ایران و حتی جهان است
۳۰	تبریز جریان ساز فرش دنیا است
۳۲	سلیقه‌ی جهانی مساله‌ای است که به روابط و نفوذ…
۳۴	امروزه در حوزه فرش انحصارطلبی عجیبی وجود دارد
۳۶	نقاش فرش باید هفت شهر عشق را از سر بگذراند …
۳۷	فرش هریس؛ اعجاز خطوط شکسته
۳۹	آنچه یک اثر هنری را در قلمرو هنر اسلامی قرار می دهد…
۴۱	اگر تولید انبوه انجام بشود رنگرزی طبیعی کاملا…
۴۳	در کسب و کار خانوادگی اهالی خانواده در خدمت …
۴۵	فرش تبریز، فرش نفیسی است
۴۸ گزارش	سمینار فرصت‌های کسب و کار میان ایران و آلمان
۵۱	سمینار اقتصادانات و الزامات برنامه ریزی در ایران بدون نفت
۵۴ مقاله	آذربایجان؛ خاستگاه انتشار نخستین چاپ دیوان حافظ

ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزیده بیانات مقام معظم رهبری



مجلس خیلی مهم است؛ مجلس شورای اسلامی جایگاه بسیار با اهمیتی است. چرا؟ چون مجلس ریل‌گذار حرکت دولت است. دولت‌ها را در نظر بگیرید مثل یک قطاری که بر روی یک ریلی باید حرکت کنند؛ این ریل را مجلس شورای اسلامی با قوانین خود میگذارد. البته در گذاشتن قانون، دولت و مجلس همکاری میکنند؛ دولت لایحه میدهد، مجلس لایحه را کم و زیاد میکنند، اصلاح میکنند، تصویب میکنند. این ریل گذاشته میشود و دولت باید روی این ریل حرکت بکند. اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود.

مقاله

طاهری خسروشاهی و مینا کاظمی
با سپاس از همکاری: علی نیک‌رزم، جواد یعقوبی، حسن ولی‌لو
دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۱۷۳۹۵۲۸۳۹
دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، خیابان نظامی، خیابان قطران، کوچه شبنم، روبروی درب مجتمع ورزشی برق، پلاک ۵
تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰
پست الکترونیک: karayi.magazin@gmail.com

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.

۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نمی باشد.

۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

سرمقاله

درود بر نوزوز

خانه‌هابامهمانی

خانه‌های زیبایی می‌شوند

لباس‌های‌شان تمیز

میوه‌هایشان چیده

بوی‌غذایشان بلند

ولب‌های‌شان منتظر می‌مانند

مهمانی‌هاضربان قلب زمین‌اند

«اردشیررستمی»

فرهنگ ایران مجموعه‌ی رفتارهای آئینی و آرمانی و صورت‌های رفتاری، فکری و تجربی مردمی می‌باشد که در این سرزمین به دنیا آمده‌اند و فعالیت نموده و زیسته‌اند. اگر هم به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند، آن را به همراه خود برده و اشاعه داده‌اند. فرهنگ نوزوز ایرانی با سابقه‌ای طولانی پس از عبور از فراز و فرودها و گذارها، اکنون به‌نسل ما رسیده است. فرهنگ ایرانی از معدود گونه‌های فرهنگ و در شمار زنده‌ترین و ماندگارترین فرهنگ‌های جهان است. از نمونه‌های این واقعیت تاریخی استمرار آئین‌ها و مراسم سنتی و پیوندهای قومی است. سخن گفتن از فرهنگ قوی و فرهنگمندان ایران، دل را به تپش می‌اندازد و جان را طراوت و شادی می‌دهد. در این میان سخن گفتن از آیین نوزوز که بخش مهمی از فرهنگ ایران است، جان را شادمانی دوباره می‌بخشد. می‌توان گفت نوزوز نمادی از تمامی فرهنگ ایران است و هر گوشه‌ای از آن بخشی از فرهنگ این دیار را در خود دارد. در نوزوز تمامی پدیده‌های طبیعی ایران‌زمین با قومیت‌ها و مناطق زیست‌بومی خاص هر منطقه‌آن، که دارای ویژگی‌های احساسی و آرمانی مردم ایران می‌باشد، در هم بافته شده است. اولین پیام نوزوز به‌عنوان یک پدیده فرهنگی و میراث فرهنگی ناملموس که از آغاز فصل بهار، عزیز شمرده می‌شود و همگان برای آمدن‌اش جشن برپا می‌کنند، نوشدگی سال، مرگ زمستان، نوزایی طبیعت و خروج انسان از خمودگی و عزلت زمستانی است. نوزوز، نویدبخش شروع حیات اجتماعی دوباره و آغاز کار و تلاش در مزرعه، باغ و بوستان و هر آن‌جاست که روح حیات دوباره در آن دمیده شده و از خواب زمستانی برخاسته است. نوزوز به راستی رستاخیز طبیعت است؛ گویی از غیب بر صوراسرافیل طبیعت دمیده اند و تمامی موجودات به صدای صور و نفحه گرم خورشید روز نو؛ نوزوز را به استقبال رفته‌اند و این چنین است که فصل زندگی و نورسته‌گی طبیعت با بهارآغاز می‌گردد. تو گویی لشکر زمستان از نیمه‌های اسفندماه دست از جهان‌آزاری طبیعت برداشته و جای خود را به گرمی و نور و سرزندگی دلفزا می‌دهد؛ سبزه‌ها و سنبل‌ها و گل‌های بهاری (نوزوزگولی) و سوسن و لاله سر از خاک یخ زده برمی‌دارند و چون مردگان در روز رستاخیز به پیشگاه خورشید عالم تاب قامت بر افراشته می‌کنند. این تغییر فقط در نباتات نیست، هر موجود جاندار و انسان و حیوان این تغییر را به ادراک حقیقی در می‌یابد و روح کار و تلاش در کشاورز و دامدار دمیده می‌شود. به سبب این تغییر، از خمودگی زمستان به در آمده و فعالیت و نوزایی آغاز می‌شود و حرکت به سوی تکاملی دوباره بعد از خوابی به چندان عمیق زمستانه آغاز می‌شود. پس نوزوز جشن طبیعت و آغاز فعالیت‌های انسان در دامان طبیعت است. نوزوز به‌بیان ابوریحان بیرونی روز «نوزایی آفرینش» و روزی است که مردم را در این «روزی نو از ماهی نو و سالی نو، به آراسته و نوگردانیدن آنچه که گذشت، زمان کهنه کرده بر می‌انگیزانند.» نوزوز به مثابه یک آئین زنده‌ی با سابقه‌ی پنج هزار ساله، کارکردها و ویژگی‌هایی دارد. به عبارت

دیگر، آئین‌های نوزوزی از آن دسته رفتارهای فرهنگی هستند که برخی از آن‌ها هنوز در جامعه کنونی ایران بازمانده و کم و بیش کارکرد و نقش کارآمد و سودمند خود را در میان گروه‌هایی از مردم حفظ کرده‌اند. در این میان نوزوز، سبب پاکی و پاکیزه‌گی، نونواری، تکاپو و تندرستی و سبب وحدت و یکپار چگی می‌گردد. نهایت این که نوزوز، لنگر استوار فرهنگ ایرانی است که ایرانیان در بسیاری از تنگناهای دشوار تاریخ خود، نوزوز را به نشانه‌ی نماد زنده فرهنگ ایران زمین جشن گرفته‌اند. نوزوز کهن‌ترین و بزرگ‌ترین میراث معنوی مشترک ملت‌هایی است که هزاران سال است در سرزمین‌های گسترده‌ای از چین تا مدیترانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. این گستره‌ی پهناور جغرافیایی را نوزوز شناسان و نوزوز‌پژوهان «حوزه فرهنگی نوزوز» می‌نامند. به‌طوری‌که نوزوز، امروزه در چند کشور از جهان برگزار می‌شود و به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی و یکی از جاذبه‌های فرهنگی برای گردشگران داخلی و خار‌جی معرفی می‌گردد. نوزوز به‌سبب اهمیت و جایگاه خود در میان مردم ایران زمین، پرشمارترین آئین‌ها و رسم‌ها را در نهان خود داراست و از بر جسته‌ترین و باشکوه‌ترین یادگارهای ایرانیان است که سال‌های زیادی را پشت سر نهاده و شاید بتوان گفت از جشن‌های بسیار کهن جهان به شمار می‌رود که برای شروع آن از زمان‌های گذشته تاکنون چند روز مانده به نوزوز با برپایی نمایش‌های آئینی چون پیک‌های نوزوزی به استقبال آن می‌روند. به‌طوری‌که در آذربایجان تا دو سه دهه پیش، از پنجاه روز مانده به عید نوزوز دسته‌جات پیک‌های نوزوزی به نشانه آغاز مراسم در روستاها و شهرها هویدا می‌شدند و با خواندن اشعار و ترانه‌های مربوط به بهار، آمدن نوزوز را به مردم خموده در زمستان بشارت می‌دادند. استقبال از نوزوز از همان اوج سرما و خفتگی طبیعت و تاریکی زمستان آغاز می‌شد. مردم با تلاشی که سزوار مقدم نوزوز است، به پیشواز آن می‌رفتند، و زمستان را از زندگی خویش بیرون می‌راندند و نوزایی طبیعت را فرا می‌خوانند. استقبال از نوزوز با رسم‌هایی چون رویاندن سبزه (نماد بهار و طبیعت) و خانه‌تکانی (نماد دور ریختن آلودگی‌ها و تیرگی‌ها) و جشن‌های مربوط به چهارشنبه سوری همراه است و به تدریج تا تحویل سال رسم‌های مربوط به جشن نوزوز که از تنوع بسیاری برخوردار می‌باشد، استمرار می‌یابد. تنوع رسم‌های پیشواز و نوزوز در شمال‌غرب ایران چشمگیرتر است. این رسم‌ها برگزار می‌شود تا گذشت سالی به سال دیگر ارج نهاده شود و با سرافرازی، نوزایی طبیعت جشن گرفته شود. مردمان در کنار هم این رسم‌ها را برگزار می‌کنند تا صدای نوزوز را که صدای « صلح و دوستی» و در کنار هم زیستن است، بار دیگر در سال جدید به خود و جهانیان یادآوری نمایند. نا گفته نماند نوزوز مختص یک روستا و یک شهر و یک منطقه نیست، بلکه در سرتاسر این سرزمین کهن سال عزیز و گرمی داشته می‌شود. فرهنگ ایران مجموعه‌ای از رگ‌ها و شریان‌های بهم متصل است که هر کدام ضامن تداوم فرهنگ اقوام ایرانی است و بی‌شک نوزوز شاه‌رگ این فرهنگ به‌شمار می‌رود.

کلام را با سرآغاز ترانه‌های پیک‌های نوزوزی در آذربایجان (تکم چی) به پایان می‌برم.

بهار آمد، بهار آمد، خوش آمد

علی باذوالفقار آمد، خوش آمد

سیزون‌بوتازه‌بایرام‌زمبارک

ایلوز، ایوز، هفتوز، گونوز مبارک

علی فلسفی میاب-مردم شناس

خرداد

بیمارستان فوق تخصصی ۱۳۳ تختخوابی تبریز گشایش یافت



رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از مسایل مهم کشور در شرایط کنونی موضوع سلامت است که خوشبختانه در دو سال اخیر با همکاری دولت و مجلس اقدام های خوبی برای بهبود این حوزه انجام شده است.

علی لاریجانی در مراسم افتتاح بیمارستان فوق تخصصی ۱۳۳ تختخوابی دانشگاه آزاد تبریز با اشاره به وضعیت نابسامان حوزه بهداشت و سلامت در سال ۹۲ اظهار کرد: بخاطر افزایش قیمت ارز و کمبود منابع اعتباری شرایط حوزه سلامت در کشور خوب نبود و مردم در شرایط سختی از نظر سلامت زندگی می کردند.

تیر

دانش آموز تبریزی مدال طلای المپیاد جهانی زیست شناسی را از آن خود کرد

محمد امین صادقی، دانش آموز مدرسه شهید مدنی تبریز موفق به کسب مدال طلای المپیاد زیست شناسی دانمارک شد.

اعضای تیم ملی المپیاد زیست شناسی جمهوری اسلامی ایران را در المپیاد زیست شناسی دانمارک، محمد امین صادقی، سید محمد نوید عطایی، نیما مسیبی و دینا موسوی اصل تشکیل می دادند.

تیم جمهوری اسلامی با طلای محمد امین صادقی، نقره سید محمد نوید عطایی و نیما مسیبی و برنز دینا موسوی توانست در بین ۶۱ کشور دنیا مقام پنجم را به دست آورد.

بیست و ششمین المپیاد جهانی زیست شناسی از بیست و یکم تا بیست و هشتم تیرماه در شهر آرهاوس دانمارک برگزار شد.

آئین استقبال از محمد امین صادقی مدال آور المپیاد جهانی زیست شناسی شب گذشته با حضور مدیران، معلمان و تعدادی دیگر از مسوولان استان در فرودگاه شهید مدنی تبریز برگزار شد.



فروردین

بازدید بیش از ۳۰۰ هزار گردشگر از جاذبه های آذربایجان شرقی



استان آذربایجان شرقی با پنج هزار اثر تاریخی و اماکن و ابنیه منحصر به فرد در ۱۴ روز تعطیلات نوروزی سال ۹۴ میزبان ۳۲۴ هزار و ۱۷۴ گردشگر داخلی و خارجی بود.

آثار تاریخی و باستانی فراوانی در این استان وجود دارد که نمایانگر اهمیت این منطقه به عنوان یک منطقه تاثیرگذار در تاریخ کشور است.

اماکن و ابنیه تاریخی منحصر به فرد، آب و هوای کوهستانی و جاذبه های طبیعی همچون دامنه های کوه سهند و جنگل های ارسباران و مناطق حفاظت شده اینالو از جاذبه های گردشگری این استان محسوب می شود.

این استان با حدود سه میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت دارای پنج هزار اثر تاریخی است که یک هزار و ۷۰۰ اثر از آن ها به ثبت ملی رسیده است.

اردیبهشت

جایزه کمک به فناوری نانودر یونسکو به دانشمندان ایرانی رسید



دکتر سودابه داوران رئیس آزمایشگاه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تبریز به عنوان یکی از برندگان چهارمین دوره «جایزه کمک به علوم و فناوری نانو» در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) برگزیده شد.

مهر

صدور محصولات پالایشگاه تبریز به بازارهای جهانی با سرمایه گذاری مشترک ایران و آذربایجان



استاندار آذربایجان شرقی در سفر به باکو با وزیر اقتصاد و صنایع جمهوری آذربایجان دیدار کرد و از سرمایه گذاری مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان برای صادرات محصولات پالایشگاه تبریز به بازارهای بین المللی خبر داد.

روابط عمومی استانداری آذربایجان شرقی، «اسماعیل جبارزاده» در این دیدار با اشاره به عزم جدی روسای جمهوری ایران و آذربایجان برای توسعه روزافزون روابط بین دو کشور، ایجاد این موسسه مشترک سرمایه گذاری را مثبت ارزیابی کرد. «شاهین مصطفی یف»، وزیر اقتصاد و صنایع جمهوری آذربایجان و رییس کمیسیون مشترک تجاری و اقتصادی آذربایجان و ایران نیز توسعه روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور را در تحکیم همکاری ها موثر دانست و گفت: پس از دیدار روسای جمهوری ایران و آذربایجان در سال گذشته، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد.

آبان

تبریز به مرکز خرید و فروش فناوری کشور تبدیل می شود

مدیر منطقه ویژه علم و فناوری ربع رشیدی و نماینده استاندار آذربایجان شرقی در حوزه علم و فناوری گفت: ساختارهای لازم جهت تبدیل تبریز به مرکز خرید و فروش فناوری در کشور و منطقه ایجاد شده است.

علی جهانگیری در ستاد برگزاری سومین نمایشگاه فناوری های پیشرفته تبریز، افزود: این نمایشگاه بستری برای به فعلیت رساندن پتانسیل های جوانان، دانشمندان و متخصص های کشور و ایجاد فضای کار مناسب برای ایده ها و طرح های نوآورانه است.



مرداد

آذربایجان شرقی بیشترین میزان جذب سرمایه گذاری خارجی را دارد



استاندار آذربایجان شرقی گفت: این استان به لحاظ جذب سرمایه گذاری های خارجی به میزان پنج میلیارد دلار در میان تمامی استان های کشور رتبه اول را دارد.

اسماعیل جبارزاده افزود: این میزان سرمایه طی دو سال اخیر محقق شده و در قالب طرح های مختلف تولیدی، صنعتی و خدماتی به طور انحصاری و یا با مشارکت طرف های ایرانی در سطح استان آذربایجان شرقی به مورد اجرا گذاشته شده و یا در دست اجرا می باشد.

وی با تأکید بر اینکه این میزان سرمایه گذاری در آینده نزدیک باید افزایش قابل توجهی داشته باشد، اظهار کرد: با توجه به ظرفیت ها، امکانات و زمینه های مختلف تجاری، بازرگانی، تولید و توانمندی های زیرساختی در استان می توان رقم پنج میلیارد دلار را میزان قابل ملاحظه ای افزایش داد.

شهریور

تبریز شهر جهانی صنایع دستی و بافت فرش انتخاب شد

مدیر کل اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی اعلام کرد: تبریز همراه با اصفهان به عنوان شهر جهانی صنایع دستی و بافت فرش در جهان انتخاب شدند.

به گزارش روابط عمومی این اداره کل، فرزین حق پرست گفت: طبق اعلام رسمی شورای جهانی صنایع دستی (WCC)، پس از بررسی های تخصصی صورت گرفته و حضور کارشناسان بین المللی در ایران، تبریز به عنوان شهر جهانی صنایع دستی و بافت فرش به ثبت رسید.



آذر

۴۷۰ هزار میلیارد ریال طرح در سند توسعه آذربایجان شرقی تعریف شد



استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به تعریف ۴۷۰ هزار میلیارد ریال طرح در سند تدبیر توسعه استان گفت: سند تدبیر نقشه راه توسعه محسوب می شود و جذب سرمایه گذاری خارجی باید بر اساس این سند صورت گیرد.

اسماعیل جبارزاده در نشست شورای سیاست گذاری خارجی استان افزود: ۷۰ درصد تامین اعتبار این پروژه ها به بخش خصوصی و خارجی سپرده می شود.

وی با بیان اینکه حل مشکلات از جمله بیکاری بدون استفاده از توانمندی و سرمایه خارجی از جمله ظرفیت ایرانیان مقیم خارج امکان پذیر نیست، بر ضرورت ترجمه سند تدبیر توسعه استان به زبان های خارجی تاکید کرد.

وی اظهار کرد: پروژه های آماده سرمایه گذاری در استان تعریف شده است و نداشتن طرح قابل ارائه به سرمایه گذاران خارجی قابل پذیرش نیست.

دی

توافق همکاری فنی و حرفه ای آذربایجان شرقی و کردستان عراق



مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای آذربایجان شرقی گفت: این اداره کل با آموزش عالی و آموزش و پرورش اقلیم کردستان عراق در زمینه ارتقای سطح مناسبات فنی و حرفه ای به توافق رسید.

به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای آذربایجان شرقی «محمد رضا سیابانی» در نشستی در این خصوص افزود: براساس پیش نویس این تفاهم نامه طرفین بر تبادل تجارب، اساتید و نیروی کار مورد نیاز بازار کار دو طرف توافق کردند.

وی گفت: بر اساس پیش نویس این تفاهم نامه اداره کل آموزش فنی و حرفه ای آذربایجان شرقی نسبت به برگزاری دوره های تربیت مربی و اساتید معرفی شده از سوی طرف عراقی اقدام خواهد کرد.

بهمن

هامبورگ میزبان نمایشگاه سرمایه گذاری و گردشگری تبریز



مدیرکل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تبریز از برگزاری نمایشگاه معرفی ظرفیت های سرمایه گذاری و گردشگری تبریز در هامبورگ آلمان خبر داد.

«میراعتماد عمادی» با بیان اینکه تبریز به عنوان یکی از شهرهای پیشرو کشور در یک سال اخیر در حوزه های مختلف بین المللی حضور موفق داشته است، افزود: این نمایشگاه به مدت پنج روز پذیرای بازدیدکنندگان و سرمایه گذاران کشور آلمان است.

وی به انتخاب تبریز به عنوان شهر نمونه گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ میلادی اشاره کرد و اظهار داشت: نمایشگاه هامبورگ با بستر سازی سفارت کشورمان در آلمان و دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در تبریز فراهم شده و گام ارزنده ای در تحقق اهداف گردشگری «تبریز ۲۰۱۸» است.

مدیرکل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تبریز، بهره گیری از تجارب عمرانی و الگوهای شهرسازی با تکیه بر هویت شهری را راهگشای ارتقای جایگاه بین المللی تبریز عنوان کرد.

اسفند

انتخاب پزشکین و بیگی قطعی شد هشت نفر به دور دوم راه یافتند

سعید شبستری رییس ستاد انتخابات استان آذربایجان شرقی اظهار داشت: در این حوزه انتخابیه جمع آرای ماخوذه ۷۶۰ هزار و ۵۲ رای و آرای صحیح ۷۲۱ هزار و ۱۳۳ رای بوده است.

وی افزود: بر اساس شمارش آرا، آقایان مسعود پزشکین با ۲۶۱ هزار و ۶۰۵ رای و احمد علیرضاییگی با ۲۳۵ هزار و ۳۱۴ رای حایز اکثریت آرا شده و در دور اول به مجلس شورای اسلامی راه یافتند.

شبستری خاطر نشان کرد: ۸ نفر از کاندیداها نیز در دور دوم رقابت خواهند کرد تا تکلیف ۴ کرسی باقی مانده این حوزه در این دور مشخص شود.

به گفته وی، آقایان و خانمها: محمدحسین فرهنگی با ۱۴۳ هزار و ۳۷۹ رای، زهرا ساعی با ۱۱۴ هزار و ۳۸۴ رای، علیرضا منادی با ۱۱۳ هزار و ۷۴۸ رای، محمداسماعیل سعیدی با ۱۰۵ هزار و ۳۲۹ رای، میرعلی اصغر الموسوی با ۱۰۲ هزار و ۲۵۵ رای، سیدمحمدرضا میرتاج الدینی با ۹۸ هزار و ۵۶۲ رای، شهاب الدین بییمقدار با ۹۶ هزار و ۲۸۱ رای و عباس عباسزاده با ۸۸ هزار و ۸۵۵ رای به دور دوم راه یافتند.



مینوامیر قاسمی، عضو سابق هیات علمی دانشگاه تبریز

ریشه جشن‌هایی همانند نوروز به تقدس دهی به زمان باز می‌گردد



جاری است و علاوه بر همگان در هر جایی گروه خاصی نیز در حفظ و تقویت آن نقش ایفا می‌کنند. انسان می‌خواهد زمان‌های مقدسی را برای خودش معنی‌دار کند و برای این معنی‌دار کردن‌ها یک سری کارهایی انجام می‌دهد که به آداب، رسوم، مناسک، آیین‌های مذهبی و آیین‌های اجتماعی تبدیل می‌شود و نسل به نسل منتقل می‌شود. با چه چیزی نشان می‌دهیم که این نوروز است یا عزای فلان انسان مقدس است یا جشن‌های تابستانی و زمستانی است؟ این‌ها را همه ما بایک سری اعمال، حرکات، نوشته‌ها و سرودها و لباس‌ها نشان می‌دهیم و عده‌ای هم به طور ویژه در این نوع گذرها نقش واسطه را ایفا می‌کنند.

به اعتقاد بنده نوروز یک نوع گذر است، گذر از زمان کهنه به زمان جدید و نو؛ بدون استثناء در هر نوع گذاری ما یک نوع آداب و مناسک مخصوص داریم و گذارها بدون انجام این آداب و مناسک و آیین‌ها و شاعر معنی ندارند. یک سری از این آداب و رسوم را عموم مردم انجام می‌دهند و یک سری از آن‌ها شکل رسمی می‌یابند، مثلاً عاشیق‌ها در رابطه با نوروز می‌خوانند، در دیگر شهرهای ایران عمو نوروز داریم یا در نقاط دیگر دنیا شخصیت‌های دیگری داریم که نمادی از بهار یا تغییر فصل هستند. بنابراین نقش چنین مولفه‌هایی در تقویت باورهایی این است که آن‌ها را حفظ می‌کنند و سینه به سینه منتقل می‌کنند و به این ترتیب ماندگار می‌شوند. حالا چرا چنین مناسکی باید باشند و تقویت شوند بحث دیگری است.

در این رابطه سوالی مطرح می‌شود و آن این است که آیا با توجه به تغییرات فرهنگی و گسترش تکنولوژی، لازم است سرمایه‌گذاری خاصی صورت پذیرد تا مردم با گذشته و آداب و رسوم خود آشنا شوند؟ به این سوال می‌شود به دو گونه جواب داد: اول اینکه آیا نفس وجود چنین باورها و مراسم و آداب و رسومی لازم است؟ این سوالی است که به اصل فرهنگ باز می‌گردد. چه فرهنگ مادی و چه فرهنگ معنوی و انسان بدون فرهنگ معنی ندارد. شما اگر به قبیله‌ای در استرالیا که آدم خوار هستند و ما آن‌ها را وحشی می‌دانیم دقت کنید، می‌بینید که این طور نیست که آنها بی فرهنگ باشند، واقعیت این است که آن‌ها هم با فرهنگ و مدل خود کارهایشان را انجام می‌دهند، پس انسان، هر رفتاری که انجام می‌دهد، بر پایه فرهنگ است. دوم اینکه در مقابل نفوذ فرهنگ‌های دیگر چطور می‌شود مقابله کرد؟ باید گفت در بحث جهانی شدن و دهکده بزرگ جهانی، از یک طرف ما ناگزیر هستیم با حرکت دنیا حرکت کنیم و نمی‌توان از حرکت دنیا دور شد و جامعه‌ای نمی‌تواند مرزهای خود را به روی فرهنگ ما ببندد و معتقد باشد که هیچ بده بستان فرهنگی و اقتصادی با جایی نخواهد داشت. ولی این که در این حرکت کاملاً از هویت خود جدا شده و به هویت دیگری تبدیل شود، جای بحث بسیار دارد. همان چیزی که آمریکا می‌خواهد الان انجام بدهد، می‌خواهد تمام فرهنگ خود را چه از طریق اقتصاد و نظامی‌گری و سیاست، تحت عنوان دهکده بزرگ جهانی به رهبری کدخدا که خودش است،

برای اینکه بتوانیم ریشه نوروز را بدانیم، باید اول ریشه و جایگاه جشن‌ها و بعضی عزا‌هایی را که مدام تکرار می‌شوند و از جایگاه ویژه‌ای در زندگی مردم برخوردارند، را بشناسیم. انسان برای این که خلقت و آفرینش را درک کند، در زمان‌ها و مکان‌های خاصی برای خود چیزهایی می‌آفریند که مقدس محسوب می‌شوند تا به این ترتیب بتوانند به اندازه فهم و درک و توان ذهنی خود، هستی را برای خویش معنی‌دار کنند. برای همین به طوری که برای زمان و مکان تقدس قائل می‌شود. ریشه این امور به ابتدایی‌ترین اندیشه‌های بشری باز می‌گردد. انسان همواره سعی داشته تا دنیا را

برای خود توضیح دهد و بر اساس این توضیح می‌بیند که خلقت و آفرینش و هستی یافتن هم به زمان و هم به مکان نیازمند است و زمان‌ها و مکان‌های خاصی را مقدس می‌کند. آن‌ها را مقدس می‌کند تا بتواند آن زمان‌ها و مکان‌ها را نگهدارد و آن‌ها را تکرار می‌کند. چون اگر مقدس نباشد، مکرر نمی‌شود و طبیعتاً از بین می‌رود. انسان بایستی اندیشه تقدس دهی به زمان و مکان را از جایی وام بگیرد و ما می‌بینیم که بیشتر این‌ها را از طبیعت اخذ می‌کنند. با بررسی جشن‌ها و عزا‌هایی که برای تولد و مرگ خدایان مختلف برپا می‌شود، می‌بینیم که تمامی آن‌ها با طبیعت مثل خورشید، آسمان، باران، آب، خاک و روییدن گیاهان مرتبط هستند و مقاطع این‌ها را برای خودش مقدس می‌شمارد؛ مانند طلوع و غروب خورشید و یخ بستن آب و ذوب شدن آن. پس ریشه چنین جشن‌ها و عزا‌هایی عموماً در طبیعت است و برای همین در تمام دنیا مشترک است. ما وقتی از جشن نوروز سخن می‌گوییم، اسم آن ایرانی است به مفهوم روز نو، اما نوروز در تمام دنیا به خصوص در نیمکره شمالی که بهار در فصل مشخصی شروع می‌شود، تکرار می‌شود. بنابراین ریشه چنین جشن‌هایی به تقدس دهی به زمان باز می‌گردد. حالا چرا زمان را مقدس می‌شمرد؟ انسان علاوه بر این که می‌خواهد هستی را دریابد، در زمان‌های مقدس اعمال خاصی انجام می‌دهد که با بقیه زمان‌ها متفاوت است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا برای پرستش خداوند زمان لازم است؟ از این ساعت تا آن ساعت؟ این برای آن است که به زندگی و رفتار انسان نظم داده شود و گرنه خدا را می‌شود و می‌باید در هر لحظه و هر ثانیه پرستش کرد، ولی برای اینکه این الگوها به زندگی انسان نظم دهد و نوعی هماهنگی و باهم بودن ایجاد کند و انسان را از وحشت تنهایی دور کند، این‌ها را هماهنگ می‌کند. مسجد مکان مقدسی است و تعیین می‌کنیم که آن اعمال خاص مقدس را در آنجا انجام دهیم و گرنه همه جا متعلق به خداوند است و مقدس است و فرقی ندارد. بنابراین ما الگودرست می‌کنیم که بین این الگوها منظم زندگی کنیم و روزمرگی زندگی را در چنین مکان‌ها و زمان‌هایی بشکنیم. باید بین مقدس و نامقدس فرقی بگذاریم تا بتوانیم برای زمان و مکان ویژگی‌های منحصر بفردی قائل شویم و آن‌ها را در یابیم. در نتیجه نوروز هم مانند تمام جشن‌های بهاری که در تمام دنیا برگزار می‌شود، صرفاً مختص این منطقه نیست و یک مساله جهانی است که به طبیعت مربوط است و در تمام دنیا بهار وجود دارد.

از طرفی، حفظ چنین باورهایی یک مساله جهانی است و در زندگی بشر

به کام دوستان و بخت پیروز بر آمد باد صبح و بوی نوروز

جواب به چرایی جشن‌های دیرپا و کهن که در تاریخ اجتماعی تمام لایه‌های اجتماع یک ملت تنیده شده ضرورتی است همیشه پایدار برای آیندگان آن جامعه. نوروز هم در ایران با توجه به گوناگونی ساختارها و شاخص‌های اجتماعی، یک آئین مبتنی بر تحول فصلی و یک فرصت ناتمام برای امید به زندگی و امکان برای تغییر است. مردم در نوروز زندگی را با شادی پیوند داده و با آداب و سنت‌های خود، نگاه به حیات فردی و اجتماعی را روحی تازه می‌بخشند. جشن ملی و عمومی نوروز که فرای جشن‌های خانوادگی و منطقه‌ای و محلی می‌باشد، در تقویم زندگی انسان‌ها به خصوص ایرانیان یک نقطه عطف محسوب می‌گردد.

به بهانه فرارسیدن نوروز، کارایی دست به تهیه پرونده‌ای زده است که محور آن بررسی خاستگاه این عید باستانی و تأثیر آن بر روی حیات فردی و اجتماعی ایرانیان است.



به پیش ببرد. بقیه هم یا با او هستند و یا با او نیستند و باید محو و نابود شوند. بنابراین در مقابل چنین هجمه‌ای به این نتیجه می‌رسیم که باید هویت فرهنگی تقویت شود و حد و حدود خاص خود را داشته باشد. نمی‌توانیم بگوییم پنج هزار سال پیش چگونه جشن نوروز برگزار می‌کردند، باید ماهم آن گونه برگزار کنیم، هر چند که تا حدودی همان گونه برگزار می‌شود و معنای آداب و رسوم همین است که حفظ شود و ادامه داشته باشد. البته مقداری تغییرات هم در این آداب و رسوم مشاهده می‌کنیم و این تغییرات همان است که تحت تاثیر فرهنگ جوامع دیگر با تحولات جامعه خودی صورت می‌گیرد و اجتناب ناپذیر است. اما درباره خاستگاه اصلی ریشه‌های اسطوره ای این اعیاد و نحوه پیوند آن‌ها نیز بایستی بگوییم: همان طور که ما نمی‌توانیم بگوییم ریشه زبان کجاست؛ ریشه اسطوره ها هم مثل زبان است. ممکن است سفره هفت سینی که ما برای عید نوروز پهن می‌کنیم، در روسیه به جای این سفره میز بگذارند یا فرض کنید در انگلستان بر روی طاقچه این وسایل را قرار بدهند؛ ولی نفس قضیه یکسان است و همه ما وقتی بهار می‌شود می‌خواهیم زنده شدن دوباره طبیعت را جشن بگیریم. این یک زمان مقدس است چون ما از زمستان به بهار منتقل می‌شویم و از خشکی طبیعت به سرسبزی و از تاریکی و سردی به سوی روشنایی و گرما و سرزندگی پیش می‌رویم. در واقع ریشه اسطوره ای چنین چیزهایی در نیاز انسان برای فهم طبیعت و زندگی از سویی و میزان و فهم و دریافت او از سوی دیگر است که آن‌ها را در قالب داستان‌هایی می‌ریزد و آن واقعه‌ها را به زمانی ازلی نسبت می‌دهد. این فرایند شامل تمام انسان‌هاست و به دسته و گروه خاصی تعلق ندارد.

نبایستی از نظر دور داشت که بخش اعظمی از فرهنگ دنیا از سرخ پوستان نشأت گرفته است، آن‌ها در ریاضیات و داروسازی پیشرو بودند، سرخپوستانی که وحشی تلقی شده‌اند و ارتش آمریکا به بدترین شکل ممکن آن‌ها را به نابودی کشاند، طوری که امروز سرخپوستانی باقی نمانده است. اما یک واقعیت همچنان غیرقابل انکار باقی مانده و آن این است که ریشه بسیاری از موفقیت‌هایی که امروز ما از جانب غرب شاهدیم، به سرخپوستان بازمی‌گردد. اینکه ریشه فرهنگ انسان را خودمان منتسب کنیم، نوعی تعصب است و مساله‌ها را به یک منطقه خاص و انسان‌های خاص تقلیل دادن کار بی‌ارزشی است، چرا که فرهنگ به همه بشریت منتسب است. آیا ما می‌توانیم بگوییم چه کسی و یا کدام قبیله و قوم برای اولین بار غذا خورده است و دیگران از او یاد گرفته‌اند؟ در مورد فرهنگ هم جشن‌های بهاری، تابستانی و زمستانی به طبیعت مربوط می‌شوند اگر چه جشن‌های تابستانی و زمستانی اغلب از بین رفته‌اند، ولی در داستان‌ها آثاری از آن را می‌توان دید. مراسم شب یلدا و تولد عیسی مسیح از بازمانده‌های جشن‌های زمستانی است و همه این‌ها به تولد خورشید بازمی‌گردد. شب یلدا یعنی تولد خورشید. چون خورشید از نظر نجومی از پایین‌ترین نقطه خود خارج شده و شب‌ها کوتاه شده و روزها بلند می‌شود و خورشید متولد می‌شود و می‌بینیم که جشنی مربوط به طبیعت است. همین طور جشن‌های پاییزی با برداشت محصول همراه است و به طبیعت مربوط است. این جشن‌ها و عزاها در تمام دنیا عمومیت دارند و فقط شکل برگزاری شان متفاوت است و این هم به تفاوت در فرهنگ‌ها و باورها مربوط می‌شود و به تناسب آب و هوا و مسائل تاریخی و جغرافیایی متغیر هستند، ولی اصل مساله یکسان است. برای مثال نمی‌توانیم بگوییم نوروز به ما تعلق دارد، این طور نیست. در بین‌النهرین و بسیاری نقاط دیگر هم بوده و نشانه‌های زیادی در این مورد وجود دارد و یا عمو نوروز و چهارشنبه سوری در نقاط دیگر دنیا به شکلی دیگر برگزار می‌شود و اسم‌های دیگری دارد.

مراسم چهارشنبه سوری از مراسم نوروز قوی‌تر است. البته دلایلش را نمی‌دانم و امیدوارم روزی به دلایل آن پی ببرم. این که چرا در بعضی از مناطق آذربایجان به جای یک چهارشنبه سوری، سه چهارشنبه سوری برگزار می‌شود؛ این شاید به خاطر تقدس عدد سه است و شاید به علت بیشتر بودن روزهای سرد سال در این منطقه باشد. سور در زبان کردی به معنای سرخ است و به گل سرخ گل سوری گفته می‌شود. چنین روزی در اروپا و روسیه به نام یکشنبه سفید معروف است و دقیقاً آتش روشن می‌کنند و دور آتش می‌رقصند و شیرینی می‌خورند و قابلمه و قاشق بر می‌دارند و به هم می‌زنند و می‌روند از خانه‌ها خوراکی‌هایی جمع می‌کنند و معتقدند این به نوعی برای سال بعد برکت به

ارمغان می‌آورد. این را بگوییم که در دور آتشی که روشن می‌کنند، حتماً باید شیرینی بخورند و از روی آب می‌پرند. آدمک‌هایی از گیاه درست می‌کنند و آن‌ها را به آب می‌دهند و معتقدند این کار برکت طبیعت را در پی دارد. مثلاً جک سبزپوش در انگلستان عین عمونوروز است، صورت پسر بچه‌ای را سیاه می‌کنند. کلاهی مثل بوق بر سرش می‌گذارند و لباس سبز می‌پوشانند که نماد گیاه است و در کوچه‌ها می‌گردانند و تمام این‌ها در تمام دنیا شبیه هم هستند. در تمام دنیا در جشن‌ها و عزاداری‌ها، کارهای مشترکی انجام می‌شود که یکی از آن‌ها خوردن و آشامیدن بیش از مواقع معمول است. امروزه البته به دلایل اقتصادی، امور دستخوش تغییر شده است. البته برخی مسائل نیز، تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر تغییر نموده‌اند و نکات مثبت را در آن‌ها شاهد هستیم. به عنوان مثال، دیگر در عزاها گریبان دریدن و کتک زدن و شیون کردن و صورت خراشیدن از بین رفته است. اگر این کارها را در مرگ عزیزی انجام نمی‌دادند، اطرافیان می‌گفتند این‌ها فرد متوفی را دوست نداشته‌اند. امثال این کارها نیز فارغ از غصه و مسائل عاطفی، رفتارهایی فرهنگی هستند که در خیلی از مناطق دنیا شبیه به هم هستند و یا بودند.

یک بخش کارهایی است که ارتباط اجتماعی را شکل می‌دهند و مردم با همدیگر وارد رابطه می‌شوند؛ مثل دید و بازدید و رفت و آمد و مسایل عاطفی که در میان مردم برقرار است و برخی از این کارها ریشه اقتصادی دارند. مثلاً در عزاها همه به همدیگر از لحاظ اقتصادی کمک می‌کنند، همسایه‌ها و فامیل‌ها غذا می‌پزند و به خانه صاحب عزا می‌فرستند و این کار محدود به ایران هم نیست. در آمریکا هم چنین می‌کنند. یک بخش کارهایی است که کاملاً آیینی هستند، ولی مبتنی بر باور دینی هستند. فرض کنید از روی آب و آتش پریدن که به عنوان تطهیر انجام می‌شده و امروزه برای ما معنی خودش را از دست داده است. یک بخش از این آداب و رسوم به باورهای دینی اولیه در ادیان غیرالهی بر می‌گردد که امروزه به آن جادو می‌گوییم. یعنی انسان معتقد است که اگر خودش بخواهد می‌تواند در امور تغییر ایجاد نماید. مثلاً خشکسالی شده و باران نمی‌بارد؛ بیاییم چند کودک تیم پیدا کنیم و آن‌ها را کتک بزنیم تا گریه کنند و در اثر گریه آن‌ها باران ببارد. این دقیقاً یک مثال جادویی است؛ یعنی ما اراده مان را به طبیعت تحمیل می‌کنیم. جادوی سیاه این است که نسبت به کسی دشمنی کنیم اما جادوی سفید این است که اراده خودش را در یک تغییر می‌خواهد اعمال کند. در برخی از این جشن‌ها مثلاً در بازار چهارشنبه که در جاهای دیگر هم رسم است، ما می‌رویم و آینه، شانه، نمک و جارو می‌خریم و تمامی این اجناس نماد بوده و معنای سمبلیک دارند: آینه دروازه ورود به جهان دیگری است و می‌شود حقیقت الهی را در آن دید و شانه در داستان‌ها هم آمده است که پهلوانی با شانه به جنگ دیورفته است و شانه به خار تبدیل شده است و به پای دیو فرومی‌رود. این‌ها بخشی از معانی جادویی هستند که باقی مانده‌اند و ما معنی گم‌کردگانی هستیم و همه به بازار چهارشنبه می‌رویم و فکر می‌کنیم رسم بر این است که به بازار برویم. البته این‌ها بد نیستند و منجر به ارتباط و عمل اجتماعی می‌شوند ولی شناختن ریشه این‌ها آگاهی عملی می‌دهد. البته می‌شود گفت چون انسان موجود ضعیفی است و نمی‌تواند با طبیعت در بیفتد، با ابزارهایی خود را در مقابل طبیعت مسلح می‌کند که بخشی از اینها جادو، آداب و رسوم و تقدس بخشی هستند.

در جامعه ما مخصوصاً در بین جوانان، مدرن شدن را معادل با حذف تمام سنت‌ها می‌دانند که کار اشتباهی است. چون هر نوع مدرنیته بر پایه سنت اتفاق می‌افتد اگر سنت‌ها را از بین ببریم در خلاء می‌مانیم که این خطرناک است. این در حالی است که تاثیر فرهنگ‌های دیگر بر فرهنگ بومی در همه دنیا اجتناب ناپذیر است و ما نمی‌توانیم این بده بستان جهانی را قطع کنیم، ولی زمانی فاجعه بار است که زیرپایمان را خالی کنیم و بخواهیم بدون توجه به سنت‌هایمان مدرن شویم. این کار ما را به تقلیدگران تبدیل می‌کند و تقلید بیچاره‌مان می‌کند. این تقلید کورکورانه در بین جوانان مشکل‌آفرین می‌شود. بنابراین، این نوع آداب و رسوم با علم و آگاهی به ریشه‌ها، ادامه دهنده شکل خاصی از فرهنگ است ولی هر قسمت از این آداب و رسوم که مزاحم و خطرناک و در عین حال مانع حرکت باشد، می‌توانیم تغییر شکل دهیم، ولی اینکه بیاییم نوروز را حذف کنیم و عید را جشن بگیریم، کار اشتباهی است.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با فرزین حق پرست مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی

تعالی فرهنگی، عمده‌ترین نقش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری است



کارایی: با توجه به موضوع پرونده نوروز، اساساً برای ما مهم است که بدانیم سیاست‌های سازمان میراث فرهنگی در سال آینده در ارتباط با خط سیر وظایف اصلی که دارد چه خواهد بود و در ادامه آن این که بفرمایید این سازمان به صورت مشخص برای نوروز چه برنامه‌ای دارد، سوال دیگرم در رابطه با عنوان «تبریز شهر منتخب گردشگری» در سال ۲۰۱۸ است و اینکه اساساً برنامه‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری که در راستای این انتخاب مدون شده‌اند، چیست؟ آیا برای بهره‌برداری از چنین فرصتی سیاست‌های خاصی در نظر گرفته شده است؟

حق پرست: در رابطه با سیاست‌های سازمان میراث فرهنگی سوال کردید. از نظر من عمده‌ترین نقشی که باید در این سازمان ایفا شود، نقش تعالی فرهنگی است و من شخصاً برای آن تلاش می‌کنم. علی‌رغم اهمیت این سازمان به عنوان یک دستگاه گردشگری و اهمیت ارزآوری آن در جایگاه جذب گردشگر، چیزی که برای من و جامعه اهمیت بیشتری دارد، مساله ارتقا فرهنگی است که بواسطه سیاست‌های درست در این سازمان، امکان تحقق می‌یابد.

کارایی: منظور شما این است که مهمترین کارکرد سازمان میراث فرهنگی، حصول به ارتقاء فرهنگی به واسطه گردشگری، افزایش تعامل با جهان است؟

حق پرست: بله، تعامل فرهنگی منجر به ارتقا فرهنگی می‌شود. منظورم عبارت cross cultural effects است که معمولاً گفت‌وگوی تمدن‌ها و یا تبادل فرهنگ‌ها ترجمه شده است. این باعث می‌شود که فرهنگ‌های مختلف،

رفتارها و اخلاقیات خوب یکدیگر را تکثیر و الگو برداری کنند. یک مثالی بزنم جندی پیش ما با یک هیأت اتریشی در اتاق بازرگانی بودیم و در آن مراسم چند نفر را به تریبون دعوت کردند تا در جایگاه ویژه رو به مردم بنشینند و آن افراد هم آمدند و نشستند، اما اتریشی‌ها تا زمانی که همه افراد نیامده بودند، نشستند. این برای خود من یک آموزش فرهنگی بود که باید به افراد احترام بگذاریم. یعنی یک سفر که اساساً هدف از آن امر دیگری است، منجر به برخی تعاملات فرهنگی و بده بستان‌های جالب توجه می‌شود.

اهمیت تعاملات فرهنگی و برداشت‌های مثبت از این رهگذر، زمانی بیشتر جلوه گر می‌شود که بدانیم برخی مشکلات موجود در جامعه امروز از جمله نرخ بزه، کژکاری برخی نهادها، کم‌رنگ شدن اخلاق و مشکلاتی همچون اعتیاد، در سایه پررنگ‌تر شدن صفات و ویژگی‌های مثبت فرهنگی، امکان مرتفع شدن می‌یابد.

رسالت میراث فرهنگی و اداره کل ارشاد هم بایستی توجه به این مهم باشد. به نظرم توجه غیر لازم به مساله ارزآوری در حوزه گردشگری برای سازمان‌های دولتی مخرب است و این دستگاه‌های اقتصادی هستند که می‌توانند و می‌باید به موازات افزایش گردشگران و مراودات فی‌مابین، به دنبال بهره‌برداری‌های اقتصادی و انتفاعی خود در این حوزه باشند.

کارایی: آقای حق پرست از نظر شما در منطقه ما اساساً ظرفیت گردشگری با امکانات موجود چقدر است؟

حق پرست: دقیقاً این سوال را دیروز یکی از خبرنگاری‌ها هم در این قالب

از من پرسید که چرا به عنوان مثال با توجه به ظرفیت های گردشگری موجود در استانبول، تبریز به عنوان پایتخت گردشگری در سال ۲۰۱۸ انتخاب شده است. من اعتقاد دارم زندگی تمام انسان‌ها می تواند تبدیل به یک رمان شود، از این روی با توجه به ظرف مکانی حیات، شهرها و سکونت‌گاه های انسانی محل وقوع این رمان هاستند و بالطبع همگی ارزش کیفی دارند. شما نمی توانید بگویید، استانبول زیبا و دیدنی است، ولی هرات چنین نیست چون در آن جا جنگ جریان دارد و تهدیدی به اسم طالبان وجود دارد. بالاخره، در تمامی شهرها، انسان ها داستان هایی برای گفتن دارند چراکه ارزشمندترین داشته خود یعنی عمر خود را در آن سپری کرده اند و آثار آن عمر

همچنان وجود دارد و برای همه قابل احساس است. مثلاً برخی جاها در تبریز وجود دارد که ما خودمان هم هنوز آن را ندیده ایم و وقتی می بینیم تعجب می کنیم از این که این همه سال از آن بی خبر بوده ایم. استانبول شهری است که نابسامانی فضای شهری مدرن در آن جا همانند تهران و تبریز وجود دارد و به جز بناهای تاریخی و مساجد که از طعم و بوی یکسان برخوردار هستند، در بقیه شهر نابسامانی وجود دارد و بی نظمی بصری و پارازیت های بصری در جاهای مختلف کم و زیاد وجود دارد.

کارایی: البته من از منظر مقایسه، این سوال را عنوان نکردم، شما اشاره کردید که هر شهری ارزش دیدن دارد به خصوص شهرهایی که دارای تاریخ طولانی هستند، به غیر از این، تبریز چه ویژگی دیگری برای انتخاب شدن به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام دارد؟

حق پرست: تبریز دارای اقلیمی است که در آن هر چهار فصل، هر یک با ویژگی های خود ملموس و محسوس است اما به عنوان مثال، استانبول به واسطه رطوبتی که دارد، فاقد این ویژگی است. من در اظهار نظر در ارتباط با تبریز و ویژگی های آن، تلاش می کنم از تعصب، بری باشم اما اعتقاد دارم هر جایی که انسان در آن جا زندگی کرده است، با ارزش است. اگر چه این ارزش نسبی است و تبریز در میان این نسبت‌ها از سطح پایینی برخوردار نیست. در بحث اقلیم، به عقیده من، شهر ما برای پر کردن اوقات سرد سال برای گردشگرها نیاز به کار و تلاش بیشتر دارد. ما به واسطه آب و هوای خنک و نسیم ملایمی که در بهار داریم، گردشگران داخلی و خارجی زیادی را جذب می کنیم، ولی در مابقی ماه‌ها و فصول سال جذب گردشگر ما به صورت تصادفی و برنامه ریزی نشده است. در این فصول، فقط نمایشگاه بین المللی است که می تواند افراد را به این شهر بیاورد که البته مبنای آن نوع گردشگری هم صرفاً تجاری و در حوزه کسب و کار است.

کارایی: من باز هم می خواهم به استانبول رجعت کنم. اورهان پاموک در کتاب «استانبول، خاطرات و شهر» و « موزه معصومیت» از حزن آن شهر صحبت می کند. موزه معصومیت که در آن حتی نه سیگارها هم نگه داشته شده، به نوعی نماد روح آسیب دیده شهر و زخم هایی است که مدرنیته بر تنه شهر وارد آورده است. به نظر شما آیا تبریز هم یک شهر محزون است؟

حق پرست: در رابطه با شهر تبریز اعتقاد دارم که این شهر جذبه ناشناخته ای دارد که اغلب واجد جذابیت است. این امر سابقه تاریخی نیز دارد، زمانی که زندگی نامه شعرا و دفن شده در مقبره الشعرا و یا مقبره العرفا را می خوانیم، می بینیم که در این شهر جذابیت هایی وجود دارد که آنان را برای همیشه دامنگیر کرده است. کمال خجندی از جمله آنهاست که باقی عمر خود را در این شهر ماند و در همین شهر وفات یافت. در مورد حزن شهر بایستی بگویم که بله این شهر بواسطه آسیب های طبیعی

من اعتقاد دارم تمامی انسان‌ها و زندگی تمام انسان‌ها می تواند تبدیل به یک رمان شود و همگی ارزش کیفی دارند. شما نمی توانید بگویید که استانبول زیبا و دیدنی است ولی هرات چنین نیست چون در آن جنگ و طالبان است بالاخره در تمامی شهرها در تاریخ خودشان یک عمر و فرایندی گذرانده شده و آثار آن عمر همچنان وجود دارد و برای همه قابل احساس است.

و انسانی محزون است. روحش آسیب دیده اما همچنان سوسومی زند. علاوه بر وقوع چندین زلزله مخرب در تبریز، برخی از مسئولین و متولیان امور این شهر، رفتار نامهربانانه ای با آن در پیش گرفته اند. با این وجود هنوز برخی از عناصر تاریخی هویت بخش به تبریز پابرجا هستند، همانند دیوار های مسجد کبود و یا یک دیوار از ارک. متأسفانه بایستی بگویم که تبریز واجد شخصیتی مظلوم است.

کارایی: و اما تهمیداتی که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در خصوص سال ۲۰۱۸ اندیشه است؟

حق پرست: من تقریباً کمی بیش از یک سال است که عهده دار ریاست سازمان گردشگری شده ام، اگر چه من سازمان را در شرایط بسیاری بدی تحویل گرفتم، با این وجود همواره اعتقاد داشته ام که آثار ایجاد تغییرات نرم افزاری و فرهنگی عمیق تر و ماندگارتر از حرکت های اجرایی است. از اینرو و با این اعتقاد شروع به کار در سه حوزه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نمودم. به عقیده من فعالیت در زمینه میراث فرهنگی، امری است که مرزهای ملی را بر نمی تابد و اگر صرفاً در حوزه استانی و ملی کار کنیم، برآیند قابل توجه و اثر ماندگاری در این حوزه باقی نمی ماند. در این حوزه در اصل می توان با ثبت آثار ملموس و ناملموس می توان یک هویت فرهنگی و تاریخی را بر جسته نمود. البته قبل از دوره تصدی من چنین چیزی برای بازار تبریز و کلیساها انجام شده است. پس از تصدی من هم پرونده جنگل های ارسباران و کندوان و یا یک سری آثار ارزشمند دیگر همانند سایت فسلی، مراغه را به لیست موقت فرستاده ایم. یعنی فرایند این کار به این گونه است که تمام آثار جهانی قبل از ثبت، وارد لیست موقت می شوند. اما پرونده ارسباران به یونسکو فرستاده شد و الان در دست بررسی است. در حوزه صنایع دستی هم شاهد هستیم که تبریز به عنوان شهر جهانی بافت فرش شناخته شده است و اعتبارنامه مربوطه هم آمده است.

و همین طور بحث شهر نمونه گردشگری ۲۰۱۸ که ما این موضوع را بسیار بااهمیت تلقی نمودیم و سریع مدارک مربوطه را آماده کردیم. البته قبل از آن هم، طی مراسم سازمان ارسیکا، که جایزه خلاقیت در هنر برای کشورهای اسلامی را اعطا می کند که به مثابه اسکار صنایع دستی کشورهای اسلامی است، در تبریز برگزار شد و چون داوران ارسیکا در انتخاب شهر نمونه گردشگری هم حضور داشتند، این جا را دیده بودند و شناخت داشتند، در فرایند تصمیم گیری تاثیر مثبتی ایفا نمودند. این هانشان دهنده این است که چنین اموری به تکیه یکدیگر به پیش می روند و بدین ترتیب یک موج ایجاد می شود. همچنین لازم است مردم را نیز از طریق رسانه ها، به این موج وصل نمود. خب ما کار خود را انجام می دهیم، ولی اگر شور و شوق و اشتیاق به وجود نیاید، قضیه خراب می شود. اگر این موج به مردم انتقال پیدا کند، به یک فولکلور تبدیل می شود و مردم خود امور مربوط به خود را اجرا می کنند. بدین ترتیب چنین اموری تبدیل به جریان می شود و اثر فرهنگی آن ماندگار می شود. ما اعتقاد داریم که این طیف از کارها باید زیربنایی انجام بشود.

کارایی: آیا برای این عنوان ۲۰۱۸ سیاست گذاری های خاصی انجام شده است؟

حق پرست: بله یک شورای سیاست گذاری با ریاست آقای استاندار تشکیل شده است که دارای پنج کمیته است. در بین این کمیته‌ها هم بخش خصوصی، هم بخش دولتی وجود دارد و تا به حال چند جلسه نیز تشکیل شده است. در نهایت تاکید من این است که در کشورهای توسعه یافته این سرمایه های اجتماعی هستند که کار می کنند نه دولت، و این مردم هستند که اعتقاد دارند باید برای کشورشان و شادابی آن تلاش کنند و هدف غایی و نهایی هم باید همین باشد.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با علی فلسفی، مردم شناس

در منطقه آذربایجان، نوروز جشنِ جشن هاست



کارایی: مفهوم و خاستگاه آیین های نوروزی را با در نظر گرفتن جغرافیای این منطقه تشریح بفرمایید که آیا نوروز و سنت های آن صرفاً به منطقه ای که از آن با نام ایران یاد می شود، عاید است و یا اینکه در مناطق دیگری نیز رسوم مربوط به نوروز همچنان زنده است؟

فلسفی: به نظر من برای پرداختن به خاستگاه نوروز حتماً باید اساطیر ایرانی را دنبال کرد. تا جایی که من در منابع مختلف مطالعه کرده ام خاستگاه نوروز را به جمشید نسبت داده اند؛ جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی ایران بوده است و دوره حکومت وی، دورانی طلایی بوده است. در اقوال اساطیری آمده است که نوروز، همان روز بر تخت نشستن جمشید است. اکثر انسان شناس ها و نوروز شناس ها خاستگاه این مراسم را ایران می دانند و معتقدند این مراسم از ایران به بین النهرین اشاعه پیدا کرده است و در دوره های مختلف برگزار

شده است. براساس نظر مهرداد بهار، اسطوره شناس نامی ایران، نوروز از هزاره سوم قبل از میلاد یعنی پنج هزار سال قبل در ایران سابقه داشته است و از آن تاریخ، دامنه آن به سایر مناطق مختلف کشیده شده است. همان طور که می دانیم، مرزهای فعلی متعلق به دوران جدید و سده های اخیر است به همین دلیل، امروز نوروز در دوازده کشور جشن گرفته می شود؛ کشورهایی همچون ایران، تاجیکستان، افغانستان، قرقیزستان، آذربایجان، پاکستان، هندوستان، عراق، ترکیه و حتی مصر. به همین دلیل نیز حدود چهار پنج سال قبل، نوروز به عنوان میراث بزرگ معنوی مورد شناسایی قرار گرفت و به عنوان میراث ناملموس جهانی در یونسکو ثبت شد. تا آنجایی که اطلاع دارم، نوروز بزرگترین پرونده میراث معنوی است که در یونسکو ثبت شده است.

خاستگاه نوروز همانطور که پیشتر گفتم به تاریخ باستان ایران بر می گردد از این روی به عنوان مثال، تخت جمشید صرفاً یک کاخ و ارگ حکومتی نیست، بلکه محلی برای نیایش و برگزاری آیین هاست که نوروز جزو مهمترین آن هاست. در دوره های مختلف تاریخی از جمله دوره اشکانیان و ساسانیان برگزاری نوروز با جدیت و عمومیت زیادی برگزار شده است. البته نبایستی از خاطر دور داشت که جشن نوروز همواره در اول فروردین برگزار نمی شود و در دوره هایی از تاریخ به صورت ادواری تاریخ آن تعیین و جشن گرفته می شد. اما در دوره سلجوقی، جلال الدین ملکشا به کلیه منجمان و ریاضی دانان از جمله عمر خیام دستور می دهد تا بهترین تاریخ را برای تثبیت نوروز انتخاب نمایند. منجم ها پس از

مذاقه و تحقیق در نهایت روز اول فروردین را به عنوان نوروز انتخاب می نمایند. یکی از دلایل انتخاب نوروز در اول فروردین، اعتدال شب و روز در این تاریخ است. به هر حال در قدمت این سنت هیچ شکی وجود ندارد و همچنین اسناد و شواهد محکمی در دست است که نوروز پهنه جغرافیایی بزرگی را در بر می گرفته است.

در دوره صفویه، نوروز رنگی اسلامی به خود می گیرد و باورهای جدیدی پیرامون آن صورت می گیرد که تا همین امروز هم باقی مانده است. حتی اگر همین الان هم به مناطق مختلف مسافرت کنید، خواهید دید که باورهای مذهبی پیرامون نوروز همچنان باقی است به گونه ای که در برخی اقوال آمده است که نوروز، آن روزی است که حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع) را به عنوان جانشین برای خود انتخاب کرده است. در برخی تحقیقات مرتبط با مردم نگاری می بینیم که در

تعدادی از روستاهای آذربایجان شرقی اعتقاد بر این است که نوروز، روزی است که حضرت علی(ع) بر تخت نشسته است. این رنگ و بوی اسلامی از دوره صفویه باقی مانده است. علامه باقر مجلسی از جمله کسانی است که به نوروز رنگ و بوی اسلامی داده است. البته من فکر می کنم، این امر، کار درستی بوده است چرا که اگر در ایران به نوروز رنگ و بوی اسلامی نمی دادند، شاید اثری از آن باقی نمانده بود. این زیبایی فرهنگ ایرانی است که برای پذیرش نوروز به آن رنگ و بوی دیگری داده است.

کارایی: پس شما فکر می کنید که این ترکیب و رنگ و بوی اسلامی از دوره صفویه به نوروز و سنت های مرتبط با آن اضافه شده است؟ و آن را مثبت قلمداد می کنید؟

فلسفی: بله، به نظر من اگر این گونه نمی شد، مراسم نوروز بیش از این آسیب می دید. البته به نظر خود من، نوروز همانند آب است: آبی که آن را در هر ظرفی بریزید، شکل آن ظرف را به خود می گیرد. این امر تا حدودی منبعث از فرهنگ ایرانی است. بدون شک، در هر دوره تاریخی، تغییراتی در آیین و مناسک نوروز روی داده است ولی نبایستی از نظر دور داشت که از شاخصه های اصلی فرهنگ این است که تغییر پیدا کند. در مورد نوروز و آیین های آن هم تغییراتی بسیار قابل توجهی روی داده است. اما به هر حال نوروز نماد فرهنگ ایرانی است. فرهنگ در واقع جلوه گاه حیات انسانی است و نوروز نماد آن است.

کارایی: شما به دوره صفوی و رنگ و بوی اسلامی که به نوروز داده اشاره کردید می‌خواهم از شما در رابطه با دوره پهلوی بپرسم. آیا مراسم نوروز در مقایسه با چهل سال اخیر دستخوش تغییرات مشخصی شده است؟

فلسفی: تغییرات زیادی ایجاد شده است به گونه‌ای که تقریباً هفتاد و هشتاد درصد از آیین‌های نوروزی قبل از انقلاب از میان رفته و الان شاید چیزی حدود بیست درصد پابرجاست.

کارایی: مشخصاً می‌شود یک نمونه را عنوان بفرمایید؟

فلسفی: می‌دانید که ایران ما دارای تنوع اقوام و فرهنگ است به گونه‌ای که هم اکنون در حدود بیست و دو قوم در کشور ما زندگی می‌کند. نوروز زیباست و یک حلقه واسط

میان اقوام ایرانی است و این، اهمیت نوروز را بیشتر می‌کند. در این راستا، اشتراکات فرهنگی هم وجود دارد. اما بر اساس تحقیقاتی که طی سال‌های اخیر انجام داده ام، عرض می‌کنم که در هیچ کجای ایران همانند آذربایجان نوروز را عزیز نمی‌دارند. در منطقه آذربایجان، نوروز جشن جشن‌هاست. اگر به حاشیه خلیج فارس مسافرت کنید، حال و هوا و رنگ و بوی نوروزی را بسیار کمتر احساس خواهید کرد. در رابطه با تغییرات سوال کردید. بله، همانطور که گفتم تغییرات فراوانی طی سال‌های اخیر روی داده است. در آذربایجان از پنجاه روز مانده به عید که مقارن با شروع چله کوچک است، پیک‌ها و سفیرهای نوروزی به روستاها و به خانه‌ها سر می‌زنند و آمدن عید را نوید می‌دانند. در آذربایجان تکم‌چی‌ها را داشتیم. تکم به معنای بُز نر و سمبلی از خبررسانی در فرهنگ ایرانی است. تکم‌چی‌ها یک سری اشعار می‌خواندند و نوید نوروز را می‌دادند و می‌گفتند مردم آگاه باشید که نوروز می‌آید. این را هم اشاره کنم که بز نر یا تکم همیشه در ردیف اول گله حرکت می‌کند تا هر جا علوفه و سبزه پیدا کند، گله را به آن سمت هدایت نماید. باستان‌شناسان در منطقه ورزقان تعداد زیادی نقش و نگار از این تکم‌ها بر روی سنگ‌ها نگاره‌هایی یافته‌اند که قدمت این سنگ‌نگاره‌ها را حدود دوازده هزار سال قبل تخمین می‌زنند.

گروه دیگری به نام سایاچی‌ها وجود دارند که همانند تکم‌چی‌ها اشعاری در وصف نوروز و نوید برای آمدن آن می‌خواندند. اشعار سایاچی‌ها، اشعار جالب و قابل تاملی هستند و دارای قدمت و پیشینه فراوان هستند. از دیگر پیک‌های نوروزی کوساها هستند؛ افرادی که به صورت نمادین لباس‌هایی متفاوت می‌پوشیدند، صورت‌های خود را سیاه می‌کردند و به صورت دسته‌جمعی روستا به روستا و کوچه به کوچه می‌گشتند و یک سری اشعار می‌خواندند که بهار می‌آید و نوروز می‌آید. این‌ها همگی نوید دهنده نوروز بوده‌اند ولی همه بویژه در مناطق شهری منطقه ما از بین رفته است.

چرا امروز در تهران حاجی فیروز باقی مانده است؟ یا اینکه چرا نوروز خوانی هادر شمال کشور همچنان وجود دارد و حتی اراده‌ای جدی برای احیای آن صورت گرفته است؟ تاسف انگیز است که این سنت‌ها در منطقه ما تقریباً به دست فراموشی سپرده شده است. اینجاست که سازمان میراث فرهنگی بایستی با همتی بلند، سنت‌های از دست رفته نوروزی را احیاء کند. در گیلان مراسمی به اسم نوروز بل وجود دارد که در تیرماه برگزار می‌شود. من در رابطه با این آیین مطالعه می‌کردم و متوجه

نوروز همانند آب است؛ آبی که آن را در هر ظرفی بریزید، شکل آن ظرف را به خود می‌گیرد. این امر تا حدودی منبعث از فرهنگ ایرانی است. بدون شک، در هر دوره تاریخی، تغییراتی در آیین و مناسک نوروز روی داده است ولی بنایستی از نظر دور داشت که از شاخصه‌های اصلی فرهنگ این است که تغییر پیدا کند. در مورد نوروز و آیین‌های آن هم تغییراتی بسیار قابل توجهی روی داده است اما به هر حال نوروز نماد فرهنگ ایرانی است. فرهنگ در واقع جلوه‌گاه حیات انسانی است و نوروز نماد آن است.

شدم که سازمان میراث فرهنگی نقش بسیار جدی در احیاء این مراسم داشته است اما در ادامه خود مردم منطقه هرسال این آیین را برگزار می‌کنند. به همین دلیل من فکر می‌کنم اگر حاکمیت و دولت بخواهد، می‌تواند این رسوم را دوباره احیاء کند. این امر، همت، هزینه و نگاه نومی خواهد.

امسال در سازمان میراث فرهنگی کشور، شورای سیاست‌گذاری نوروز تشکیل شد و حدود پانزده جلسه در این شورا برگزار گردید. تبریز، بین دوازده شهری است که مقرر گردیده به عنوان شهر هدف، در راستای احیای فرهنگ‌ها و رسوم و آیین‌های نوروز فعالیت نماید. در همین راستا قرار است از بیست و چهارم تا بیست و هشتم اسفند، آیین‌های نوروزی منطقه آذربایجان در حیاط بازار امیر و خیابان‌های مقصودیه و تربیت‌برگزار شود. من فکر می‌کنم که برای احیای سنت‌ها و آیین‌های نوروزی، این حرکت بسیار خوبی است.

کارایی: کارکرد نوروز در جامعه امروزی چگونه است؟ همچنین رابطه نسل‌های آتی را با این موضوع چگونه پیش بینی می‌کنید؟ اساساً کارکرد آیین‌ها در حیات مدرن چگونه است؟

فلسفی: بالطبع هر آیینی اگر کارکرد نداشته باشد، از بین خواهد رفت و کارکرد نوروز بسیار قابل ملاحظه است. نوروز، جشن نوزایی است. نوزایی طبیعت. پایان سال به منزله ابدیت و آغاز سال و نوروز به مثابه ازل میباید. این نوزایی در روستاها، در مزارع و در طبیعت کارکرد خود را دارد چون روستاها بر خلاف شهرها ارتباط بیشتری با طبیعت دارند و کارکرد نوشدن طبیعت در آن مناطق بیشتر دیده می‌شود. به هر حال آنچه مسلم است آیین‌های نوروزی کم رنگ تر شده است اما لازم است با ارتقا آگاهی مردم از آیین‌های نوروزی و کارکردهای آن، به روزهای پرتالو پیشین بازگردیم. ارتقاء آگاهی در ارتباط با نوروز، باعث می‌شود تا خود مردم از فرهنگ نوروز محافظت کنند و فرهنگی را که در این مورد موجود بوده و کم کم در غبار فراموشی می‌رود را احیاء نمایند.

آیین‌های نوروزی ما بسیار است، بخشی از آن در بین زرتشتیان هنوز جریان دارد، بخشی نیز در مناطقی از ایران بزرگ که اکنون مرزبندی‌های جدیدی در آن صورت گرفته، همچنان ساری و جاریست. از جمله رسم جشن گرفتن چهار چارشنبه خاکستر، چهارشنبه گل و چهارشنبه آخر. یا رسم سفره یا خوان نوروزی که تمامی اطعام و خوراکی‌ها در آن یافت می‌شد و بسیار مقدس تلقی می‌شد که امروزه متأسفانه تنها یک سفره هفت سین از آن باقی مانده است. البته سفره هفت سین به این صورت فعلی وجود نداشته و رواج این سفره هفت سین در آذربایجان بویژه در نقاط شهری صرفاً به هفتاد سال پیش باز می‌گردد. اصل هفت سین، متشکل از هفت ماده کاشتنی و رویان بود که در اسفند ماه آنها را در هفت سینی می‌کاشتند و از نحوه رشد و نمو آنها پیش بینی می‌شد که در سال رو به رو کدام محصول پر حاصل تر خواهد بود تا از آن برای کشاورزی سال پیش رو بهره‌گیرند.

به هر حال نوروز رسم و آیینی است دوست‌داشتنی که هم عامل وفاق میان قومیت‌ها و گروه‌های مختلف قومی است و هم ظرفیت آن را دارد که به عنوان نمادی از صلح و دوستی در جهان مطرح گردد.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با مهدی بزاز دستفروش رئیس امور موزه‌های اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی

آذربایجان شرقی در زمینه موزه‌ها جزو استان‌های پیشتاز است



کارایی: آقای بزاز لطفاً در رابطه با سابقه تاریخی موزه در شهر تبریز توضیحاتی بفرمایید.

بزاز: استان آذربایجان شرقی در زمینه موزه‌ها جز استان‌های پیشتاز است و این پیشتازی، هم به لحاظ سابقه امر و هم به لحاظ تعدد و تنوع موزه‌هاست که در استان آذربایجان شرقی فعال هستند. سابقه ایجاد موزه در این شهر به سال ۱۳۲۸ می‌رسد، یعنی غیر از تهران، تبریز جزو اولین شهرهایی است که موزه در آن تشکیل شده است. در سال ۱۳۲۸ موزه دانشگاه تبریز تحت عنوان «موزه آذربایجان» در دانشکده ادبیات شروع به کار می‌کند و در ادامه موزه آذربایجان فعلی در سال ۱۳۳۶ بنیان‌گذاری می‌شود و در مکان فعلی در

سال ۱۳۴۶ شروع به فعالیت می‌کند. امروز ما ۱۶ موزه که زیر نظر سازمان میراث فرهنگی هستند، داریم. از این مقدار ۴ تا به صورت مشارکتی مدیریت می‌شوند و مابقی تحت مدیریت مستقیم سازمان میراث فرهنگی می‌باشند. موزه‌های دیگری نیز وجود دارند که شامل موزه‌های شهرداری، محیط زیست و دو موزه دانشگاه تبریز می‌گردد. این تعداد موزه باعث می‌شوند که جایگاه مادر کشور و بین استان‌های دیگر متمایز شود.

کارایی: آقای بزاز لطفاً بفرمایید که اساساً اهمیت فرهنگی، تاریخی موزه چیست؟

بزاز: به غیر از اینکه موزه‌ها از آثار محافظت و صیانت می‌کنند و آثار تاریخی را برای نسل‌های آینده و گردشگران و مردم جامعه به نمایش می‌گذارند، رسالت‌های دیگری هم عهده دار هستند و کارکردهای دیگری هم دارند. در دنیا موزه‌ها در زمینه پژوهش و آموزش نیز فعال هستند. متأسفانه در کشور ما موزه‌ها جایگاهی که باید داشته باشند را ندارند. شاید دلیل این امر، این باشد که موزه داری یک مقوله جدید وارداتی است و قدمت آن در ایران شاید فراتر از صد و پنجاه و یا دویست سال نباشد. نیاز است که موزه داری همگام با دنیا خود را به روز کند و روز به روز به وادی‌های جدیدتری پای بگذارد. امروز در دنیا موزه‌ها رسالت سنگینی دارند و سواً، کارکردهای مورد انتظار از یک نهاد فرهنگی، موزه، هم در حوزه آموزش و هم در حوزه پژوهش رسالت دارد. می‌بینیم که در کل کشور با آن جایگاه شایسته و بایسته موزه فاصله داریم. موزه داری در ایران، در نگهداری و نمایش اموال خلاصه می‌شود، ولی هدف این است که کارکردهای آموزشی و پژوهشی موزه‌ها را نیز فعال کنیم. همان طور که گفتم آذربایجان شرقی در کشور به لحاظ تعدد و تنوع جایگاه خوبی دارد. موزه‌های تخصصی که در استان آذربایجان شرقی وجود دارند، موزه‌های شاخصی هستند. ما موزه مشروطه، موزه قاجار، موزه صفوی،

موزه ایلخانی داریم و اکثراً انتخاب هوشمندانه زمان و مکان در آنها دیده می‌شود. ما در تبریز موزه قاجار را داریم که وقتی به جایگاه تبریز در دوران قاجار رجوع می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تبریز در این دوره جایگاه بسیار بالایی دارد و دارالسلطنه و دروازه ورود پدیده‌های نوین به ایران است. این پدیده‌های نوین در ابتدا در این شهر تجربه می‌شوند و بعد به کل کشور تسری پیدا می‌کنند. موزه قاجار هم الان دقیقاً از لحاظ مکانی در جایی است که ارتباط ظرف و مظهر در آن دیده می‌شود؛ خانه امیرنظام گروسی که یک عمارت دوره قاجاری است و به یکی از حاکمان و افراد تاثیرگذار آن دوره منسوب است.

کارایی: آقای بزاز بحث که به اینجا کشید، می‌خواهم این سوال را بپرسم که اساساً متولیان این امر فرهنگی چقدر تلاش کرده‌اند که موزه‌ها با شهروندان ارتباط برقرار کنند. امروز خود من به عنوان شهروند آشنایی چندانی با موزه‌هایی که شما برشمردید، ندارم شاید بخشی از این امر به خود شهروندان مرتبط باشد ولی آیا اساساً سیاستی وجود دارد که این ارتباط پررنگ تر شود؟ و اینکه متولیان این امر چه میزان در این فرایند کوتاهی نموده‌اند؟

بزاز: بله متأسفانه این ارتباط ضعیف است و این را در مورد عموم آحاد جامعه عرض می‌کنم. ارتباط با میراث فرهنگی کم است. ما هم نقش بارزی داریم و این طور نیست که بگوییم مردم دنبال این قبیل مسائل نمی‌روند، ما باید معرفی کنیم و داشته‌هایمان را نشان دهیم و در این زمینه باید خیلی کار کنیم و در قالب‌های مختلف و رسانه‌ها اقدام کنیم. طبعاً اگر در شهر ما داشته‌ها و جاذبه‌هایمان شناخته نشود، در فرایند شناخت این‌ها به افراد دیگر دچار مشکل می‌شویم. ما اول باید شهروندان و مردم خود را با این موزه‌ها آشنا کنیم و این که چه چیزهایی داریم در این صورت شهروندان با گذشته غنی و پربر شهرمان آشنا می‌شوند و آن را به افراد دیگر نیز معرفی کنند. باید خیلی تلاش کنیم تا از طریق رسانه‌ها، در قالب تبلیغات و چاپ بروشور و کتاب این ارتباط را برقرار نماییم. مدارس و دانش‌آموزان نقش پررنگی در فرایند آشنایی با موزه‌ها دارند. ما سعی داریم که این ارتباط ایجاد شود و نسل کودک و نوجوان هم با تاریخ خود آشنا شوند این نسل بهترین مروچین و عامل جذب خانواده‌ها به موزه‌ها خواهند بود.

کارایی: آیا مطالعات تطبیقی بر مبنای گردش مالی که موزه‌ها در دنیا دارند، انجام شده است؟ آیا اساساً گردش مالی و درآمد موزه‌ها را می‌توان به طور مشخص یک شاخص برای سنجش کیفیت موزه داری



دانست؟

بزاز: مساله گردش مالی در رابطه با موزه‌ها شاید به صورت مستقیم اهمیتی نداشته باشد چون در دنیا موزه یک موسسه غیرانتفاعی است. منتها می‌توان به شکل‌های مختلف به موزه‌ها زمینه‌هایی از کارکرد اقتصادی داد. منتها ما هنوز خیلی با این موفقیت فاصله زیادی داریم و فعلاً بیشتر به لحاظ معرفی و نگهداری هزینه می‌کنیم. مورد دیگر، این است که شاید موزه‌ها به صورت مستقیم درآمد نداشته باشند ولی وقتی مسافری به شهری می‌آید و با موزه‌های متعدد و متنوع روبه‌رو می‌شود، باعث جذب بیشتر گردشگر می‌گردد و به صورت غیرمستقیم بر روی میزان رفت و آمد مسافران تاثیر دارد، ممکن است مدت اقامت گردشگران به دلیل وجود موزه‌ها بیشتر و طولانی‌تر شود. ولی درآمدی که موزه‌ها از محل فروش بلیط دارند بسیار ناچیز است و شاید حتی کفاف بخشی از هزینه‌های جاری را هم نداشته باشد.

به غیر از اینکه موزه‌ها از آثار ما حفاظت و صیانت می‌کنند و آثار تاریخی را برای نسل‌های آینده و گردشگران و مردم جامعه به نمایش می‌گذارند رسالت‌های دیگری هم عهده دار هستند و کارکردهای دیگری هم دارند. در دنیا موزه‌ها در زمینه پژوهش و آموزش فعال هستند. مناسبانه در کشور ما موزه‌ها جایگاهی که باید داشته باشند را ندارند شاید دلیل این امر این باشد که موزه داری یک مقوله جدید وارداتی است و قدمت آن در ایران شاید فراتر از صد و پنجاه و یا دویست سال نباشد

کارایی: آقای بزاز من اخیراً به صورت

اتفاقی گذرم به موزه عصر آهن افتاد و تنها پس از شنیدن توضیحات مسئول آنجا متوجه شدم که مکان بسیار جالبی است. فکر می‌کنم تعداد اندکی از شهروندان ما از وجود چنین جایی خبردار باشند. نمی‌دانم آیا تعمدی در عدم اطلاع‌رسانی از وجود چنین سایت‌های تاریخی ارزشمندی وجود دارد؟

بزاز: نه هیچ تعمدی وجود ندارد. شاید مقداری نارسایی وجود دارد. ما باید بتوانیم و تلاش کنیم این نارسایی‌ها را جبران نماییم. در قالب یک تعداد برنامه که هم اکنون با صدا سیما در حال اجراست، درصد معرفی این مکان‌ها از طریق شبکه‌های استانی و ملی هستیم. ما باید خیلی تلاش کنیم. عدم وجود ارتباط سازنده مردم با موزه‌ها برای خود من هم ملموس است؛ چون با مردم برخورد‌های متفاوت و مختلفی داریم. سایت موزه عصر آهن تبریز از سایت‌های هزاره قبل از میلاد است و در نوع خود یک مجموعه بی نظیر است اما باید در حوزه معرفی بسیار تلاش کنیم تا افراد بیشتری با این داشته‌ها آشنا شوند. وقتی مردم ما با این موزه‌ها آشنا شوند، مسیرهای مختلفی برای بهره‌برداری از پتانسیل‌های موجود باز می‌شود. ما الان به دنبال این هستیم که با بعضی دانشگاه‌ها همکاری داشته باشیم. به طور مثال با دانشگاه تبریز صحبت‌های مقدماتی را انجام داده ایم تا در طول ترم، چند جلسه از کلاس‌هایی که مرتبط با دوران قاجار هستند، در محدوده و محوطه موزه قاجار برگزار گردد. این امر بسیار جالب و زمینه‌ساز همکاری‌های بیشتر خواهد شد. حضور در این فضا ممکن است تعدادی از دانشجویان را به تحقیق بیشتر تشویق نماید و مسیرهای جدیدی را پیش پای آنها بگشاید. همان طور که عرض کردم، موزه‌های ما به لحاظ تعدد و تنوع

سرنوشت نتیجه انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه تبریز: قطعیت و تعلیق در کنار هم

در تاریخ ۸ اسفند، ستاد انتخابات استان آذربایجان شرقی اعلام کرد که مسعود پزشکیان با ۲۶۱ هزار و ۳۹۴ و احمد علیرضاییگی با ۲۳۵ هزار و ۱۹۶ رای، مستقیماً به مجلس راه یافتند و ۸ کاندیدای مجلس نیز بایستی برای رسیدن به ۴ کرسی باقی مانده از حوزه انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکو در دور دوم به رقابت بپردازند. بدین بهانه به سراغ آقایان بهرام سرمست، مسئول ستاد انتخاباتی شورای اصلاح طلبان و فیروز رضائی، رئیس ستاد انتخاباتی اصولگرایان آذربایجان شرقی رفتیم تا از تحلیل ایشان در ارتباط با نتیجه کسب شده در مرحله اول و پیش‌بینی‌های مربوط به نتیجه مرحله دوم انتخابات در این حوزه باخبر شویم.



احمد علیرضاییگی



مسعود پزشکیان



زهرا ساعی



شهاب‌الدین بیمقدار



میرعلی اصغر الموسوی



عباس عباس‌زاده



علیرضا منادی



محمد اسماعیل سعیدی



محمد حسین فرهنگی



سید محمد رضا میر تاج‌الدینی

جایگاه خوبی دارند ولی بین همه این‌ها چند موزه داریم که جای کار کردن روی آن‌ها بسیار زیاد است به طوری که این موزه‌ها در سطح ملی نیز مطرح هستند همانند موزه قاجار، موزه مشروطه و موزه ایلخانی مراغه. همین موزه ایلخانی مراغه تنها موزه تخصصی در ارتباط با دوره ایلخانیان در سطح کشور است و در بهترین مکان ممکن یعنی در شهرستان مراغه که اولین پایتخت ایلخانان مغول در ایران بوده، ایجاد شده است. در این موزه آثاری متعدد از دوره ایلخانی که در این شهر وجود دارد، در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. در آینده ممکن است بتوان مراغه را به یک قطب پژوهشی در زمینه تاریخ دوره ایلخانی در ایران تبدیل کرد. همین‌طور موزه مشروطه که هم جایگاه نهضت مشروطه در ایران و هم جایگاه تبریز در این نهضت و به ثمر رساندن آن مشخص است.

کارایی: در رابطه با این عنوانی که تبریز برای سال ۲۰۱۸ به دست آورده است، آیا موزه‌ها و مدیریت مربوطه برنامه مشخصی برای سهیم شدن در معرفی تبریز دارند؟

بزاز: طبعاً بله، موزه‌ها هم جز آن مجموعه‌های هستند که مقرر است برای سال ۲۰۱۸ تجهیز گردند. موزه‌ها بخشی از ظرفیت میراث فرهنگی و گردشگری ما هستند و باید به آنها توجه ویژه شود. برگزیده شدن تبریز به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در سال ۲۰۱۸، می‌تواند برای مادر تمامی عرصه‌ها به مثابه سکوی برای پیشرفت پرشی باشد و باید این را بسیار مغتنم بشماریم. ۲۰۱۸ در واقع فرصتی است که تبریز به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در دنیا مطرح می‌شود و از این رهگذر خواهیم توانست خود را به دنیا معرفی نماییم. در همین راستا ما جلساتی درون سازمانی برگزار نموده ایم و اهدافی که مدون شده‌اند، در دو محور قابل تبیین است. یکی اینکه ما تا حد امکان و تا آن زمان محتوای موزه‌های موجود را تقویت و جذاب نماییم و بازنگری کنیم و محور بعدی، بحث موزه‌های جدید است که در دست احداث هستند. هم اکنون، موزه فرش در حال تأسیس است و امیدواریم تا آن زمان به بهره‌برداری برسد. مکان این موزه در خیابان خاقانی پشت موزه آذربایجان و مسجد کبود است و انشالله با توجه به کیفیت و ارزش فرش تبریز جای خوبی خواهد شد.

در حوزه جهانی از پروژه‌های دیگرمان به صورت مشارکتی، می‌توانم موزه صدرا نام ببرم که بر روی آن کار می‌کنیم و امیدواریم تا آن زمان به بهره‌برداری برسد. موزه نقاشی را که در صدد هستیم در خانه حریری در خیابان تربیت، با توجه به ویژگی‌های معماری که در آنجا وجود دارد و با توجه به جایگاه هنری مکتب هنری تبریز که در دوره ایلخانی و صفوی وجود داشته است، راه اندازی کنیم. این‌ها از پروژه‌های موزه‌ای ما هستند که امیدواریم که تا آن زمان برسد و آماده بازدید در سال مذکور باشند.

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با بهرام سرمست مسئول ستاد انتخاباتی شورای اصلاح طلبان در حوزه انتخاباتی تبریز، اسکوو آذرشهر

کارآمد کردن ترکیب مجلس شورای اسلامی، با ورود نمایندگان بدون حاشیه و همسوی با دولت، محقق می‌شود

کارایی: حال که نتایج انتخابات مجلس مشخص شده است آیا تحلیل خاصی از نتایج دارید؛ با توجه به اینکه نتایج مرحله اول انتخابات نشان از قطبی شدن شرایط دارد؟ و اینکه اصلاح طلبان در نهایت چگونه، لیست مربوط به خود را حاضر کردند و ارائه نمودند؟

سرمست: ضمن تشکر از شما، می‌توان گفت انتخابات فصل بهار فعالیت احزاب است منتها در کشور ما که به دلیل برخی مسائل سیاسی و تاریخی، احزاب نتوانسته‌اند، کارکرد واقعی خود را پیدا کنند اما خوشبختانه در طول چند سال گذشته خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، فضایی برای فعالیت احزاب ایجاد شده است و احزاب در دو سوی اصولگرا و اصلاح طلب به فعالیت خود می‌پردازند؛ این دو جناح دوشادوش هم در مقاطع مختلف تاریخی در کنار هم صف آرایی کرده‌اند. البته این جریان‌ها در هر مقطعی، اسامی مختلفی اعم از چپ، راست، اصولگرا و اصلاح طلب داشته‌اند. در این دوره هم، هم احزاب اصولگرا و اصلاح طلب مقابل یکدیگر صف آرایی نمودند. در استان آذربایجان شرقی هم، احزاب اصلاح طلب نمایندگی‌های احزابی بودند که در سراسر کشور وجود داشتند و در استان ما هم شعبه داشتند. افراد دیرپر در قالب



واقعیت این است که دولت با برجام موفقیت بی نظیری را کسب کرده بود و برای اولین بار تیم مذاکره کننده ایران توانسته بود بر شش قدرت جهانی فائق شود. در این مقطع لزوم برداشتن گام دوم در سیاست داخلی بیش از پیش احساس می‌شد و این گام، کارآمد کردن ترکیب مجلس شورای اسلامی، با ارسال نمایندگان بدون حاشیه و همسوی با دولت، است. بر همین اساس، از بین کاندیداهایی که تایید صلاحیت شده بودند، تمایلات اصلاح طلبانه نامی از افراد می‌گرفتند. این لیست با توجه به پاکدست بودن، دلسوزی و سابقه کاری شان اعضای آن، قابل دفاع بود. خوشبختانه مردم هم با توجه به بلوغ سیاسی خود، همانند تهران از این لیست استقبال کردند. آقای دکتر پزشکیان ۲۶۱۶۰۵ رای کسب کردند که این میزان رای در تاریخ انتخابات ده دوره مجلس در تبریز یک رکورد محسوب می‌شود. بالاترین رای مردم تبریز به آقای اعلمی و ۱۹۰۰۰۰ بوده است. به نظر من رای آقای پزشکیان، نشان دهنده اقبال مردم به جریان اصلاحات است. البته آقای بیگی هم به مجلس راه پیدا کردند اما نایبستی فراموش کرد، از هشت نفری که برای مرحله دوم باقی مانده‌اند، چهار نفر از افراد موجود در لیست امید هستند که مردم به آن‌ها اقبال نشان داده‌اند.

امیدواریم در ادامه موج آگاهی سیاسی که در تهران دیده شد و نسیم آن هم به سراسر کشور وزید، در تبریز هم لیست امید مورد اقبال واقع شده، این موج در مرحله دوم، با شتاب بیشتری پیش برود. نایبستی فراموش کنیم که مجلسی که همگرایی و همسویی نداشته باشد، درگیر کشمکش‌هایی می‌شود که در نهایت ائتلاف منابع را در پی دارد. اما یک تیم منسجم همفکر و همسو می‌تواند در رابطه با لوائح مخصوصاً لوائح توسعه‌ای که برای استان مد نظر است، کارنامه خوبی را از خود به نمایش بگذارد.

کارایی: پس پیش بینی شما این است که موفقیت صد درصدی لیست امید در تهران می‌تواند در این جا هم تاثیرگذار باشد؟

سرمست: بله در کلان شهرها سطح آگاهی‌های سیاسی و انتخاب افراد، هوشمندانه و براساس گرایش‌های سیاسی است تا بده بستان‌های رو در رو و چهره به چهره باشد و یا تعلقات قومی و قبیله‌ای. ما این آگاهی و بلوغ سیاسی را به فال نیک می‌گیریم و مقدمه‌ای نه‌آید شدن تحزب در کشور می‌دانیم. در این رابطه نقش بزرگان اصلاحات و کسانی که مردم را به مشارکت حداکثری تشویق کردند، شایان توجه است و این که جریان اصلاحات نشان داده است که به آن پختگی و عقلانیتی رسیده که مسائل را به طرز واقع‌بینانه دنبال کند. با ما توجه به این‌ها نکات، امید فراوانی داریم که در مرحله دوم هم کاندیداهای ما به مرحله‌نهایی برسند و من به این امر بسیار خوشبین هستم.

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با فیروز رضایی رئیس ستاد انتخاباتی اصولگرایان آذربایجان شرقی

نتیجه نشان می‌دهد که هر دو جریان به صورت متوازن از پله انتخابات بالا آمده‌اند

کارایی: آیا اصولگرایان در قالب یک لیست واحد فعالیت می‌کردند و آیا این که فعالیت‌های انتخاباتی این گروه در این دوره، براساس اجماع نظر شکل گرفت؟

رضایی: بله ما هم لیست ارائه کردیم. این امر چه در میان اصول‌گرایان و چه در جبهه اصلاح طلبان مشترک بود. چرا که هم اصول‌گرایان و هم اصلاح طلبان، فاقد تشکیلات حزبی منسجم هستند و تنها در ایام انتخابات و بنا به ضرورت‌هایی تشکل‌هایی ایجاد می‌شود. علی‌الاحوال، شورای همگرایی اصولگرایان از مدت‌ها قبل فعالیت خود را در تبریز آغاز کرد و با مطالعه و همفکری به یک لیست واحد دست‌یافتند.

کارایی: مهم‌ترین اصولی که اصولگراها از آن دفاع می‌کنند و به عبارت دیگر آن‌ها را از خط اصلاح طلبان جدا می‌کند، کدام‌هاست؟

رضایی: ببینید نه اصلاح طلبی و اصلاحات دارای مانیفیست مشخص و تعریف شده است و نه اصول‌گرایی. خطوط فاصل بین اصلاح طلبی و اصول‌گرایی آن جایی تمییز می‌یابد که مبنای از جانب هر دو طرف مشخص و روشن شود اما در غیاب این اصول مشخص و مدون، عملاً دیدگاه فردی غلبه می‌کند و هرکسی از ظن خود سخن می‌گوید. اما می‌توان دو نکته عمده را در جریان اصول‌گرایی مورد تأکید قرار داد:

جریان اصول‌گرایی، به توانایی و ظرفیت اسلام در اداره جامعه اعتقاد دارد و معتقد است اسلام می‌تواند به تنهایی جامعه را اداره کند، جامعه‌سازی کند و نظام اجتماعی را اداره کند. در مقابل، برخی‌ها با وام‌گیری‌ها و اضافاتی که بر این اصل وارد می‌کنند، باعث می‌شوند تا این حس ایجاد شود که دین توانایی اداره امور را به تنهایی ندارد.

نکته بعدی بحث اصول‌گرایی، بحث اولویت‌بندی ظرفیت‌های درونی و بیرونی است. جریان اصول‌گرایی، جریانی ریشه‌دار است و از دویست سال پیش این بحث‌ها همواره در فضای اجتماعی و سیاسی وجود داشته است و سابقه آن تقریباً به دوران قبل از مشروطیت می‌رسد. همواره دودیدگاه متعارض که عبارتند از دیدگاه درون‌زایی و بهره‌مندی از برون و دیدگاه برون‌زایی و کم‌دیدن درون در مقابل یکدیگر بوده‌اند.

جریان اصول‌گرایی در کنار اعتقادی که به ظرفیت تام و تمام دین اسلام دارد، توانمندی‌های درونی و ظرفیت‌های درونی را باور دارد. این امر بدین معنی نیست که از فرصت‌های بیرونی استفاده نکنیم، بحث ما، بحث اولویت‌هاست.

یعنی قوی دیدن و اعتماد به درون. تلقی ما این است که دوستان اصلاح طلب از قدیم‌الایام بیشتر به بیرون تأکید داشته‌اند و فکر می‌کنند این تأکید می‌تواند بسیار کارساز باشد ولی باور ما این است که تجربه تاریخی خلاف این را ثابت کرده است و در تمام ادوار تاریخی هروقت به درون تکیه کرده‌ایم، نتوانسته‌ایم در عین حال از بیرون هم بهره‌برداری نماییم. اما هر زمان به داخل و درون، بهای کمتری داده‌ایم، آسیب‌های جدی‌دامنگیر ما شده است. نمونه آن انتقاداتی است که در نهایت باعث به وجود آمدن رضاشاه شد، رضاشاه حاصل روشنفکری درون‌گرای و اسلام‌گرای است و معلول روشنفکری دوره انتهایی مشروطیت است.



کارایی: تحلیل حضرتعالی از نتیجه انتخابات اخیر در تبریز چیست؟

رضایی: خوب، نتیجه نشان می‌دهد که هر دو جریان به صورت متوازن از پله انتخابات بالا آمده‌اند، البته در استان ما تا آن جایی که به اطلاع من رسیده عموماً گرایش اصول‌گرایی پیروز بوده است و موفق به حفظ آرای بیشتری شده است. در مرحله دوم هم ما احتمال می‌دهیم این توازن ادامه پیدا کند، البته تلاش‌ها و برنامه‌هایی برای انتخابات در مرحله دوم داریم. البته نایبستی فراموش کرد که حضور مردم و نحوه ریختن آراء در سبد به صورت دقیقی قابل پیش‌بینی نیست.

کارایی: در رابطه با ترکیب مجلس آتی و نحوه تعامل آن با دولت چه پیش‌بینی می‌کنید؟

رضایی: تعامل، یک معامله دو سویه برد-برد است و ما در رابطه با مجلس و دولت مساله برد-برد نداریم.

کارایی: اتفاقاً فلسفه وجودی پارلمان‌تاریزم، مساله توازن قوا و نظارت بر قوه مجریه است.

رضایی: متوجه این مساله هستیم. منظوم این است که بین مجلس و دولت نایبستی رقابت باشد و مساله اصلی، بحث منافع ملی است. من هم با این حرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای موافق هستم که نه مجلس در دستان دولت است و نه مجلس در مقابل دولت. به هر روی مجالس ما تقریباً تعامل خوبی با دولت‌ها داشته‌اند و حتی بعضی اوقات این انتقاد وجود داشته است که مجالس در این تعامل مقداری افراط کرده‌اند و در ارتباط با نظارت کمی کوتاهی کرده‌اند. مجلس قدرتمند، مجلسی است که قبل از دست دادن منابع، قضایا را کنترل کند، لذا ترکیب مجلس آینده را مجلس مناسبی پیش‌بینی می‌کنم.

تبریز شهر جهانی بافت فرش

در مهر ماه سال جاری، اعضای هیات رییس آسیا اقیانوسیه شورای جهانی صنایع دستی که ارزیابی و انتخاب شهر جهانی فرش را به عهده داشتند، با بیان اینکه تبریز ظرفیت لازم را برای معرفی به عنوان شهر جهانی فرش دارد، این شهر را به عنوان پایتخت جهانی بافت شهر معرفی نمودند و طی مراسمی اعتبارنامه ای در این زمینه را به شهر تبریز اعطا نمودند.

شورای جهانی صنایع دستی (World Crafts Council) که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد، سازمانی غیرانتفاعی و غیر دولتی است. که هدف آن، ارتقاء جایگاه صنایع دستی، ارتقاء همکاری میان سازندگان صنایع دستی در جهان، تشویق، کمک و راهنمایی آنها و توسعه اقتصادی از طریق فعالیت های درآمدزا است.

ماهنامه کارایی در همین راستا، دست به تهیه پرونده ای زده است که در آن هم اهل نظر و هم اهل فن این رشته از ویژگی فرش در منطقه آذربایجان و بویژه تبریز سخن گفته اند؛ ویژگی هایی که تبریز را به کانون عمده عرضه فرش های شهری باف آذربایجان بدل کرده است.



کریم میرزایی - هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز و رئیس کمیته طرح و نقش انجمن علمی فرش ایران

قالی «گلستان تبریز» به مثابه تاریخ نگاری فرش تبریز

درآمدی بر فرش تبریز

اهمیت فرش تبریز را از جوانب مختلف می توان مورد مطالعه قرار داد. تاریخ فرش تبریز از مقوله های مهمی است که نه تنها در فرش منطقه بلکه در تاریخ فرش جهان، حتی عثمانی و هند، تاثیر به سزایی داشته است. حاشیه های کوفی و تزئینات کوفی که برای اولین بار در دوره سلجوقی در فرش های ایران و آناتولی بازنمایی شده اند به نام دیگری نیز قید گردیده است و آن هم تزئینات «شامی» است. بر خلاف تصور عده ای زیادی از پژوهشگران که این واژه را منشعب از شامات سوریه می دانند، اخیراً ثابت شده است که منظور از شام یا شامی، مرکز فرمانروایی ایلخانان، شنب غازان است که در غرب شهر تبریز واقع شده است.

تزئینات کوفی به وفور در قالی و منسوجات ایلخانان به کار رفته است. نمونه های بارز آن را می توان در تصاویر نسخه ای «جامع التواریخ» در رشیدالدین فضل الله همدانی مشاهده کرد. این گونه از تزئینات را در قالی های ترکمانی نیز به راحتی می توان سراغ گرفت. بی درنگ و بنا به گواهی سیاحان دوره ی ترکمانی، قالی های بسیار نفیسی، مسجد کبود را مفروش به نقوشی در شان نقش های کاشی کاری شده ی فیروزه ی اسلام می کرده است.

در دوره ی اوزون حسن آق قویون لو قالی های زیبایی در کاخ هشت بهشت او دیده شده است. هر چند نمونه های مستند بسیار کم آن هم در حد تکه پاره هایی از فرش آن دوران به یادگار مانده، اما به راحتی می توان قالی های ترکمانی را پیش آهنگ فرش های فاخر و بزرگ صفوی دانست.

فرش تبریز در دوره ی صفوی گام بسیار بلندی را برداشت. فرش های کلاسیک ایران بدون تردید سرچشمه ی آن به قالی های بسیار متنوع تبریز برمی گردد. قالی های صفوی از هر لحاظ پیشرفت چشم گیری داشته است. هم از جنبه ی فنی و هم از نقطه نظر نقش و مایه. فرش های شکارگاه، ترنج بندی، لچک ترنجی، درختی، چهار فصل، چهار باغ و گرفت و گیر در ابعاد مختلف نشان از رشد فزاینده ی قالی در تبریز سده ی دهم هجری است. نقش و نگار این قالی ها از زیبایی و تنوع چشم نوازی برخوردار است. لابد نقاشان درباری چون آقا میرک، سلطان محمد، میر محمود و دیگر نقاشان دربار شاه تهماسب در هنرنمایی این قالی ها سهم قابل توجهی داشته اند. قالی های تهماسبی دارای اسلیمی ها و ختایی های پر قدرت و ترکیب های سیال هستند.

فرش کنونی ایران حتی ترکیه و هندوستان، با واسطه و بی واسطه، مقتبس از فرش های صفوی تبریز هستند. نقاشانی که از تبریز جانب دربار گورکانیان هند و استانبول مهاجرت کردند تاثیر و افری در رونق قالی های آنجا داشته اند. فرش ایران در اواخر صفوی و در دوره ی افشار و زند، با یک افول چشم گیری دست و پنجه نرم می کند. تا جایی که مشخص است در این دوره صرفاً قالی های روستایی و ایلاتی توانست به حیات خود ادامه دهد. این اهتراز خیلی طولی نکشید. تا این که در دوره ی قاجار با فعالیت تولید کنندگان و تجار تبریزی قالی بافی تبریز دوباره احیا شد. این بار تجار تبریزی به تبریز اکتفا نکردند، بلکه قالی بافی را در سایر شهر های ایران، مانند ساروق، همدان، کرمان و مشهد نیز احیا کردند. به سخنی دیگر قالی امروز ایران مدیون تاجران فرش دوره ی قاجار تبریز هستند. در این دوره ها تجار به صورت مستقیم قالی های ایران را از طریق ترابوزان و بندر استانبول به مرکز اروپا صادر می کردند و این صادرات مورد توجه حکام قاجاری به ویژه ناصرالدین شاه قرار گرفت، تا جایی که خود فرمانی امضا کرد تا از رنگ های صنعتی در قالی ایرانی استفاده شود. قالی دوره ی قاجار تبریز مورد تقلید قالی بافان شهر «هرکه» در ترکیه قرار گرفت. قالی های سالتینگ و برخی قالی های جانمازی آناتولی به صورت مستقیم منبعث از قالی تبریز هستند.

قالی تبریز در دوره ی معاصر نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. قالی بزرگ عمو اغلو (مشهد) در زمره ی این قالی ها قرار دارد. اما آنچه قالی های معاصر تبریز را از قالی های دیگر متمایز می کند، وجود یک نوع جسارت در طراحی و رنگ آمیزی فرش تبریز است. طراحان و نقاشان معاصر تبریز توانستند از کالبد سنتی خارج شوند و روح و جان تازه ای بر قالی تبریز بدمند.

توجه به سلیقه ی بازار هدف در نقش و رنگ از امتیازهای قالی تبریز است. استفاده از نقش های چدنی، کاری و گچبری، دسته گل های فرنگی، رنگ های ملون، اقبال مشتری و متقاضیان غرب را به همراه داشته است. به همین منظور هم باز در برهه های از تاریخ معاصر فرش تبریز کمابیش بر فرش سایر نقاط ایران موثر بوده است. قالی تبریز با داشتن تاریخ قابل افتخار از تنوع بسیاری نیز برخوردار است. قالی های شهری یا همان کلاسیک، که در قلب تبریز یافته می شوند اهمیت به سزایی در صادرات دارند. قالی های شهرستانی هم چون هریس، گروس و مهریان نیز نقش مهمی در تجارت فرش منطقه و تبریز دارد.

قالی های هریس متقاضیان خود را در استان دارد. هر چند نوع کهنه و قدیمی آنها مشتریان خارجی را جلب می کند. قالی های روستایی، مانند قراجه، سمبران، حماملو که بیشتر در منطقه قره داغ بافته می شوند هنوز در بازار «سامان میدانی» خریداران خاص خودشان را دارند اما فرش های سخت باف ایلاتی نیز بر تنوع فرش بازار تبریز می افزاید. گلیم ها و جاجیم ها و ورنی های عشایر شاهسون در فروشگاه های صنایع دستی تبریز و تهران جایگاه ویژه ای برای خود دارند.

مقدمه بر قالی «گلستان تبریز»

قالی «گلستان تبریز» دارای ویژگی هایی است که این ویژگی ها را یک جادو دیگر قالی های تبریز نمی توان سراغ گرفت. تبریزی که قدمت قالی آن حداقل به دوره سلجوقی می رسد و بدون تردید مهد فرش های کلاسیک صفوی بوده است. قالی «گلستان تبریز» دارای ویژگی های منحصر به فردی است. توجه به سیر تحول و تطور نقوش از عمده ترین محورهای طراحی این قالی محسوب می شود. همان طور که از نام قالی «گلستان تبریز» برمی آید، این قالی همچون گلستان پرگلی است که انواع نقوش فرش تبریز را از دوره ی سلجوقیان تا دوره ی معاصر را در بر دارد. نقوش شکسته، هندسی و دوار که هر کدام حال و هوا و معنا و مفهوم رمزی و اسطوره ای را دارند و در این قالی نفیس به کار رفته اند. در مطالعه ی نقوش فرش تبریز به راحتی به تنوع بی نظیر آن می توان پی برد. حاشیه های کوفی یا شامی (شنب غازانی) که از دوره ی سلجوقی شروع و دوره ی ایلخانی به اوج خود می رسند تا نقوش اسلیمی و ختایی قدرتمند کاشیکاری های مسجد کبود تبریز که هم در انواع اسلیمی ها و هم در گوناگونی ختایی های بدیلند ما را در انتخاب و گلچین نقوش به زحمت می انداخت. همین طور نقوش قالی شیخ صفی که بزرگترین قالی طهماسبی تبریز محسوب می شود. استفاده از نقوش طبیعی در جعبه ها و جلد های لاکه به صورت گل و مرغ در دوره ی قاجار که نمونه های بی نظیر آن را می توان در موزه ی قرآن تبریز مشاهده کرد، از دیگر عناصری است که در طراحی این قالی به کار رفته است. فرش معاصر تبریز دارای گل های طبیعی با رنگ بندی خاص خود است که در این قالی در قالب بنه جقه ها عموماً در حاشیه و دور لچک استفاده شده است. ریز ماهی تبریز نیز چیزی نبوده که از نظرها دور بوده باشد. چنان چه گل های تشعیرگونه به صورت سواد و بیاض (نگاتیف و پوزیتو) در این قالی برگرفته از تشعیرهای مکتب تبریز صفوی، به صورت واضح استفاده شده است.

قالی «گلستان تبریز» مشحون از انواع نقوش اسطوره ای، تاریخی، طبیعی است. نقوش پرندگان مانند اردک و قو در برکه ها شناورند. مرغان مینیاتوری در لابه لای شاخ و بن گل های سرخ و زنبق های یاسی و بنفش نغمه سرایی می کنند. حیواناتی

چون خرگوش نیز بر تنوع و غنای نقوش این قالی می‌افزاید.

مشخصات کلی قالی «گلستان تبریز»:

اندازه: ۳۵۰ تا ۵۰۰ سانتی متر مربع
تعداد گره در هر دسیمتر مربع: ۱۰۰۰۰ گره
طرح اصلی: طرح به صورت لچک ترنجی است.

زمینه: زمینه به چهار لایه‌ی فرامتن، متن، پیشامتن و پسامتن تقسیم می‌شود. ترنج: ترنج قالی با الهام از ترنج قالی شیخ صفی، به صورت مدور و در حال چرخان است و برای القای حرکت وضعی با محور عمودی و افقی قالی ۳۰ درجه زاویه دارد. در عین حال دور ترنج شکل گرفته از خوشه‌های گل و مرغی قاجاری است.

لچک: ملهم از فرش شیخ صفی، گره‌های هندسی ترکمانی و ترنج هریس شکل گرفته است.

حاشیه: این قالی دارای حاشیه‌ی بزرگ، با گل‌های طبیعی و پرندگان در داخل بته جقه است. ریزماهی‌های خود رنگ زمینه حاشیه اصلی را پر می‌کنند. در هر دو طرف حاشیه اصلی، حاشیه‌های کوچک واقع شده‌اند. یکی کوفی و دومی ملهم از حاشیه مسجد کبود است. هم چنین در هر دو طرف حاشیه‌ها دو نوع زنجیره متفاوت به چشم می‌خورد.

۱- خط نستعلیق

خط نستعلیق: استفاده از خط نستعلیق برای مشخصات قالی شامل طراح، بافنده، تاریخ بافت، و شهر و کشور بافت. خطاط: این بخش به خط زیبای امپراطور خط تبریز جناب استاد یونس نصیری صورت پذیرفته است. استاد نصیری بیشترین خوشنویس ربا در جات ممتاز و فوق ممتاز در تبریز به جامعه‌ی بزرگ خوشنویسی ایران تحویل داده است. او در عین حال مدرس دانشگاه هنر اسلامی تبریز و چندین دانشگاه معتبر تبریز است که خدمات شایانی در اعتلای خوشنویسی تبریز دارند. علت انتخاب خط نستعلیق: در جهان اسلام خط نستعلیق به عنوان یک خط منحصر و خاص ایرانی شناخته می‌شود که از ترکیب خط نسخ و تعلیق شکل گرفته است. این خط در ربع آخر سده‌ی هشتم هجری قمری به قوه‌ی خیال میرعلی تبریزی وضع شد.

میرعلی تبریزی تبریزی (درگذشت ۸۵۰ ه.ق) با لقب «قدوة الکتآب» به معنی پیشگام خوشنویسان فرزند میرعلی سلطانی، از خوشنویسان بنام اسلامی و از مفاخر خوشنویسی ایرانی در سده‌های هشتم و نهم هجری (چهاردهم و پانزدهم میلادی) است. میرعلی تبریزی بزرگترین خوشنویس عصر امیر تیمور گورکانی و پسرش شاهرخ تیموری است. وی را واضع و مبدع خط زیبای نستعلیق می‌دانند. تذکره‌های بسیار درباره‌ی او قلم فرسایی کرده‌اند، از جمله در مجالس المومنین او را مردی فاضل می‌دانند و در مرآة العالم او را از دانایان ادب و دانش به حساب آورده‌اند. در رساله‌های قدیمی خوشنویسی داستانی نقل شده که میرعلی شبی در خواب، پرواز غازها را دید و حرکات سیال نستعلیق را از حرکات نرم بدن این پرندگان هنگام پرواز الهام گرفت.

میرعلی تبریزی مورد ستایش هنرمندان بزرگی قرار گرفته است از آن جمله: میرزا سنگلاخ، هفت قلم را به میرعلی نسبت می‌دهد و می‌گوید از ترکیب خط «نسخ» و «تعلیق» خط جدید «نستعلیق» را به وجود آورد. صاحب خلاصه التواریخ می‌گوید او جمیع خطوط را منسوخ کرد. در گلستان هنر آمده است که میرعلی خط نستعلیق را وضع نمود و به پسر خود تعلیم داد. سلطانعلی مشهدی ملقب به «سلطان الخطاطین» در منظومه‌ای گفته است:

نسخ تعلیق اگر خفی و جلی است
واضح الاصل خواجه میرعلی است
تا که بوده است عالم و آدم
هرگز این خط نبوده در عالم
وضع فرمود او به ذهن دقیق
از خط نسخ و خط تعلیق
نی کلکش از آن شکر ریز است
که اعلش از خاک پاک تبریز است.

میرعلی که مدتی در بغداد در دربار سلطان احمد جلایر (۷۸۲-۸۱۳ ه.ق) بود کلیات فارسی خواجه‌ی کرمانی را به تاریخ ۷۹۸ ه.ق به خط نستعلیق در بغداد نوشت. این نسخه‌ای از مثنوی «همای و همایون» اثر خواجه‌ی کرمانی در کتابخانه بریتانیا به خط او موجود است.



پس چه زیباست که ما نیز برای این فرش ماندگار از خوشنویسی خاص سرزمین‌مان که توسط یک بزرگ مرد تبریزی در دوره‌ی جلایری و تیموری شکل گرفته استفاده کنیم، خط نستعلیق که هویت شهری و سرزمینی ما را نشان می‌دهد در عین حال از لحاظ قوس و کرشمه‌ای که در فراز و فرود، در صعود و نزول آن بکار می‌رود بیشترین همپایی و همسانی را با اسلیمی و ختایی‌های دوره‌ی صفوی دارد. مبحث «ادوار» که در قاموس حکمت هنر اسلامی ایرانی به ویژه موسیقی، نقاشی، تذهیب و قالی جای گرفته در فرم‌های ختایی و اسلیمی فرآینمی شده است که ادوار و انحنایی نازک هم چون قامت آفراشته‌ی درختان تبریزی که نسیمی سر آنها را به سویی خم کرده، چشم نوازی می‌کند. خط نستعلیق به تنهایی شاخصه‌ی مشخص هنر ایرانی است که قلب تپنده‌ی آن تبریز بوده و هنوز از جانب استادان طراز اول این شهر ادامه پیدا می‌کند.

۲- ترنج شکسته هریس

قالی هریس دارای شهرت منطقه‌ای و جهانی است. کارشناسان، تجار خبره‌ی جهانی و مردم آذربایجان قالی هریس را به خاطر نام و نشان معتبر می‌شناسند. قالی هریس علاوه بر کیفیت عالی از لحاظ زیبایی نیز مورد توجه مشتریان خود است. در دنیای فرش قالی قره‌باغ، قشقایی، ساروق و بیجار که همه از نوع شهرستانی و شکسته هستند، معروفیت خاصی دارند؛ بدون تردید در بین آنها قالی هریس جایگاه برتری دارد. قالی هریس از ساختار هندسی بر خوردار است. گویا قالی‌های لچک ترنجی تبریز به حالت هندسی به صورت مینایی و ابتدایی کار شده است.

به همین مناسبت در قالی «گلستان تبریز» برای نشان دادن نقطه‌ی شروع لچک ترنج در مرکز آن‌ها از ترنج گرد هندسی هریس استفاده شده است. ناگفته نماند که این اقتباس به صورت عین به عین و نقلی نبوده، بلکه تصرفی در گل‌های شاه عباسی آن صورت پذیرفته است. در واقع طراح سعی در نوآوری ترنج هریس را داشته است. ترنج هریس نقطه‌ی آغازین ترنج شمس‌واره‌ای قالی «گلستان تبریز» است.

۳- ترنج کرده‌ار (از سلجوقی تا ترکمانی)

شواهد تاریخی و تصاویر نسخه‌های دوره‌ی سلجوقی و ایلخانی گواه بر وجود قالی در این دوره است. قالی‌هایی که در این دوران بافته شده‌اند دارای نقوش هندسی هستند. مهم‌ترین نمونه از این قالی‌ها از مسجد علاءالدین در قونیه یافته شده است که مربوط به دوره‌ی سلجوقی است. در کتاب «جامع التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله همدانی و شاهنامه‌ی بزرگ تبریز (دموت) مربوط به دوره ایلخانی، به نگاره‌هایی برمی‌خوریم که حاوی قالی‌هایی به صورت زیرانداز با نقوش هندسی پیچیده و گره‌های هندسی چرخان در قالب ترنج هستند. در لچک و ترنج قالی «گلستان تبریز» بعد از ترنج هریس وارد ترنجی می‌شویم که به صورت گره‌های معاشقه‌ای در هم تنیده شده‌اند. در واقع یک طرح پیشرفته‌تر از ترنج هریس که سرآغاز ترنج‌های هندسی است.

ترنج‌های هندسی بعد از دوره‌ی ایلخانی به صورت بسیار گسترده در قالی‌های ترکمانی تبریز سده‌ی نهم هجری قمری (پانزده میلادی) به چشم می‌خورد. جوزفو باربارو، کنتارینی و سایر سیاحانی که در دوره‌ی ترکمانان از شهر تبریز دیدن کرده‌اند به وجود قالی‌های نفیس در مسجد کبود و کاخ هشت بهشت آوزون حسن آق‌قویون‌لو اشاره دارند. این قالی‌ها در راسته‌ی قالی‌های دربار قرار می‌گیرند. دارای طرحی منسجم و محکم که از طرف طراحان وقت،

احتمالاً درویش محمد و شیخی دو نقاش ترکمانی طراحی شده‌اند. قالی‌های گره‌دار معاشقه‌ای ترکمانی سرآغاز قالی‌های نفیس تبریز هستند. این قالی‌ها در شأن مسجد کبود تبریز (فیروزه‌ی اسلام) بوده‌اند. به جرات می‌توان گفت بافت قالی‌های بزرگ و درباری اوائل صفویه‌ی تبریز ریشه در سنت قالی‌بافی ترکمانی دارند. قالی ترکمانی در عین هندسی بودن دارای رنگ‌بندی بسیار زیبا هستند و این نیز نشان از پیشرفت چشم‌گیر قالی در این دوره است.



۴- ترنج فرش شیخ صفی

فرش شیخ صفی متعلق به اواسط سده ۱۰ ه.ق / ۱۶م بزرگ‌ترین فرش تاریخی ایران است. این فرش نقطه‌ی تکامل فرش‌های ترکمانی است. ترکیب‌بندی منسجم، استفاده از نقوش رنگ‌های متن حکایت از طراحی، بافت و مدیریت قوی دارد.

نقوش موجود در این قالی یادآور قلم «سلطان محمد نقاش» دوره‌ی ترکمانی و صفوی است. تشعیرهای خمسه‌ی نظامی تهماسبی نقوشی را در بر دارد که قالی شیخ صفی در خود می‌پرورانند. وجه ممیزه‌ی این قالی در ترنج و لچک‌های آن است. ترنج گرد آن مشحون از اسلیمی تو پُر، اسلیمی ابری، انواع گل‌های ختایی است. گرداگرد ترنج شمس‌های از کلاله‌های خربزه‌ای بسیار زیبا با سه رنگ کاهی، سبز، لاک‌ی تشکیل شده است. بسان منظومه‌ی شمس‌ی است که دور آن سیارات در گردشند. قالی شیخ صفی بدون تردید و به اذعان بزرگان و متخصصان قالی جهان متعلق به تبریز نیمه‌ی اول سده‌ی ۱۰ ه.ق است. که به دستور شاه تهماسب جهت بقعه‌ی

جدشاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در کارگاه‌های درباری تبریز بافته شده است.

قالی «گلستان تبریز» در ترنج و لچک خود بعد از مرحله‌ی هریس، و نقوش دوره‌ی سلجوقی تا ترکمانی، در مرحله‌ی آخر و بیرونی از ترنج شمس‌های قالی شیخ صفی اقتباس کرده است. استفاده از غنای اسلیمی، ختایی و اسلیمی ابری و کلاله‌های دور ترنج در این قالی سیر تحول نقوش ترنج را به ما نشان می‌دهد. طراح در عین استفاده از این ترنج در پی هویت بخشیدن به کار خویش بوده است. قالی شیخ صفی هویت قالی تبریز است. امروز وجود این قالی در موزه‌ی ویکتوریا آلبرت لندن افتخاری بر فرش ایران و نمادی از فرش تبریز است. که طرح شاخص آن الهام بخش صدها قالی متاخر اصفهان، مشهد، کاشان بوده است.

ترنج و لچک فرش تلفیقی است از ترنج هریس، ترنج ترکمانی و ترنج شیخ صفی، که در عین حال از شیوه و قلم و ذوق طراح نیز بی‌بهره نیست. مابین ترنج هریس و ترکمانی قاب‌هایی بکار رفته که حاوی گل‌های طبیعی است تا از یکدستی رنگ و فرم کاسته شود. مابین کلاله‌های دور ترنج از نقشمایه‌ی ابتکاری پرنده‌وار که تلفیقی با شاه عباسی است استفاده شده است تا تکرار کلاله‌ها خاطر مخاطب را مکدر نکند و تنوعی در فرم‌ها به وجود آورد.

۵- حاشیه‌ی مسجد کبود

مسجد کبود تبریز که در زمان جهان‌شاه قره‌قویون‌لو در نیمه‌ی سده‌ی نهم هجری / پانزده میلادی در دل یک کلیه مظفریه بنا گردیده است. از نقطه نظر کاشی‌کاری در تاریخ معماری و هنر اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کاشی‌کاری معرق مسجد کبود از ظرافت مثال زدنی برخوردار است. رنگ‌های زنده



و جاندار این کاشی‌ها نشانگر فن‌آوری بالای صنعت کاشی در تبریز آن زمان است. حضور پررنگ رنگ‌های لاجوردی، کبود و فیروزه‌ای، آن را مشهور به «فیروزه‌ی اسلام» کرده است.

طرح‌های بسیار فاخر این کاشی‌ها بی شک از طرف نقاشان و طراحان چیره‌دست و معروف آن دوره خلق شده است. تنوع در طرح و فرم، پیچیدگی‌های موجود در ترکیب‌بندی‌ها نشانگر حضور طراحان درباری در تهیه‌ی این آثار فخیم است.

حاشیه‌های قالی «گلستان تبریز» نیز همچون لچک و ترنج آن وفادار به هویت تاریخی نقوش تبریز است. حاشیه‌های کوچک این قالی مقتبس از حاشیه‌های است که در مسجد کبود استفاده شده است. طراح سعی داشته به صورت عین به عین،

نسبت به رنگ و نقش کاشی‌های مسجد کبود ملتزم باشد. برای همین هم حتی در زمینه‌ی حاشیه این قالی از سه طیف رنگی آبی که نشانگر شکستگی کاشی است استفاده شده است. طرح خیزایی اسلیمی توپُر و گل‌های شاه عباسی لایه لای آن به حاشیه‌ی قالی حرکتی موج وار می‌دهد. استفاده از ابریشم و کرک در زمینه حاشیه مورد نظر در بازنمایی شکستگی‌های کاشی جلوه‌ی خاصی به این حاشیه داده است.

۶- حاشیه‌ی کوفی تزئینی

دو حاشیه‌ی کوچک دو طرف حاشیه‌ی پهن برگرفته از حاشیه‌ی کوفی است.



حاشیه‌ی کوفی بیشترین کاربرد را در زمان ایلخانی و ترکمانی داشته است. چنانچه این نوع از حاشیه‌ها هنوز هم در قالی اوشاک ترکیه و شیرون آذربایجان به صورت یک میراث از قالی شمال غرب

ایران حفظ شده است. حاشیه‌های کوفی قالی «گلستان تبریز» در جهت قوام سیر تحول نقوش قالی تبریز بوده است.

۷- گل‌های طبیعی

گل‌های طبیعی شامل گل سرخ، بابونه، نرگس، لاله، زنبق و انواع برگ‌های ساده و دندانه‌دار در نگارگری ایرانی از مکاتب مختلف به چشم می‌خورد. مکاتب تبریز جلایری، ترکمانی و صفوی مشحون از گل‌های ملون و برگ‌های پریش و کومه‌ای است.

گل‌های طبیعی در قالی‌های دوره‌ی صفوی چندان مورد اقبال واقع نشد لیکن دوره‌ی قاجار استفاده از گل‌های طبیعی نزدیک به واقعیت در قالی‌های تبریز شروع به بازنمایی می‌شود که موسوم به رنگی است. قالی‌های گل‌رنگ در صد سال اخیر جایگاه ویژه‌ای در قالی تبریز به خود اختصاص می‌دهد. اما بیشترین کاربرد آن متعلق به قالی‌های بافته شده در بعد از جنگ دوم جهانی است. هنرمندان طراح تبریز چنان اشتیاقی به گل‌های طبیعی، دسته‌گل‌های خوشه‌ای نشان می‌دهند که حتی نسبت به گل‌های ختایی و اسلیمی ارجحیت پیدا می‌کند و این روند امروز نیز از طرف طراحان تبریزی به صورت گسترده ادامه می‌یابد.

قالی «گلستان تبریز» نیز نمی‌توانست نسبت به این داشته‌ی گرانبقدر قالی تبریز بی تفاوت باشد. به همین مناسبت در کنار پرداختن به نقش و نگارهای کلاسیک و تاریخی به ارانه و

نمایش گل‌های طبیعی در حاشیه‌ی پهن و متن نزدیک به لچک در قامت بته جقه اقدام کرده است. گل‌های طبیعی همچون شقایق واژگون، نرگس، گل سرخ، بابونه و انواع شکوفه‌ها و غنچه‌ها و همچنین گل نیلوفر آبی با برگ‌های پهن و نیز کومه‌های از برگ‌های برگرفته از نگارگری مکتب تبریز مورد استفاده قرار گرفته است. گل‌های طبیعی با رنگ‌های متنوع شادابی خاصی به فرش تبریز اعطا می‌کند.

گل‌هایی که حرکت‌شان به صورت صعودی از پایین فرم لچک به طرف بالا کشیده می‌شود.

گل‌های طبیعی در قالی «گلستان تبریز» نقش جلوه‌ی جمالی را در مقابل جلوه‌های جلالی اسلیمی‌های پرصلاحت ایفا می‌کند. در عین حال گل‌های طبیعی موجود در قالی تبریز مورد توجه مشتریان ژاپنی، چینی و اروپایی هست چراکه هم در هنر شرق و هم در هنر غرب توجه به گل‌های طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.



گفتگوی اختصاصی کارایی با فرش‌ساز به آفرین معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

فرش تبریز بهترین فرش ایران و حتی جهان است



فرش‌ساز به آفرین از جمله انتخاب‌هایی در سازمان میراث فرهنگی تحت مدیریت جناب دکتر فرزین حق‌پرست است که شاید سال‌های سال برای اداره‌ی صنایع دستی سازمان میراث آذربایجان شرقی بماند و فرصت پیدا کند تصمیماتی را در جهت ارتقای سطح صنایع دستی استان اجرایی کند. تحصیلات مرتبط، سال‌ها تجربه در زمینه‌ی صنایع دستی در داخل و خارج از اداره، و ارتقای سازمانی از درون خود اداره‌ی صنایع دستی از داخل اداره‌ی صنایع دستی و انرژی جوان او از مواردی است که موجب می‌شود با حضور او در این سمت هر بیننده‌ی منصفی به آینده‌ی فرش تبریز امیدوار شود. وضعیت فرش تبریز و چگونگی انتخاب این شهر را به عنوان شهر جهانی فرش به گفت و گو نشستیم تا شاید افق دیدمان در مورد فرش تبریز کمی بازتر شود.

کارایی: جناب به آفرین، چطور شد که تبریز به عنوان شهر جهانی فرش انتخاب شد؟

به آفرین: اوایل سال قبل بود که سازمان مرکزی میراث فرهنگی به ما پیشنهاد کردند که

یک پروپوزالی تهیه کنیم که تبریز را به عنوان شهر جهانی فرش دستباف به شورای جهانی صنایع دستی معرفی کند و اصفهان نیز به عنوان شهر جهانی صنایع دستی به این شورا معرفی شد. این شورا که سابقاً به عنوان زیرمجموعه‌ی یونسکو تعریف می‌شد، در حال حاضر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تشکل غیر دولتی‌ای است که در زمینه‌ی صنایع دستی در سطح جهان وجود دارد. در خرداد و تیر ما این پروپوزال را که شامل تاریخ تبریز، فرش تبریز و آنچه که به صورت زنده در مورد فرش در آن جریان داشت و توانایی‌های اقتصادی و علمی و تولیدی تبریز در زمینه‌ی فرش تهیه کردیم و برای رئیس آسیا و اقیانوسیه‌ی شورای جهانی صنایع دستی خانم غدا هیچلوی ارسال کردیم و از بازرسان این تشکل دعوت کردیم که به تبریز تشریف بیاورند که در اوایل تیر ماه این اتفاق افتاد. در همان روز اول ورود این هیات با آقای دکتر جبارزاده دیدار کردند که برای نشان دادن حمایت شخص اول اجرایی استان از این طرح بسیار مهم و قابل تقدیر بود و جدید استان را در این مورد نشان می‌داد. البته چهار شخصیت حقوقی استان باید برای نامزدی تبریز به عنوان شهر جهانی فرش تقاضای دادند که جناب آقای استاندار، ریاست اداره‌ی کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، شهردار تبریز و آقای فرماندار تبریز به درخواست ما قبول زحمت کرده و در این زمینه نامه‌هایی را تنظیم کردند و از شورای جهانی صنایع دستی خواستند که مساله‌ی

شاید این اولین باری است که یک کالا و یک هنری از تبریز مورد تایید جهانی قرار می‌گیرد. این اتفاق و نعمت بزرگی است که به دست آمده است و یک به یک ما وظیفه داریم که در جهت بهره‌برداری از آن برای اعتلای فرش و شهر تبریز و اقتصاد آن نهایت تلاش‌مان را انجام دهیم. باید قدر این موقعیت را بدانیم و برند فرش تبریز را احیا کنیم.

کاندیداتوری تبریز به عنوان شهر جهانی فرش مورد بررسی واقع شود. بازرسان که به تبریز تشریف آوردند، ما در جهت ارائه‌ی کامل توانایی‌های تبریز در زمینه‌ی فرش، دانشگاه هنر اسلامی و کلاس‌های دانشکده‌ی فرش را به ایشان معرفی کردیم و زمینه‌ای فراهم کردیم که از کارگاه‌های بزرگ و مطرح قالیبافی تبریز دیدار داشته باشند که از سه کارگاه آقایان علیپور، عالی‌نسب و کاظم‌نیا دیدار کردند که بسیار موثر بود و ظرافت فرش تبریز حیرت‌شان را برانگیخت. بازار تبریز و صنوف فعال در فرش را که به طور سنتی در بازار تبریز همچنان در حال فعالیت هستند را به ایشان معرفی کردیم که مشاهده‌ی دوازده بازار فعال فرش در داخل بازار سنتی تبریز تأثیر بسیاری در جلب نظر ایشان داشت. از کارگاه‌های رنگرزی و تالار فرش شهرداری تبریز و موزه‌ی در حال ساخت فرش تبریز نیز بازدید به عمل آمد تا بتوانیم از شانس مسلم تبریز برای انتخاب به عنوان شهر جهانی فرش در یک برنامه‌ی محدود دو روزه حمایت کنیم و بازرسان شورای جهانی صنایع دستی را برای این انتخاب قانع کنیم. توجه داشته باشید که هیچکدام از این داشته‌ها را ما برای جلب نظر

این شورا نساخته‌ایم و این‌ها داشته‌های تبریز در هنر صنعت فرش است که با زندگی روزمره‌ی ما آنقدر گره خورده است که دیگر به نظرمان نمی‌آید. اگر کمی دقت داشته باشیم متوجه می‌شویم که واقعا تبریز شهر فرش است و در این مورد جای هیچ تردیدی نمی‌تواند وجود داشته باشد. بخش بزرگی از مردم تبریز درگیر این هنر صنعت هستند. و در آن فعالیت دارند. شما هر جای تبریز را که نگاه کنید فرش و یا آثاری از آن را مشاهده می‌کنید. از ادارات گرفته تا خانه‌های مردم. این در حالی است که فرش در زندگی کشورهای دیگر و به خصوص این بازرسان به طور نادری دیده می‌شود. به هر حال با اقداماتی که انجام شد این بازرسان با رضایت کامل از تبریز راهی شدند و طبق اطلاعی که گرفته‌ایم در نود و پنج درصد آیت‌های مورد بررسی نمره‌ی عالی گرفته‌ایم. اینگونه بود که تبریز پس از تصویب شورای صنایع دستی به عنوان شهر جهانی فرش انتخاب شد و در کنار اصفهان که به عنوان شهر جهانی صنایع دستی برگزیده شد و چهار شهر جهانی دیگر به عنوان نماینده‌ی ایران انتخاب شد و این امر که چطور دو شهر از ایران در ردیف این شهرها قرار گرفتند موجب حیرت ناظران شد. در اینجا جا دارد از آقای دکتر نامور مطلق که همواره نسبت به تبریز و آذربایجان دیدگاه مثبت دارند تقدیر و تشکر کنیم که در تشکیل این پرونده زحمت فراوان کشیدند. در چهارده شهریور ماه بود که ما با حضور ایشان، آقای دکتر سلطانی فر و

جناب دکتر جبارزاده و همچنین آیت‌الله مجتهد شبستری و داورانی که تبریز را انتخاب کردند جشنی در خور این عنوان در تبریز برگزار شد و این امر صورتی عملی و عمومی به خود گرفت.

کارایی: حالا که بازحمات جنابعالی و سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و تمامی مسئولان استانی و کشوری این امر اتفاق افتاده است چه خواهد شد.

به آفرین: الان که این تلاش‌ها به نتیجه رسیده و این فرصت در اختیار تبریز و فرش آن قرار گرفته است باید از آن استفاده‌ی درست و مناسب کرد. اگر در چند سال گذشته از کسی می‌پرسیدید که بهترین فرش در جهان فرش کجاست نمی‌توانست پاسخی قطعی به شما بدهد در حالی که امروز با این انتخاب کسی در بردن نام تبریز به عنوان دارنده‌ی بهترین فرش جهان تردید نخواهد کرد. حتی در داخل ایران نیز اگر می‌پرسیدید که این فرش کدام شهر است که بهترین و نفیس‌ترین فرش‌هاست شاید تردیدهایی وجود داشت اما امروز ما مدركی در دست داریم که فرش تبریز بهترین فرش ایران و حتی جهان است. شاید این اولین باری است که یک کالا و یک هنری از تبریز مورد تایید جهانی قرار می‌گیرد. این اتفاق و نعمت بزرگی است که به

دست آمده است و یک به یک ما وظیفه داریم که در جهت بهره‌برداری از آن برای اعتلای فرش و شهر تبریز و اقتصاد آن نهایت تلاش‌مان را انجام دهیم. باید قدر این موقعیت را بدانیم و برند فرش تبریز را احیا کنیم.

کارایی: جناب به آفرین اهمیت این امر چقدر بازار تبریز بازتاب زیادی ندارد؟

به آفرین: شاید آنقدر به سادگی موقعیت را یافته‌ایم که اصلا خودمان هم هنوز باورش نداریم و اصلا فرصت تحلیل موضوع را نیافته‌ایم. در این که با داشته‌های تبریز این انتخاب حق مسلم تبریز بوده است و به طور طبیعی با نمایش درست توانایی‌ها به بازرسان شورای جهانی صنایع دستی این انتخاب رخ می‌داد امری درست است. اما مگر این امر نافی این مساله است که باید از فرصت پیش آمده استفاده‌ی مناسب را کرد؟! این وظیفه‌ی شهروندی همه‌ی ماست که دست در دست هم بدهیم و زمینه‌ی استفاده‌ی تبریز از این موقعیت را فراهم کنیم. در این میان نقش شما رسانه‌ها هم بسیار برجسته است که می‌باید در اطلاع‌رسانی این فرصت طلائی به مردم و اصحاب تولید فرش در تبریز زحمات فراوانی را متحمل شوید تا بتوانیم نهایت بهره را از فرصت پیش آمده ببریم.



31/10/2012 2



عکس: سینا کاظمی

گفتگوی اختصاصی کارایی با علی وندشعاری عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تبریز جریان ساز فرش دنیا است

کارایی: سوال اولم در رابطه با عنوانی است که تبریز را به عنوان «شهر جهانی بافت فرش» معرفی می کند و به شهر تبریز داده شده است اگر ممکن است در رابطه با احراز این عنوان توضیح دهید و اینکه مراحل کار و نهادهای مرتبط با این فرایند کدامها بوده اند؟

وندشعاری: ببینید شورای جهانی صنایع دستی وقتی می خواهد شهری را به عنوان شهر خاصی مطرح کند، فاکتورهای متفاوتی در نظر می گیرد مثلاً سرمایه انسانی، سرمایه دانشگاهی و افق آینده. شورای جهانی صنایع دستی چندین بازدید از تبریز داشت و بازار فرش تبریز را مورد بازبینی قرار داده بود و سرمایه انسانی موجود در بازار فرش تبریز را نیز مشاهده کرده بود. از طرفی هم طی بازدید اولی که در اوایل تابستان ۹۴ از دانشکده فرش صورت گرفت، جنبه های علمی حوزه فرش در حوزه های طراحی، رنگرزی، بافت و مرمت و افق لازم علمی و روال سنتی که در بازار وجود دارد و در دانشگاه نیز به شکل علمی ادامه داشت را نیز از نزدیک مشاهده کردند این بازدیدها سبب شد که شورای جهانی صنایع دستی به این جمع بندی برسد که تبریز لایق احراز عنوان «شهر بافت فرش» است. تبریز جریان ساز فرش دنیا بوده است. به این شکل نیست که بگویم فقط در چند دهه اخیر جریان ساز بوده بلکه اگر تاریخ فرش ایران را به نوعی بررسی کنیم، تولید کننده های حوزه فرش در تبریز بسیار فعال بوده اند و از دوره های مختلف تاریخی فرش های بسیار بسیار نفیسی از موزه های معروف دنیا از منطقه تبریز و آذربایجان وجود دارد. بخش عظیمی از تجارت فرش در دوران قاجار توسط تجار تبریزی اتفاق می افتد و به علت نزدیکی با ترکیه و تراپوزان در این مسیر قرار می گیرد و کار تجاری فرش هم در اینجا رونق می گیرد، هم تولید و هم تجاری سازی صورت می گیرد در این شهر همچنین سرمایه انسانی در حوزه فرش به صورت مشخص وجود دارد هم در حوزه طراحی، هم در حوزه رنگرزی، هم در حوزه مرمت و هم در حوزه بافت. تبریز در این زمینه جز شهرهایی است که فکر نکنم مشابه این شهر در

هیچ کجای دنیا و حتی در ایران هم وجود داشته باشد افق عالی آینده ای که باید در بازار سنتی دیده شود مشخصاً بر عهده دانشگاه است. زمانی که مسئولین سازمان جهانی صنایع دستی، دانشکده فرش و کارگاه های بسیار مجهز آن را و همچنین دانشجویانی که اینجا آموزش می بینند را دیدند و با در نظر گرفتن سابقه تاریخی، سرمایه انسانی بازار و افق عالی دانشگاهی به این جمع بندی رسیدند که شاید نتوان در دنیا جای دیگری را غیر از تبریز برای اعطای این عنوان یافت.

کارایی: این عنوانی است که به صورت مادام العمر به یک شهر داده می شود و یا اینکه برای مدت مشخصی است؟

وندشعاری: فکر می کنم که این عنوان به صورت یک ساله و مدت دار به شهرها اعطاء می شوند است ولی بعد، هر سال ارزیابی می شوند که این عنوان تمدید بشود یا اینکه شهر دیگری جایگزین آن گردد و به صورت مشخص برای اولین بار «شهر جهانی بافت» شهر تبریز است و این عنوان هم جدید است و برای هیچ کجا و هیچ شهر دیگری اطلاق نشده است.

کارایی: لطفاً کمی از ویژگی های فرش تبریز بفرمایید؛ اینکه چه چیزی فرش تبریز را از دیگر فرش ها متمایز می کند؟

وندشعاری: ببینید شهر تبریز شهری است که در حوزه فرش پیشرو است سرمایه انسانی که در تبریز وجود دارد در هیچ کجای ایران چنین تنوعی نیست. شما در حوزه طراحی می بینید که در طرح های تبریز، هم طرح های کلاسیک و هم طرح های جدید و خیلی به روز وجود دارد و در رنگ بندی هم رنگ های بسیار محدود و کم وجود دارد و هم در بعضی فرش ها تنوع رنگ ها بسیار بسیار بالاست. در حوزه بافت می بینیم که بافندگان تبریز توانمندی های زیادی در حوزه بافت دارند و تنوع گره هایی که استفاده می کنند همانند بقیه جاها نیست و یا در حوزه

مرمت همین ویژگی ها را می بینیم. توانمندی اساتید نیز قابل توجه است و در حوزه مهارت های رنگرزی نیز ما قابلیت های فراوانی داریم، رنگ رزی که در حوزه تبریز وجود دارد می تواند از ده رنگ تا دویست رنگ را رنگرزی انجام بدهد. این ها توانمندی هایی هستند که فرش تبریز را یک سر و گردن بالاتر از بقیه شهرها نشان می دهند و این تنوع و همچنین پیشرو بودن طرح و نقش تبریز از این موارد هم ناشی می شود و می توان گفت سرمایه انسانی مهمترین فاکتوری است که تأثیر مستقیم بر حوزه فرش دارد. همچنین تنوع بالا، کیفیت بالا و مهارت های بسیار بالا در این حوزه دست به دست هم داده اند.

کارایی: پس نمی توان نقشه های خاصی را به تبریز اطلاق کرد؟ آیا فرش تبریز نقشه های منحصر به فرد خود را دارد؟

وندشعاری: نقشه های تبریز عمدتاً دارای تنوع رنگی بالایی هستند هم در طرح های هندسی که تولید می شود به شکل روستایی و هم به شکل شهری که نقشه های شهری تبریز دارای تنوع رنگ بسیار بالایی هستند و در فرش های معمولی بین چهل تا شصت رنگ ممکن است بوده باشد و در تابلو فرش که تعداد رنگ های بیشتر می شود و تا دویست رنگ هم امکان پذیر است

کارایی: آیا برای فرش تبریز مکتبی داریم؟ مثلاً تحت عنوان مکتب فرش تبریز؟

وندشعاری: عمدتاً مکتب ها را به عنوان مکاتب هنری می شناسیم به طور مثال وقتی می گوئیم

مکتب هنری اول تبریز در دوره ایلخانی است مکتب دوم در دوره صفوی است و به صورت کلی می توان عنوان کرد اما برای فرش استفاده از چنین اصطلاحاتی ممکن نیست.

کارایی: تفاوت نقطه تمایز فرش تبریز با فرش اصفهان در چیست؟

وندشعاری: فرش اصفهان ساختارمند و کلاسیک است و بر مبنای طرح های سنتی است. استفاده از شاخه های اسلیمی در آن زیاد است ولی در حوزه تبریز هم از طرح های اسلیمی، خطایی، شکسته وجود دارد و هم طرح های گردان و گلستانی. همه این ها در حوزه تبریز وجود دارد و تنوع طرح های تبریز خیلی بالاست

کارایی: سوال بعدی این است که چه تشکلهایی برای فرش تبریز وجود دارد و تا چه میزان از لحاظ صنفی و هنری بر روی هنر و صنعت فرش کار شده است؟

وندشعاری: تشکلهای صنفی عمدتاً در حوزه اشتغال زایی هستند و با حوزه های اتحادیه های فرش ارتباط دارند همچون اتحادیه های مربوط به بافندگان که عمدتاً در حوزه تجاری هستند. در حوزه هنری انجمن طراحان قالی است که در این زمینه کار می کند که فعال هستند و آقای نامی رئیس انجمن طراحان است که اخیراً دوباره ابقا شده است

کارایی: این عنوان شهر جهانی فرش چه مقدار می تواند در معیشت مردم و یا اقتصاد تأثیر داشته باشد؟

وندشعاری: اگر واقع بین باشیم صرف اطلاق یک عنوان و لقب برای رونق گرفتن حوزه فرش کافی نیست و فاکتورهای زیادی وجود دارد که این چرخه به حرکت دربیاید به عنوان مثال حصول به توافق هسته ای و رفع بخشی از تحریم ها پیمان سپاری ارزی را امکان پذیر می کند و همین که روش های تجاری و امکان تجارت راحت تر شود صادرات سهل تر می شود در میزان صادرات تأثیرگذار خواهد



بود و هر چقدر فرش تبریز در بازار جهانی عرضه بهتری داشته باشد و حجم فروش بیشتری داشته باشد مشخصاً چرخه حوزه تولید بهتر و بیشتر خواهد بود و همین تأثیر مستقیم بر معیشت مردم هم خواهد گذاشت.

کارایی: شما نقش هنرمندان این شهر در حوزه فرش را چقدر می دانید؟ احتمالاً نقش آنها خیلی بارز است.

وندشعاری: واقعیت این است که فرش همانند باقی صنایع دستی نیست فرایند تولید فرش مجموعه ای از هنرمندان را برای خودش دارد به طور مثال بافنده بدون طراح نمی تواند طرح خاصی را ایجاد کند اگر پیشم یا، ایریشم فرش رنگرزی نشود. نمیتواند کاری از پیش ببرد اما این «شهر جهانی بافت» مجموعه ای از عناصر تولیدکنندگان حوزه فرش را درون خود دارد که همگی این ها زنجیره وار به همدگر وصل هستند به طریقی که اگر یکی از این حوزه نتواند خوب کار کند این فرش به مرحله ظهور نخواهد رسید به همین دلیل علی رغم اینکه بافندگان بسیار مهم هستند، ولی طراح، رنگرز و سایر مراحل تکمیلی فرش همه دست به دست هم می دهند که اثر نهایی به نام فرش تبریز خلق بشود.

کارایی: نقش بازار فرش و فرش فروشان چیست و کجاست؟ و می خواهیم بدانیم که این بازار است که سلیقه را ایجاد می کند و یا صرف تولیدات فرش به تنهایی بازار فروش را تأمین و

جذب می کند؟

وندشعاری: بازار سهم عمده ای در تجاری سازی فرش تولیدی داشته است اگر فرشی تولید بشود که به فروش نرسد نمی تواند جایگاه خود را پیدا کند. در فرش ایران، سلیقه یابی هیچ وقت اتفاق نیفتاده است سه عاملی که در رابطه با دلیل انتخاب شهر تبریز برای این عنوان گفتیم، همان هایی بود چیزی که خانم غذا هیچلوی، رئیس شورای جهانی صنایع دستی عنوان کرد سابقه تاریخی، سرمایه انسانی و وجود دانشکده فرش. جالب بود که وقتی این خانم روز بعد با تهران تایمز مصاحبه کرده بود دقیقاً عنوان کرد که مهم ترین دلیل انتخاب دانشکده فرش تبریز بوده است چون امید به حفظ این هنر و صنعت سنتی در دانشکده فرش وجود دارد. ممکن است که بازار پس از مدتی این سیستم آموزش استاد شاگردی را منتفی کند اما در حوزه دانشگاه دید علمی، دید پایدار و افق علمی آینده فرش، دیده می شود. بازار هم به عنوان زیرمجموعه ای از سرمایه انسانی دیده می شود و اگر نباشد این روند تولید تا فروش به هم می خورد ولی در نهایت این سه فاکتور مهمترین دلیل های اصلی انتخاب تبریز به عنوان پایتخت جهانی بافت فرش بودند

کارایی: در اینجا جا دارد که از شما بخواهم از دانشکده فرش و فعالیت ها و کارهایی که در آن در این راستا و حوزه انجام می پذیرد بفرمایید.

وندشعاری: نزدیک بیست سال است که رشته فرش در تبریز وجود دارد و از سال ۱۳۷۸ هم دانشگاه هنر اسلامی تبریز و سپس به طور همزمان دانشکده فرش ایجاد شد الان در گرایش طراحی در مقطع کارشناسی و در سه گرایش در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو داریم و نزدیک به دویست نفر دانشجو مشغول به تحصیل هستند. دغدغه ها و حوزه هایی که دانشگاه در آن بحث می کند از جمله بحث و آسیب شناسی روال سنتی حاکم بر بازار و بهینه سازی روابط بین بازار و مصرف کننده است و حاکم نمودن و دید علمی در این عرصه است تفاوتی که دانشجویی که به عنوان طراح در دانشگاه آموزش می بیند با کسی که در بیرون با سیستم استاد شاگردی تربیت پیدا می کند در اینجاست

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با فراه نامی طراح و نقاش فرش و رئیس انجمن طراحان و نقاشان آذربایجان

سلیقه‌ی جهانی مساله‌ای است که به روابط و نفوذ مربوط نمی‌شود

وارد مغازه که می‌شوم آقای فراه نامی را پشت نقشه‌ای می‌بینم که تنوع رنگ‌هایش و دقت در طرح و نقشش انسان را به حیرت و می‌دارد. با صمیمیتی غیر قابل توصیف مرا می‌پذیرد و تجربیاتش را با من در میان می‌گذارد. از او چند سوال اساسی دارم. اینکه آیا واقعا تمام مشکلات ما در صنعت فرش به نشناختن ذاتی بازارهای جهانی برمی‌گردد، و اگر اینطور است آیا این مساله به طراحی فرش مربوط است. یک به یک سوال‌هایم را با حوصله پاسخ می‌گوید اما نمی‌تواند از درد دل‌های طراحان نگوید. با همان دید به روزی که دارد صداقتی بی‌بدیل از کپی و کپی‌رایت می‌گوید و ابعاد تمام مسائل طراحان را به قصد کمک به بازار فرش با موشکافی می‌کاود. گفتگویی که در پی می‌آید، ماحصل این گفتگو است.

کارایی: جناب نامی مشکلاتی که در حال حاضر در حوزه طراحی فرش وجود دارد چیست؟

نامی: تعدد تشکل‌ها در این حوزه یکی از مشکلات اصلی است. مواردی پیش می‌آید که این تشکل‌ها نه تنها در موازات هم که در رو در روی هم حرکت می‌کنند. دلیل این اتفاق هم مدیریت سلیقه‌ای یا تکیه بر روابط و نادیده گرفتن ضوابط است. مساله‌ی دیگر تخریب فضای کسب و کار در نتیجه‌ی مدیریت نادرست است.

مادر شرایط فعلی مشکلاتی داریم که قبلاً اصلاً وجود نداشت. قبلاً طراح برای کارخانه‌های فرش دستباف کار می‌کرد و چون در آنجا مستقر بود بر بافت فرش، شخصا نظارت کامل داشت و می‌توانست از اجرای درست طرح اطمینان حاصل کند. با تبدیل کارگاه‌های بافت به تک‌بافی دیگر این کنترل از دست رفته و کیفیت بافت و اجرای طرح‌ها کاهش یافته است. عواقب دیگری که خروج طراحان از کارگاه‌های فرش به بیرون و باز شدن مغازه‌های طراحی و نقاشی داشت، ورود طرح و نقش غیر استاندارد به بازار بود که در نتیجه‌ی ورود طراحان با مهارت ناکافی ایجاد شد. مشکل مهم‌تر هم آمدن دستگاه فتوکپی بود که موجب تداخل در صنوف هنر

صنعت فرش شد و حتی برخی بزرگان فرش هم در این مساله با توصیه‌ی نقشه‌های فتوکپی به بافندگان نقش تحویل می‌دادند. این مساله مشکل اصلی‌ای بود که باعث کم‌رنگ شدن نقش طراحان فرش در بازار فرش شد و بسیاری از آن‌ها را واداشت که کار اصلی‌شان را رها کرده و به مشاغل دیگر مشغول شوند. البته ما پیگیری‌هایی در این زمینه کردیم تا حقوق معنوی طراحان را تضمین کنیم که جواب مناسبی از هیچ‌نهادی نگرفتیم.

در صنعت فرش سی و شش صنوف مختلف وجود دارند که هیچکدام از آن‌ها بدون همکاری هم نمی‌توانند در این صنعت کار کنند. این وابستگی

آنقدر زیاد است که با کم کاری یا غفلت هرکدام از آن‌ها دیگران به مشکلات زیادی برمی‌خورند. این اتفاق متأسفانه برای صنوف طراحان افتاد و با غفلت دیگر صنوف از حقوق معنوی آن‌ها این حرفه به مشکل بر خورد. مشکل اساسی دیگر هم ورود غیر حرفه‌ای‌ها به این رشته برای بهره‌مندی از تسهیلات بیمه‌ی تامین اجتماعی قالی‌بافی به دلیل شرایط خوب آن بود. در این میان این حقوق قالیبافان حقیقی و فعالین واقعی صنعت فرش بود که در نتیجه‌ی مسموم شدن فضای کسب و کار در نتیجه‌ی مدیریت نادرست از میان رفت.

اما مساله‌ی دیگر تعدد مراکز تصمیم‌گیری است. بنده تصمیم‌گیری متمرکز را به صورت مداوم در کمیته‌ی فنی فرش پیگیری می‌کردم تا از تصمیمات پراکنده به نحوی کاسته شود و شاید راهکاری دائمی برای این موضوع پیدا شود. تعدد تشکل‌ها در صنعت فرش منجر شد به این که تصمیماتی که قبلاً از یک کانون مشخص طرح، پیگیری و به نتیجه‌ی رسیدن با تعدد تشکل‌ها در میان اعمال نفوذها و توزیع انرژی‌ها قابلیت پیگیری درست نداشته باشند.

کارایی: از این مشکلات که بگذریم، امیدهای فرش تبریز را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نامی: در این که فرش تبریز زینت بخش تمام موزه‌های مهم فرش جهان است تردیدی نیست. با شرایط جدیدی هم که با لغو تحریم‌ها پیش آمده، درهای جهان به سوی فرش تبریز باز شده است. فقط لازم است مافروش نکنیم که لازم است اقتضائات سلائق جهانی را هم در نظر داشته باشیم. یعنی درست است که لازم است اصالت فرش تبریز را حفظ کنیم، اما مانند هر زمینه‌ی دیگری در مورد فرش هم باید تغییراتی را ایجاد کنیم و با سلیقه‌ی بازارهای هدف سازگار شویم. امروزه اگر ما همان فرش‌هایی را که در موزه‌های جهان به نمایش درآمده‌اند با همان ابعاد و مشخصات تولید کنیم خریدار خواهند داشت؟ مسلمانان.

اگر قرار است ما در بازار جهانی حضور موثری داشته باشیم باید جلوتر از زمان حرکت کنیم. برای این کار هم باید با بازار جهانی در ارتباط باشیم که خوشبختانه آن کار با لغو تحریم‌ها میسر شده است. بازی‌های سیاسی‌ای که تا یک سال پیش جلوی فروش فرش ما را می‌گرفت از میان رفته است و حالا دیگر این ما هستیم که تعیین می‌کنیم با در نظر گرفتن و در دست گرفتن سلائق جهانی فرش‌مان را صادر خواهیم کرد یا نه.

کارایی: راهکار عملی‌ای که شما برای به روز شدن در زمینه‌ی طرح



عکس: مینا کاظمی

فرش پیشنهاد می‌کنید چیست؟

نامی: تولید کنندگانی که تمایل دارند می‌توانند بدون هیچ هزینه‌ای به سایت انجمن طراحان و نقاشان آذربایجان مراجعه کرده و مشخصات یک به یک اعضای انجمن را در آن مشاهده کنند و از طرح‌های به روز شده‌ای که تلاش شده است همسوا با سلائق جهانی باشد با تماس مستقیم با طراحان بر خوردار شوند. برای ممکن شدن این امر و به روز کردن طرح‌ها و اطلاعات طراحان ما تعدادی از اعضای‌مان را به نمایشگاه‌های مختلف داخلی و خارجی اعزام کرده‌ایم و تصاویر تهیه شده از این نمایشگاه‌ها را در قالب یک دی وی دی در اختیار طراحان عضو انجمن قرار داده‌ایم که این کار به نتایج بسیار مطلوبی نیز رسیده است که طرح‌های به روز شده‌ی بسیار زیبا و متناسب با سلائق جهانی از این موارد است. در ضمن طرح‌های اساتیدی چون استاد فرشچیان و دیگر اساتید بزرگ طراحی را هم تا جایی که لازم می‌دیدیم در اختیار عزیزان قرار دادیم.

کارایی: این سلیقه‌ی جهانی که از آن صحبت می‌شود چیست؟!

نامی: باور کنید که سلیقه‌ی جهانی مساله‌ای واقعی است که به هیچ عنوان به روابط و نفوذ مربوط نمی‌شود. در دموکسی‌های جهانی متخصصان امر با معیارهایی کاملاً شفاف بر این سلیقه‌ی جهانی صحنه می‌گذارند. ببینید ما باید بدانیم که در دیزاین منزل و محل کار آلمانی‌ها چه اندازه‌ای از فرش و با چه تم رنگ و نقشی ممکن است جذاب‌تر باشد. بازار آمریکا انواع فرش مختلف را می‌طلبد. به عنوان مثال مردمی که نزدیک مکزیک زندگی می‌کنند و یا اسپانیایی الاصل هستند بیشتر به واسطه‌ی خوی تندشان فرش‌های قرمز آتشی را ترجیح می‌دهند. در میانه‌های آمریکا و واشنگتن و نیویورک از رنگ‌های سبز و آبی و آرام بیشتر استقبال می‌شود. در دانمارک هم از مایه‌های طلایی استقبال می‌شود. اتاق‌ها در ایتالیا بیشتر از پانزده تا بیست متر نیست. پس ما نمی‌توانیم فرش‌هایی با وسعت زیاد را برای فروش

به آن‌ها تولید کنیم. اما مساله فقط هم سلیقه نیست. توان تولید هم ملاکی اساسی است. تولید کنندگان خارجی ای هستند که حاضرند در شش ماه پنج هزار متر سفارش تولید را به اجرا درآورند. من فکر نمی‌کنم که تمامی اتحادیه‌های فرش ایران بتوانند چنین سفارشی را در شش ماه پاسخگو باشند. قیمت آنها هم برای بافت فرش ریزبافت روی نود و سه یک میلیون و دویست هزار تومان است. ما در برابر چنین بازاری اصلاً از جهت فنی هم شانسی برای رقابت نداریم. از اینها که بگذریم تازه می‌رسیم به مشکلاتی که گریبان بازار فرش‌مان را گرفته است. ما در بازارمان متأسفانه تعهدی به قراردادهای‌مان نداریم. همین امر باعث می‌شود که تمایل مشتریان برای عقد قرارداد با ما کم شود.

کارایی: این که ما توان رقابت نداریم در مورد تمام انواع فرش‌هاست؟

نامی: لازم است که ما در مورد فرش تجاری و فرش نفیس هنری‌مان فرق قائل باشیم. فرش تجاری ما به هیچ عنوان قابل رقابت با فرش هندوستان و پاکستان نیست. دلیل این مساله هم این است که نیروی انسانی واقعا در آنجا بسیار ارزان است و تنها با تامین غذای روزانه کار می‌کند. اما در مورد فرش نفیس ما، هیچ فرش‌ی یارای رقابت با ما را ندارد. ما اگر می‌خواهیم در بازار جهانی حضور موفق‌ی داشته باشیم باید از طریق طراحی و بافت و عرضه‌ی فرش نفیس وارد شویم.

کارایی: پس مشکل ما در رقابت با فرش دیگر کشورها به نقش بر نمی‌گردد.

نامی: بله همینطور است. فرش‌های پاکستان و هندوستان هم از نقوش ما استفاده می‌کنند. کافی است ما اطلاعات‌مان را در مورد نیازهای واقعی مردم کشورهایی که به آنها صادرات داریم بالا ببریم تا مشکلات فرش‌مان در فروش خارجی حل شود.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی باناصر محمدیان

امروزه در حوزه فرش انحصار طلبی عجیبی وجود دارد



ناصر محمدیان به گفته خود از دوران کودکی و به واسطه جبر روزگار، بافندگی را شروع کرده است اما علاقه شخصی او به فرش بافی و متمایز شدن در این حوزه، باعث شده تا او در طی سالیان آثار متمایز و ماندگاری خلق کند. از جمله کارهای شاخص وی «گفت‌وگوی تمدن ها»، «گفت‌وگوی ادیان»، « منزلت حجاب»، « سرزمین وحی » و « جنگ قره باغ » است که در مکان های مهمی همچون سازمان ملل و مقر یونسکو نصب شده اند. به عنوان بخشی از پرونده فرش، پای صحبت های وی نشستیم:

کارایی: چه مدتی است که به این کار مشغول هستید و از کجا شروع کرده اید و الان در کدام موقعیت هستید؟

محمدیان: از هفت سالگی و به صورت اجباری این کار را شروع کردم. بی بضاعتی خانواده من باعث شد تا از سال ۱۳۵۵ در کارگاه های فرش تبریز شروع به کار کنم. صبح ها کار می کردم و شب ها درس می خواندم تا در نهایت با زحمت فراوان دیپلم خود را اخذ کردم. پس از گرفتن دیپلم، این بار به صورت جدی تری به کار فرش پرداختم. در آن مقطع زمانی به این فکر می کردم که چه نوع فرش هایی کار کنم تا بتوانم در بازار متمایز شوم و سرمایه ای برای خود فراهم نمایم. بدین ترتیب، موضوعات سیاسی را انتخاب کردم. اولین فرشی که کار کردم، در رابطه با منزلت حجاب بود. در آن دوره، مروه کارواک چی، نماینده پارلمان ترکیه با حجاب وارد مجلس شده بود. این کاروی برخی واکنش های تند را در پی داشت از جمله واکنش نخست وزیر وقت. من در آن دوره کمی روی این موضوع تحقیق کردم و طرحی برای فرش کشیدم که در آن از روسری خانم کاواکچی، هفت طیف نور ساطع می شد و انعکاس این نورها، بر روی شیشه تابلوی عکس آتانورک، آن را تکه تکه کرده بود. من در سال ۱۳۷۹، این فرش را به قیمت خوبی به یکی از شهروندان عرب فروختم. این انگیزه باعث شد تا من بعد از آن تاریخ، روی موضوعات سیاسی کار کنم. دومین کارم، موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها بود که آقای خاتمی آن را به همراه خود به سازمان ملل برد. این فرش هم اکنون در سازمان ملل نصب شده است.

کارایی: در این مورد هم طرح و هم بافت از شما بود؟

محمدیان: من طراحی اولیه را انجام می‌دهم ولی نقاش همیشه فرد دیگری است چون در نقاشی سررشته ای ندارم. من طراحی کامپیوتری می‌کنم و سپس طرح را به نقاش تحویل می‌دهم.

کارایی: فکر می‌کنید چه چیزی فرش تبریز را در ایران ممتاز می‌کند، البته اگر چنین امتیازی اساساً وجود دارد؟

محمدیان: واقعیت امر این است که فرش تبریز امتیازی ندارد به نظر من ما خودمان را گول می‌زنیم. فکر نمی‌کنم چنین باشد که فرش تبریز در دنیا اول است.

کارایی: دلیل چینی ارزیابی چیست؟

محمدیان: ما در قم و اصفهان فرش هایی داریم که وقتی به آن ها نگاه می‌کنیم، روح تازه ای در انسان دمیده می‌شود اما در تبریز چنین فرش هایی نداریم. اگر فرش تبریز ممتاز می‌شود، فقط به واسطه یک سری طرح‌های خاص و ریسه‌هایی است که بافندگان انجام می‌دهند، کارهایی که مثلاً بافندگان اصفهان نمی‌توانند انجام دهند. مثلاً در جریان بافت بزرگ‌ترین تابلو فرش دنیا که ۳ تن و ۶۰۰ کیلوگرم وزن داشت، من به عنوان بافنده ریسک‌بزرگی بر گردن گرفتیم.

کارایی: پس این تک طرح‌ها هستند که این تمایز را به وجود می‌آورند؟

محمدیان: بله دقیقاً، اما بازار عمده فرش، رونق چندانی ندارد.

کارایی: شما به عنوان فردی که دارای یک دید تخصصی به این موضوع هستید برای ما بفرمایید که مثلاً تفاوت فرش نائین یا فرش قم با فرش تبریز چیست و چرا آنها را ارجح می‌دانید؟

محمدیان: آنها ریزبافت هستند و رج شمارشان بالاست. رج های ما بین پنجاه، شصت و هفتاد در نوسان است ولی فرش های آنها تا صد، صد و بیست و صد و پنجاه جا دارد؛ این یک تفاوت تکنیکی است و البته انجام این کار مشکل تر است. فرش های آنها دارای متر از کوچکترو رج شمار بالاتری است. ما برعکس، متر ازمان را بزرگتر می‌گیریم و ریزمان را پایین‌تر می‌گیریم و در نتیجه امتیاز آنها از مال ما بیشتر می‌شود. مورد بعدی تنوع رنگی آنهاست. وقتی به فرش قم و اصفهان دقت می‌کنیم از رنگ‌هایی استفاده می‌کنند که تنوع بالایی دارد ولی در تبریز می‌آییم و به طرح چند طرح نگاه می‌کنیم و وقتی از یک زاویه نگاه می‌کنیم همه رنگ‌ها متمایل و مایل به سفید است و حدود چهل رنگ مورد استفاده قرار گرفته است. اما به فرش های اصفهان که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از رنگ‌هایی استفاده شده است که زنده و شاد هستند.

امروز اگر تاجری از آلمان یا آمریکا به تبریز بیاید و طلب صد عدد فرش با نقشه یکسان در انواع سایز برای خرید کند، هر چقدر هم تلاش کند، نمی‌تواند چنین چیزی بیابد چون چنین چیزی اصلاً وجود ندارد. دلیل این امر این است که همه به صورت سلیقه‌ای کار می‌کنند. اما در اصفهان و کردستان چنین چیزی وجود ندارد اما امروز در کردستان تجار فرش، نقشه‌هایی همانند نقشه فرش های جیرفت، بیجار و کاشمر را سفارش می‌دهند و همچنین مواد اولیه و پول را نیز تحویل بافندگان می‌دهند. در بازار اصفهان انجمنی وجود دارد که بافنده پس از اتمام فرایند بافت، فرش را به آن انجمن می‌آورد تا اعضای انجمن بر روی آن قیمت گذاری کنند.

کارایی: پس با این تفاسیر به زعم شما بازار تبریز دچار یک هرج و مرج شده است؟

محمدیان: بله، به نظر من مشکل عدم وجود هماهنگی و عدم وجود استاندارد است. در تبریز در هر دوره ای یک طراح به اشتها می‌رسد و کارهای او در بازار مقبول می‌شود. متأسفانه طراحی فرش در تبریز، مکتب ندارد. زمانی آقای

قره باغی در زمینه طراحی بسیار حرفه ای و جریان ساز بوده اما هم اکنون ایشان پیر و ناتوان شده اند. همچنین مشکل دیگری که وجود دارد، این است که گاهی طرح قوی است اما بافنده ضعیف است و نمی‌تواند از پس بافت طرح برآید.

کارایی: پس امروز مکتب فرش تبریز وجود ندارد؟

محمدیان: ببینید ما امروز در تبریز اساساً طراح فرش نداریم. به عقیده من بین نقاش و طراح باید تفاوت باشد. طراح کسی است که ایده می‌دهد و فکرش را منعکس می‌نماید.

کارایی: اصولاً تبریزی ها به فرش علاقه زیادی دارند. مثلاً در مکتب موسیقی، موسیقی سنتی یک سری آیتم هایی دارد. اما برخی نوآوری هایی صورت می‌گیرد که آن را مدرن تر می‌کند، مثلاً همناواری تار و پیانو. بدین ترتیب آیا به عنوان مثال طراح فرش می‌تواند تلفیقی از سنت های موجود در طراحی فرش را با طرح های جدید و ابداعی ارائه نماید؟

محمدیان: ببینید فرق اصفهان و تبریز در این است که در اصفهان طرح‌های سنتی وجود دارند که کواچد ریمتی خاص هستند که هیچگاه دستخوش تغییر نمی‌شوند. ممکن است رنگ و مواد اولیه فرش عوض شود اما طرح ثابت است. اما در تبریز داستان دیگری جریان دارد. مثلاً در طرح فرشی که عنوان فرش تبریز را بر خود دارد، گل‌ها همه شاه عباسی است و متعلق به مکتب اصفهان است.

در تبریز آقای بنام شروع کرده بود به طراحی و طراحی های بسیار خوبی هم انجام می‌دادند اما هنوز زمان زیادی نگذشته بود عناصر و آیتم‌هایی به فرش های خود افزود که آن ها را بسیار مشابه فرش های اصفهان و مشهد می‌کرد. امروز در تبریز اگر بخواهیم از یک طراح فرش نام ببریم، آن فرد کسی نخواهد بود جز رسام عرب زاده. هیچ کدام از طرح های رسام شبیه دیگری نیست. ایشان می‌گویند: «من هر فرشی کار کنم، نقشه آن را می‌سوزانم تا دیگر نقشه‌ای نباشد که دو کار مشابه از آن بافته شود».

هم اکنون ۱۵ اثر شاخص از فرش تبریز در دنیا موجود است اما هیچ کدام از این فرش‌ها، تجاری نیستند و تمامی فرش‌های انحصاری هستند که همتایی ندارند. مساله دیگر فرش به تصدی گری امور آن مربوط می‌گردد. امروز متولی فرش، سازمان ملی فرش است و این سازمان اختیارات خود را به سازمان صنایع، معادن و بازرگانی تفویض کرده است. کسانی که در این ادارات در حوزه فرش مشغول به کار هستند، اساساً نمی‌دانند فرش چیست؟ این‌ها جزو کسانی هستند که فقط یکی دو سال به زمان بازبستگی آن‌ها باقی مانده است و صرفاً به جایی انتقال پیدا کرده اند که چند سال باقی مانده را بدون دردرس خاصی پشت سر بگذارند. هم اکنون، رئیس اداره فرش تبریز، فردی است که کلاً یک سال از طول خدمتش باقی مانده است. متأسفانه در این اداره کارهای جدی و واقعی در رابطه با فرش صورت نمی‌پذیرد.

من از ممتحنین سازمان فنی و حرفه ای در حوزه بافندگی هستم. یک بار دیدم از کسی عضو اتحادیه فرش شده است که پیشتر در امتحان عملی بافندگی مردود شده بود. اما بعدها متوجه شدم که نتیجه امتحان چندان هم با اهمیت نیست چرا که بنابینه دلایلی حدود پنج هزار کارت قالیبافی صادر شده بود. اگر چه لازم بود بیمه این نفرات تامین شود. از طرفی سازمان فنی حرفه ای دوازده آزمون گر را حذف کرد تا خود آزمون را برگزار کنند اما مگر این سازمان کارشناس خبره فرش دارد؟

کارایی: پس شما به این رویکرد نقد دارید. به نظر شما ورود دولت به این موضوع چقدر سازنده است و یا چقدر مخرب و یا اینکه اتحادیه‌ها چه نقشی دارند؟

محمدیان: سال پیش آقای جبارزاده جلسه‌ای با عنوان نجات فرش تبریز در سازمان تجارت گذاشت. دستور کار این جلسه، ایجاد گروهی برای پرداختن به این مساله و مشکل بود اما در نهایت، همان افرادی انتخاب شد که قبلاً هم جزو کارهایی با موضوعات مشابه بودند. اگر مساله، نجات فرش است، باید از نخبگان تمامی سطوح فرش دعوت می‌شد. اگر این‌ها قابلیت نجات فرش را داشتند، قبل

-به نظر من مشکل عدم وجود هماهنگی و عدم وجود استاندارد هاست. در تبریز در هر دوره ای یک طراح به اشتها می‌رسد و کارهای او در بازار مقبول می‌شود. متأسفانه طراحی فرش در تبریز، مکتب ندارد

از به وقوع پیوستن این مسائل، این کار را انجام می‌دادند.

کارایی: پس دلیل شهرت فرش تبریز به رغم این مسائلی که عنوان فرمودید، چیست؟

محمدیان: عرض می‌کنم. در یکی از روستاهای ترکیه فرشی بافته می‌شد که در کل دنیا معروفیت داشت. اساساً نام روستا بواسطه فرشش پرآوازه شده بود و نام فرش با نام آن روستا شناخته می‌شد. با گذشت زمان، این فرش از میان رفت. بعدها یک دانشجویی که از آبا و

اجدادش متعلق به این منطقه بودند، پروژه پایان نامه خود را بر مبنای مطالعه و تحقیق در زمینه فرش این منطقه و دلایل کم فروغ شدن و از میان رفتن آن، انتخاب نمود. تحقیقات آتی وی نشان می‌داد بخش عمده ای از مشکل مربوط به مواد اولیه و کیفیت کم آن می‌شده است. به گونه ای که با از میان رفتن تدریجی آن فرش، ساکنان روستا نیز مجبور به کوچ به سایر مناطق شهری شده اند.

دانشگاه برنامه ریزی را ترتیب داد تا سرمایه اولیه و مواد اولیه با کیفیت را انتخاب و تهیه کند و در اختیار دانشجویان قرار دهد تا دو نمونه مشابه از نسخه قدیمی فرش ها را تهیه نمایند. دو کار سفارشی بافته شد و برای فروش به کشور آمریکا فرستاده شد. این بار، سفارش چهار فرش دریافت شد و امروز کار به جایی رسیده است که هشتصد دار قالی در آن روستا دایر شده است. در تبریز هم ما اصلاً مواد اولیه مناسب نداریم چه پشم و چه ابریشم. در اکثر کارها از ابریشم مصنوعی و یا از پشم ارزان که مصنوعی هست، استفاده می‌شود.

کارایی: اشاره نکردید که فرش تبریز چرا مشهور شده است؟

محمدیان: فرش تبریز به واسطه نقشه و بافت و مواد اولیه اش متمایز بود و در زمان شیخ صفی و صفویه در اوج قرار داشت. نقشه فرش تبریز بسیار معروف بود. اما الان در تبریز کسی شیخ صفی کار نمی‌کند. ما می‌توانستیم نقشه شیخ صفی مان را حفظ کنیم مثل اصفهان که نقشه سنتی خودش را حفظ کرده است.

کارایی: پس شما به نوعی معتقد به حفظ سنت ها هستید؟

محمدیان: این اتفاق باید می‌افتاد و ما باید در تجارت این را حفظ می‌کردیم. یک فرش از کارهای من در نیویورک موجود است که من زندگی خودم را بر روی آن بافته ام و طرح آزاد است اما من از این طرح آزاد تنها یک بار بافته ام و تمام شد.

کارایی: چقدر به آینده فرش تبریز امیدوار هستید؟

محمدیان: اگر با همین روال ادامه پیدا کند، در تبریز دیگر فرشی نخواهیم داشت. تبریز امروز تبدیل به مرکز تابلو فرش شده است هم اکنون حدود پانزده کارگاه مانده است که آن‌ها هم کم کم از بین خواهند رفت چون حمایتی وجود ندارد.

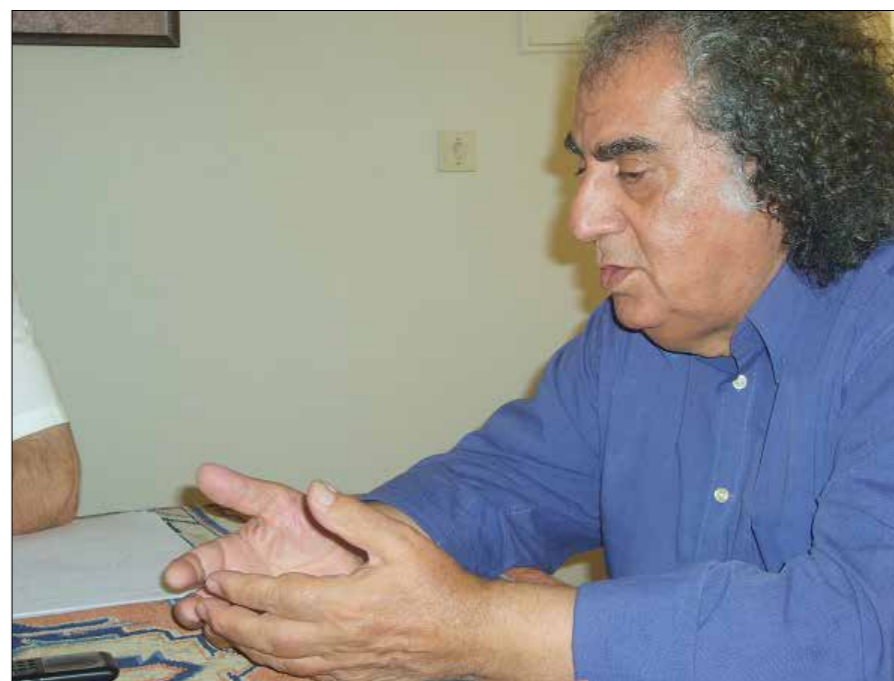
کارایی: پس فکر می‌کنید که چرا به تبریز به عنوان «پایتخت جهانی بافت فرش» مورد انتخاب قرار گرفته است؟

محمدیان: به نظر من چند نمونه کارهای متمایز و متفاوت، باعث این رخداد شد و برای شهر ما نام آوری کرد. اما امروز انحصار طلبی هم در این حوزه بیشتر شده است. ما در هر سفارت وابسته بازرگانی داریم. وظیفه وابسته بازرگانی این است که امور تجاری و بازرگانی را برای شهروندان کشورش تسهیل کند اما این امر در عمل اتفاق نمی‌افتد.

امروز اگر فردی می‌خواهد در تبریز در مورد فرش صحبت کند باید برود و استاد محمد خوبان فر تبریزی را پیدا کند. او فردی است که تابلوی حضرت مریم و حضرت محمد و حضرت علی را بافته است و با فردی که کعبه را به صورت حجمی بافته است، بر روی این موضوع تبلیغات فراوانی صورت گرفت اما این فرش الان کجاست؟ دردناک است؛ اما این فرش هم اکنون در نمایشگاه راه آهن تبریز نگهداری می‌شود و پول اندکی از بابت بافت این شهر به آقای خوبان فر داده اند در حالی که ارزش این اثر بسیار بیشتر از این هاست. امروزه در حوزه فرش انحصار طلبی عجیبی وجود دارد و برخی سفارش‌ها به افرادی داده می‌شود که اصلاً کاربرد نیستند و صرفاً به فکر سود خود هستند

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با محمدعلی قره باغی طراح و تولیدکننده فرش

نقاش فرش باید هفت شهر عشق را از سر بگذراند تا به یک نقش برسد



کارایی: جناب آقای قره باغی چند سالی است که صحبت از رکود بازار فرش می‌شود. نظر عمومی این است که فرش تبریز توان رقابتی اش را در بازارهای جهانی از دست داده است. نظر شما چیست؟

قره باغی: خوب من فکر می‌کنم که دلیل این که فرش تبریز نمی‌تواند با دیگران به رقابت بپردازد این است که اصلاً رقیبی ندارد. تبریز خود محل رقابت است. تنها خود تبریزیان رقیب خودشان هستند و تنها فرش برخی شهرهای ایران را می‌توان در حد تبریز دانست. در این مورد هم که اصفهان و کاشان و همدان نتوانسته‌اند نقشه‌های اصیل را احیا کنند.

کارایی: مساله امروز فرش را ضعف نقشه می‌دانید؟ و فرش تبریز را از این موضوع مستثنی می‌دانید؟

قره باغی: وقتی هنرمندی یک اثر هنری را ایجاد می‌کند چند نوع برخورد می‌تواند داشته باشد. یکی این که ادعای خلاقیت دارد که به خلق چیزی برمی‌گردد که به وجود آورده است. از نظر من این ادعای خلق کردن از اساس ایراد دارد چرا که خالق اصلی خداست. وقتی ما حتی قادر نیستیم یک گلبرگ را با همان ظرافت و لطافتش طبیعی اش به وجود بیاوریم، چطور می‌توانیم ادعای خلق چیزی را داشته باشیم. ما خود نقشی هستیم که نقش می‌زنیم روی فرش. راه دیگر این است که هنرمند ادعای اقتباس می‌کند. این کار ممکن است. می‌توان از چندین نقشه برداشت‌هایی آزاد کرد و از آن نقش‌ها اقتباس کرد. روش دیگر هم مونتاژ است که المان‌هایی از

نقوش مختلف را برداشته و با هم مونتاژ می‌کنیم. این کار هم مثل اتومبیلی می‌ماند که اسپورتش کرده باشید. یعنی چیزهایی به آن اضافه می‌شود که چندان هم جذابش نمی‌کند.

کارایی: استاد با این احوال که می‌فرمایید مشخصات نقاش واقعی فرش چیست؟

قره باغی: نقاش فرش فقط در کاری که روی کاغذ انجام می‌دهد خلاصه نمی‌شود. باید هفت شهر عشق را از سر بگذراند تا به یک نقش برسد. این هفت شهر عشق هم عبارتند از شناخت مواد اولیه خوب، شناخت رنگ‌رزی خوب، طراحی خوب، رنگ‌آمیزی خوب، بافت خوب، نظارت و سرکشی خوب، و گردش اقتصادی خوب که اگر این‌ها را کنار بگذارید هیچ‌کدام از این اطلاعات به دردتان نخواهد خورد. زمینه‌های استعداد هنری در تمام انسان‌ها به نحای مختلف وجود دارد. اما تنها کسانی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند که بتوانند آن را به درستی به کار بگیرند و در آثارشان حفظ کنند.

مشخصه‌ی نقاش خوب این است که نقشه‌اش را به خاطر معنویات دوست داشته باشد و نه مادیات. به خاطر وزیر و وکیل اثرش را به دیوار نمی‌آویزد و به اثرش واقعا عشق می‌ورزد. این خلیقات بجز این که انسان را به مادیات وابسته کند و ارزش کار انسان را پائین ببرد کار دیگری نمی‌کند.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با زین العابدین هریس نژاد سرپرست اتحادیه بافندگان فرش هریس

فرش هریس؛ اعجاز خطوط شکسته



کارایی: یعنی فکر می‌کنید که نقشه فرش هریس به نوعی ریشه در حیات زیسته انسان‌های آن منطقه دارد؟

هریس نژاد: بله بافنده زندگی خود را روی فرش آورده بدون اینکه سواد داشته باشد و یا نقشه‌ای در ذهنش داشته باشد. معمولاً دو نوع فرش بافته می‌شود یکی افشان که فاقد لچک، ترنج است و دیگری فرش است که چک و ترنج را دارد و این فرش دارای لچک و ترنج از هریس ابداع شده است و از مزه درآمده است. از لحاظ تاریخی اسنادی داریم که قدیمی بودن تاریخ فرش هریس را نشان می‌دهد. در آن منطقه یک سنگ نوشته و سنگ قبری وجود دارد که وقتی به آن نگاه می‌کنیم مشخص می‌شود که احتمالاً قبر یک استادکار فرش است چرا که ابزار و آلاتی که امروز در فرش هریس موجود است، همگی بر روی آن قبر حک شده‌اند. این مستندات تاریخی نشان می‌دهد که این صنعت و یا این هنر در این منطقه سابقه بیش از هشتصد ساله دارد؛ این سنگ که همچنان موجود است، قدیمی‌ترین سند برای تاریخ فرش هریس است. از دیگر اسناد معتبر فرش‌های متعلق به هریس در موزه‌های معتبری همچون لوور فرانسه است. یک تابلو نقاشی به نام بازار مصر که هنرمندان تابلو فرش کار تبریزی این طرح را به کرات بافته‌اند، تا جایی که می‌دانم این تابلو حدود چهارصد سال پیش کشیده شده است. جالب است که در این نقاشی که بازار مصر را ترسیم می‌کند، فرش هریس وجود دارد و این نشان دهنده این است که فرش هریس چهارصد سال پیش در بازار مصر وجود داشته است و نشانگر این است که از آن زمان پای فرش هریس به بازارهای خارجی باز شده است. امروز هم در کشورهای عربی فرش هریس مقبولیت خاصی دارد اما از صد و پنجاه

کارایی: جناب آقای هریس نژاد، به بهانه انتخاب تبریز به عنوان «پایتخت جهانی بافت فرش»، پرونده‌ای در این خصوص در دست تهیه و تدوین است. با توجه به شهرت فرش هریس در عرصه فرش دستبافت و با توجه به اینکه شما سال‌هاست در این زمینه فعالیت داشته‌اید، می‌خواستم قدری در خصوص تاریخچه فرش هریس و آنچه این فرش را از سایر فرش‌های روستایی متمایز می‌نماید، توضیح بفرمایید.

هریس نژاد: البته واقعیت این است که اگر بخواهیم به مساله دقیق، اساسی و تاریخی نگاه کنیم، هریس می‌تواند پایتخت فرش دنیا باشد. هم‌اکنون از فرش به عنوان هنر صنعت یاد می‌شود اما فرش هریس فقط هنر است. به طور مثال در تبریز هیچکس نمی‌تواند بدون نقشه فرش بیافد ولی در هریس مبنای کار، ذهنی بافی است و این به ذهن بافنده بستگی دارد که چقدر بتواند طرح را زنده کند. بافنده فرش هریس، هم طراح است و هم بافنده. من عکس یک فرش چهارصدساله هریس را در اینترنت دیدم. جالب است که این فرش نمایی از زندگی یک خانواده هریسی بود و در آن هم عکس بافنده و هم مزرعه و هم حیوانات دیده می‌شود. در این فرش حتی محل ذخیره آبی که از چشمه‌ها جاری است، نیز گنجانده شده و حاشیه فرش هم که ما به آن زنجیره می‌گوییم، دقیقاً همانند حاشیه یک زمین زراعی ردیفی از درختان را نشان می‌دهد که دورادور مزرعه برای حفاظت از زمین و حیوانات کاشته می‌شد. این چارچوب فرش هریس را نشان می‌دهد.

سال پیش قضیه مقداری فرق کرده است. در آن سال ها سرمایه گذاران تبریزی، فرش هریس را صنعت قابل سرمایه گذاری ارزیابی می نمایند و بدین ترتیب، برخی سرمایه داران تبریزی از جمله خانواده گنجه ای سرمایه گذاری های کلانی در زمینه فرش هریس انجام دادند. این سرمایه گذاران نقشه های خود را می آوردند تا در هریس بافنده ها آن نقشه ها را بیافند. چون شیوه بافت هریس و تبریز کاملاً متفاوت است، این نقشه ها در هنگام بافت تغییر پیدا می کند و نتیجه این می شود که نقشه طور دیگری از کار در می آید و تمام خطوط دور به خطوط شکسته تبدیل می شود. دلیل این امر این است که در هریس امکان درآوردن خطوط دور و منحنی وجود ندارد و این به دلیل ابزار و آلات و شیوه بافت و تکنیک بافت است که اجازه نمی دهد این اتفاق بیافتد. مثلاً در هنگام بافت فرش تبریز بود ها بعد از هر گره فرش به وسیله دغه کوبیده می شود که حداکثر نیم کیلو وزن دارد اما در هریس، وسیله ای با آن پودها کوبیده می شود، پنج کیلو وزن دارد و تار و پودها را با شدت به هم وصل می کند. اینجاست که خطوط منحنی می شکند و به همین دلیل است که به فرش هریس اعجاز خطوط شکسته می گویند.



هم اکنون از فرش به عنوان هنر صنعت یاد می شود اما فرش هریس فقط هنر است. به طور مثال در تبریز هیچکس نمی تواند بدون نقشه فرش بیافد ولی در هریس مینای کار، ذهنی باقی است و این به ذهن بافنده بستگی دارد که چقدر بتواند طرح را زنده کند. بافنده فرش هریس، هم طراح است و هم بافنده.

کارایی: علاوه بر این ویژگی چه چیزهای دیگری در این فرش تغییر به وجود آورده و آن را نام آور کرده است؟

هریس نژاد: شیوه بافت، مصالح و رنگ. این پارامتر ها کیفیت فرش را تعیین می کنند. حب در هریس در ایام قدیم مصالح بافت فرش و رنگرزی آنها توسط خود بافندگان و در خانه انجام تهیه می شد. من این هارا به یاد می آورم. برای رنگرزی از رنگ های گیاهی که از مواد طبیعی به دست می آمد، استفاده می شد. شیوه بافت فرش هریس واقعا متفاوت است. در تمامی شهرها و جاهایی که فرش بافته می شود، بدون استثنا از چاقوی قلاب دار استفاده می شود و هر گره دو بال دارد. در بافت های معمول فقط یک بال گره بیرون می آید و دیده می شود ولی در فرش هریس با دست یک گره کامل می زنند و دو بال را باهم می برند و این باعث می شود که فرش هریس، فرشی کلفت باشد. به همین دلیل هم فرش هریس هر اندازه تا بخورد و در معرض ضربه قرار بگیرد، احتمال شکستن آن وجود ندارد. ولی سایر فرش ها، شکنندگی زیادی دارند. خطوط شکسته فرش هریس خواهان بسیاری دارد و بی اندازه مقبول است. زیبایی فرش هریس روز به روز که کهنه تر و سالخورده تر، بیشتر می شود.

با این وجود این سرمایه گذارهای تبریزی بودند که فرش هریس را به بازار جهانی بردند و از آن پس اهالی خود هریس هم دیدند این کار ارزشمند و سودآوری است، شروع به سرمایه گذاری نمودند. در هریس به افرادی که روی فرش سرمایه گذاری می کردند، ارباب می گفتند. در پدر بزرگ من هم از سال ۱۳۲۰، نماینده شرکت فرش ایران در هریس بود. بدین ترتیب و با ورود ارباب ها، نظارت جدی بر روی مصالح، رنگ ها، و نحوه رنگرزی صورت می گرفت به طوری که ارباب ها دوبار در هفته به جهت نظارت به خانه کارگران مراجعه می کردند. دستمزد این کارگران نیز توسط اربابان پرداخت می شد. این روال تا وقوع انقلاب ۵۷ ادامه داشت. بعد از انقلاب اتفاقی افتاد که به لحاظ نتیجه و آثار، تناقضاتی در پی داشت. با وقوع انقلاب، اگر چه سرمایه در اختیار خود مردم قرار گرفت تا با آن کار خود را شروع کنند و این امر فی نفسه اتفاق مبارکی بود، اما قسمت نامبارک این مساله به قطع نظارت اربابان مربوط می شد. در این مقطع اگر چه روابط استثماری میان ارباب و رعیت از میان رفته بود اما کیفیت فرش نیز افت قابل توجهی کرد. همانگونه که پیشتر عنوان شد، اربابان خود کارشناسان بودند و چون بافت فرش هریس مبتنی بر ذهنی بافی بود، پس از قطع نظارت اربابان، دخل و تصرف هایی زیادی در نقشه توسط بافندگان صورت گرفت به طوری که در برخی موارد، نقشه گل های درشت رازی می بافتند یا برعکس و حتی در رنگ ها هم از رنگ هایی استفاده می شد که بازار پسند نبودند.

بعدها به تدریج هم که سهمیه ای تحت عنوان رنگ های شیمیایی به بافندگان داده می شد. بعضی وقت ها فکر می کنم که شاید این سهمیه رنگ های خارجی که به ما می دادند با قصد و غرض قبلی بوده تا صنعت فرش ما رو به افول بگذارد و امروز در بازار جهانی ترکیه، چین، پاکستان پیشرو گردند. الان وضعیت به گونه ای شده که در هندوستان با رنگ های گیاهی فرش هریس تولید می شود.

تمامی این عوامل باعث شد تا کیفیت فرش هریس مقداری افت کند اما به هر روی این فرش تا به امروز هم در خانه ها بافته می شود. نکته جالب دیگری که بایستی در خصوص فرش هریس عنوان کنم این است که تمامی بافندگان فرش در هریس، زنان هستند و مردان عموماً فرش نمی بافتند. در میان بافندگان نامدار مرد در هریس تنها نام یک نفر ماندگار شده و آن اسماعیل بیگ است که فرش های بافته شده بی همتا هستند و این امر برای فرش های بافته شده توسط وی، شهرت جهانی به ارمغان آورده است. من از نزدیک با وی دیدار کردم و در کمال تعجب و تأسف دیدم که به رغم ارزش بالای کارهای وی، خود او در وضعیت معیشتی و مالی نامناسبی زندگی می کند. اسماعیل بیگ به من می گفت که عشق به بافتن

فرش از کودکی در جان او بوده است و چون بافتن فرش در هریس کاری زنانه بوده، مادر او را از این کار بر حذر می داشته اما او در خلوت و در خفا خود را به دار قالی می رسانده و عطش بافتن فرش را بدین گونه فرومی نشانده است.

امروز اما فرهنگ هنری بافت فرش را از دست دختران و زنان ما گرفته اند، به گونه ای که بافندگان فرش، انجام این کار را کتمان می کنند و در ذهن آنان این کار یک شغل دون پایه و بی ارزش جلوه می کند. مجموع این عوامل دست به دست هم داده تا در بازار جهانی جایگاه خود را از دست بدهیم. یک بار که در آلمان بودم، یکی از دوستانم از من خواست تا او را برای خرید یک فرش هریس همراهی کنم. بعد از دیدن فرش مورد نظر، تأیید کردم که این فرش فوق العاده زیباییست ولی برایم سوال ایجاد شد که این فرش متعلق به کدام فرد و یا کدام کارخانه است که من تا به حال آن را ندیده ام، با لمس فرش و بر مینای شیوه بافت آن دیدم متوجه شدم که این فرش در هریس بافته نشده است. از فروشنده سوال کردم گفت ووی در جواب گفت منظورتان کدام هریس است؟ این فرش متعلق به هریس ترکیه است. آن فرش آنقدر عالی و با رنگ های خوبی بافته شده بود که هم قابل تقدیر بود و هم بسیار مشابه فرش های چندین سال پیش هریس.

در مملکت ما متأسفانه مدیریت تولید صفر است و اساساً نیازی هم به تولید نداریم. شاید قبل از ملی شدن صنعت نفت به تولید احتیاج داشتیم، به اینکه که این فرش صادر شود و به مملکت ارز وارد شود ولی امروز که نفت داریم و نیاز به تولید وجود ندارد، در این زمینه حساسیت و جدیت نداریم. به همین دلیل است که فرش هریس امروز در آستانه اضمحلال قرار گرفته است البته اگر یک حرکت اساسی صورت پذیرد، شاید فرجی حاصل شود و هم فرش هریس و هم فرش ایران در وضعیت بهتری قرار گیرند.

کارایی: پس برای کوتاه مدت چشم انداز مثبتی وجود ندارد؟

هریس نژاد: فعلاً نه مگر اینکه به شیوه ارباب رعیتی سابق البته در سطح کارشناسی بر تولیدات غیر متمرکز و خانگی نظارت اعمال شود که البته چندان هم امکان پذیر نیست چون قبلاً ها در هریس همه درها باز بود و همه به خانه همدیگر برای نظارت و بررسی می رفتند و اصلاً فرهنگ غالب این بود که ارباب به خانه ها می رود و فرش هارا مورد بررسی قرار می دهد اما امروز چنین چیزی امکان ندارد. به همین دلیل تنها راه این است که کار فرش بافی را به کارگاه های متمرکز بسپاریم. برای این کار نیاز به سرمایه گذار و بخش خصوصی است و آن هم مستلزم حمایت های دولتی است. اگر نتوانیم مدیریت کارگاه های متمرکز را به درستی اعمال نماییم، فرش هریس آهسته آهسته رو به افول می رود.

گفتگوی اختصاصی کارایی با مهدی محمدزاده رئیس دانشکده هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

آنچه یک اثر هنری را در قلمرو هنر اسلامی قرار می دهد بینش و اندیشه آن است

دانشگاه هنر اسلامی از سال ۱۳۷۴ در تبریز تأسیس شد تا بتواند گفتمانی جدید را در عرصه هنر معاصر ایران آغاز کند. البته این به معنای تأسیس هنری جدید نبود، بلکه این دانشگاه تلاش داشت که با بهره گیری و تکیه بر داشته های بومی هنر و تمدن ایرانی و اسلامی در جهت تقویت نگاه ها به آنچه که سرمایه های هنری و فرهنگی ایران عزیز را تشکیل می داد نقشی بسیار دقیق و مهم را در جهت خیزش هنری جدید اما ریشه دار این سرزمین ایفا کند. نقشی که چون بیشتر پدیده های تأثیر گذار و الهام بخش طول تاریخ کشورمان، این باز نیز به تبریز و دانشگاهیان سپرده شد. در این میان طبیعی است که جایگاه دانشکده ی هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز بسیار

حساس باشد. در این گفت و گو نظرات دکتر محمدزاده را در مورد جایگاه فرش در هنر ایرانی و هنر اسلامی، و برخی مسائل آن جویا شده ایم.

کارایی: جناب دکتر جایگاه فرش تبریز در هنر اسلامی کجاست؟

محمدزاده: اجازه بدهید قبل از پرداختن به فرش تبریز و جایگاه آن، در ابتدا به بررسی این امر بپردازیم که اساساً کدام هنر را می توان اسلامی یا ایرانی دانست. این که یک اثر هنری در چه چارچوبی طبقه بندی شود با سازنده ی آن تعریف نمی شود. یعنی وقتی یک اثر هنری توسط هنرمندی مسلمان خلق می شود لزوماً آن اثر در چارچوب هنر اسلامی نیست. یا وقتی که یک اثر هنری در کشوری مسلمان ساخته می شود، لزوماً آن اثر هنری جزئی از هنر اسلامی نیست، بلکه آنچه که یک اثر هنری و یا یک هنرمند را در قلمرو هنر اسلامی قرار می دهد آن بینش و اندیشه ای است که از تفکر اسلامی در روح و روان هنرمند و اثر هنری ای که خلق می کند منبعث می شود.

کارایی: با این تعریفی که می فرمایید آیا فرش در قلمرو هنر اسلامی است؟

محمدزاده: بله. ما تحول را در فرش بعد از اسلام ایران به نسبت قبل از اسلام به وضوح مشاهده می کنیم. این تحول مثل دیگر زمینه های هنری مانند سفال هم در فرم رخ داده است و هم در محتوا.

کارایی: این تحول به طرح و نقش هم مربوط بوده است؟

محمدزاده: حتماً مربوط بوده است. به ویژه از دوره ی صفوی به این سو از آنجا که طراحان فرش به احتمال زیاد همان نقاشان و یا به قولی نگارگران آن روزگار بوده اند این اتفاق رخ داده است. افرادی چون سلطان محمود و کمال الدین بهزاد که با خلق شاهکارهایشان نقاشی را متحول کردند و به همراه نقاشی طبیعتا هر آنچه که به آن مربوط می شد نیز متحول شد. تحول طرح و نقش فرش نیز در همین زمینه قابل بررسی است.

کارایی: با این شرحی که فرمودید در آن روزگار بین اساتید فن نقاشی



و اساتید فن فرش فاصله ای نبوده است. پس این فاصله ای که میان دانشگاه و بازار فرش تبریز وجود دارد نباید چندان سابقه ای داشته باشد؟

محمدزاده: این واقعیت که در کشور ما دانشکده ی هنرهای زیبای تهران به تقلید از دانشگاه هنرهای زیبای پاریس تأسیس و حتی نام گذاری شده است نشان از تأثیری دارد که تحولات معاصر غرب بر جریان هنر ایران گذاشته است. حتی ما امروز وقتی از نقاشی صحبت می کنیم بی درنگ نوع غربی آن در ذهن مان تداعی می شود. این در حالی است که نقاشی ای که نقاشی حقیقی ماست، امروزه مینیاتور و یا با کمی بهبود نگارگری نامیده شده است. یعنی همان رویه ای است که برای نامیدن دانشکده ی هنرهای زیبا اتخاذ شده است. در طول یک دهه و نیمی که از زمان تأسیس دانشگاه هنر اسلامی تبریز گذشته است تلاش ما بر این بوده است که در این رویه هایی که معمول شده بود تغییراتی ایجاد شود. مثلاً پیشینه اید کرده ایم که از عنوان نقاشی ایرانی به جای مینیاتور و نگارگری استفاده شود.

کارایی: پس ریشه ی فاصله ی بازار فرش و دانشگاه را در تاثیر تحولات معاصر اروپا بر ایران می دانید.

محمدزاده: انقلاب صنعتی اروپا و تولید انبوه آثار هنری خود به خود بر بازار ما نیز تأثیر کرد. تقاضا برای فرش تبریز و ایران بالا رفت و طبیعتاً تعاریفی که ما از تولید داشتیم، هم به لحاظ تعاریف جدید و هم از نظر ضرورت های فنی تولید انبوه دچار تحول شد. تعریفی که دانشگاه جدید از هنر ارائه می کرد تطابق چندانی با تعریفی که هنر فرش در بازار سنتی از خود ارائه می کرد نداشت. آن چیزی هم که از تکنولوژی غرب در جهت تسهیل تولید انبوه و پاسخ گویی به تقاضای اروپا برای فرش به بازارهای تبریز راه یافت چیزی نبود که بر ارزش های فرش ما اضافه کند. به عنوان مثال رنگ های صنعتی کمیت تولید فرش را بالا برد اما از کیفیت طبیعی آن کاست.

کارایی: پس در واقع گفتمانی در بازار رایج شد که با گفتمان قبلی آن متفاوت بود.

محمدزاده: بله. گفتمانی که دانشگاه نیز به تقلید از اروپا یا آن همراه بود، اما به دلیل رویه های متفاوت سنتی بازار که حتی با تکنولوژی وارداتی و فرهنگ جدید بازار هم فاصله داشت، همراهی ای میان بازار و دانشگاه ایجاد نکرد. در حال حاضر هم که ما تلاش داریم در دانشگاه هنر اسلامی گفتمان قبل از سال های ورود برخی تکنولوژی های اروپائی و ضرورت های آن را به روز کنیم مشکلی جدید وجود دارد و آن ماندگاری حضور همان گفتمان ایجاد شده از زمان انقلاب صنعتی و تأثیرات آن بر بازار فرش تبریز است.

کارایی: پس در واقع تحولاتی که با انقلاب صنعتی در اروپا رخ داده است هنر صنعت فرش ما را به شکلی از روال درست و طبیعی اش

خارج کرده است.

محمدزاده: بله. ما هنر صنعتی داشتیم که قدرت اداری خود را چه در محتوا و چه در اقتصاد داشت. باتاثراتی که انقلاب صنعتی بر تولید و بازار فرش ما گذاشت این هنر نتوانست به توسعه‌ی طبیعی و درست خود که طی سالیان بعد می‌باید طی می‌کرد ادامه دهد.

کارایی: دانشکده‌ی هنر اسلامی در این راستا در حال انجام چه اقداماتی است؟

محمدزاده: ما در دانشگاه تلاش می‌کنیم ضمن حمایت از تحقیق و توسعه و استفاده از تکنولوژی روز به بازار کمک‌های لازم را ارائه داده و بتوانیم محتوا و نشانه‌هایی را که یک اثر هنری را ایرانی نگه می‌دارد را یادآوری کنیم.

کارایی: جناب دکتر محمدزاده واقعاً چه چیزهایی یک اثر هنری را ایرانی و اسلامی می‌کند؟

محمدزاده: یک اثر هنری که برای حفظ هویت بومی‌اش باید هم زیبا باشد و هم کاربردی. ما در کشورمان هنرهای زیبا نداریم. اصلاً این کلمه برای ما معنا

انقلاب صنعتی اروپا و تولید انبوه آثار هنری خود به خود بر بازار ما نیز تاثیر کرد. تقاضا برای فرش تبریز و ایران بالا رفت و طبیعتاً تعاریفی که ما از تولید داشتیم، هم به لحاظ تعاریف جدید و هم از نظر ضرورت‌های فنی تولید انبوه دچار تحول شد

ندارد. جدایی در تعریف از اثر هنری به عنوان اثری زیبا و یا کاربردی به همان برداشتی برمی‌گردد که پس از انقلاب صنعتی به کشور ما وارد شده است. در حالی که هنر ما هم زیباست و هم کاربردی. اجازه بدهید با مثالی موضوع را روشن‌تر کنم. ما فرش را می‌بافیم چون برای زندگی ما لازم است. فرش وسیله‌ای است که هم جلوی نفوذ سرما را می‌گیرد و هم در مقابل رطوبت مقاوم است. از آنجا که در زندگی روزمره‌ی ما نیز از صندلی استفاده نمی‌شد حضور فرش در زندگی ما اجتناب‌ناپذیر بود. حالا تصور کنید که ما فرش داشتیم که هیچ

طرح و رنگی نداشت. در این صورت این فرش تمام نیازهای ما را پاسخ می‌داد. پس سوالی که پیش می‌آید این است که چطور شده است که ما به این فرش که بدون طرح و نقش و رنگ نیز کاربرد داشته است تمام این نقوش و رنگ‌های زیبا و یک به یک حساب شده را بخشیده‌ایم. دقت در یافتن پاسخ این سوالات است که ما را به این نتیجه می‌رساند که یک اثر هنری در کشور ما طبق تعریفی که از زندگی‌مان برمی‌خیزد هم دارای کاربرد مادی است و هم دارای کاربرد معنوی. این همان چیزی است که آثار هنری ما و تعریفی را که از آن‌ها داریم را از آثار هنری دیگر متمایز می‌کند.



عکس: سینا کاظمی

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی با جواد پورنامی طراح و تولیدکننده‌ی فرش و مدرس دانشگاه

اگر تولید انبوه انجام بشود رنگری طبیعی کاملاً به صرفه خواهد بود

شهرهای تبریز و اصفهان و مشهد زیر نظر دولت تاسیس می‌شود و بعد در همه جای ایران گسترش می‌یابد. بعدها با توجه به گستردگی بافت فرش در ایران و وجود فرش‌های شهری، روستایی و عشایری شرکت سهامی فرش بیشتر نقش حمایتی به خود گرفت و به اموری چون ترویج و بهبود کیفیت و حفاظت از نقش‌مایه‌ها پرداخت. تا همین چند وقت پیش این شرکت به حمایت از خانواده‌های قالی‌باف می‌پرداخت و آنها را در بافت فرش‌شان کمک می‌کرد.

کارایی: به نظرتان گذشته از عدم ارتباط دانشگاه با بازار این کاهش حمایت‌های دولتی از مشکلات اصلی صنعت فرش است؟

پورنامی: به هر حال اگر مشکل اصلی هم نباشند، مشکلاتی اساسی هستند. البته مشکل مهم‌تر مشکل فرهنگی است که پیدا کرده‌ایم. فرهنگ‌مان طوری شده است که به بسیاری از کارهایی را که شان و عزت نفس مردمان را رعایت نمی‌کنند و دستمزدی حتی پائین‌تر از دستمزد قانونی دارند تن می‌دهیم اما حاضر نمی‌شویم به بافندگی که هم کسب حلال است و هم منزلت‌مان را حفظ می‌کند بپردازیم. واقعا در تبریز چه اتفاقی افتاده است که حاضریم منشی فلان آقای دکتر با حقوق پائین باشیم اما با درآمد مگفی و بیمه فرش نبافیم.

واقعا نمی‌دانم که ما چرا از هنر صنعت بومی شهرمان بیگانه شده‌ایم؟! انگار که به نوعی از خودمان، فرهنگ‌مان و هویت‌مان فرار می‌کنیم!

کارایی: پس مشکل اصلی امروز فرش تبریز را در جابه‌جایی ارزش‌ها می‌دانید.

پورنامی: همینطور است. متأسفانه این اتفاق افتاده است. به فرض که دختران و پسران جوان ما متوجه موقعیت‌های مثبت و منفی نیستند و خطراتی را که تهدیدشان می‌کند را نمی‌بینند. آیا خانواده‌ها هم این خطرات و راه حل بومی دوری از آن‌ها را نمی‌بینند و نمی‌دانند. این مساله نه تنها در فرش که در سایر هنرها نیز صادق است. منتها در فرش شما اطمینان دارید که محصول به دست آمده به فروش خواهد رفت.

کارایی: آیا ریشه‌ی این مشکل در نوع نگاه به شغل قالی بافی است؟

پورنامی: این مشکل بالاخره از قدیم بوده است. متأسفانه ما از نظر تربیتی نتوانسته‌ایم دفاع درستی از فرهنگ بومی‌ای که طی سالیان و حتی قرون طولانی ساخته بودیم دفاع کنیم. در ایجاد این مشکل هم دولت و مردم هر دو مسئولیت داشته‌اند.

کارایی: اما از موارد فرهنگی که بگذریم، به نظر می‌رسد در دست رفتن جایگاه فرش بسیاری از عوامل اقتصادی هم دخیل بوده‌اند. چطور می‌شود که فرش که طی قرن‌ها محور بازار تبریز بوده است سقوط می‌کند و بازارش را از دست می‌دهد.

کارایی: جناب پورنامی مدت زمان چندانی از وقتی که در تبریز از هر دوسه خانواده، یکی مشغول بافت فرش بودند نمی‌گذرد. هنوز هم اینطور است؟

پورنامی: فکر نمی‌کنم حالا اینطور باشد. اما در آن زمان که می‌گویید، که همین چهل پنجاه ساله اخیر را شامل می‌شود، تقریباً تمامی خانواده‌های تبریزی به هر حال یک طوری با کسب و کار فرش رابطه داشتند. یکی رنگرز بود و دیگری بافنده و همینطور دیگر مشاغل مربوط به فرش. امروزه جای بیشتر این مشاغل را دلالی و خرید و فروش کالاها گرفته است و بیش از تولید کننده در هر کالایی، دلالان آن کالا فعال هستند. این مساله روی کیفیت کالاهای نیز تاثیر گذاشته است و دیگر کالاهایی اصیل و با کیفیت چون گذشته کمتر تولید می‌شود. البته این تنها شامل فرش نمی‌شود و در کالاهای دیگری هم که به طور سنتی در تبریز تولید می‌شوند نیز دیده می‌شود.

کارایی: ریشه‌ی نپرداختن بخش بزرگی از کسانی که در صنعت فرش تبریز فعال بوده‌اند به این کار در کجاست؟

پورنامی: ما طراحی کار را درست انجام نمی‌دهیم. از مواد اولیه‌ی درستی هم استفاده نمی‌کنیم. در واقع معیارهایی را که قبلاً به آن‌ها پرداخته بودیم را امروزه نادیده گرفته‌ایم. ما کار را واقعا جدی نمی‌گیریم. الان نوزده بیست سال است از سال ۱۳۷۵ رشته‌ی فرش در دانشگاه هنر اسلامی تبریز راه اندازی شده است اما هنوز هم رابطه‌ی بازار و دانشگاه چندان که باید گرم نیست. حتی در اوایل این باور در بازار رایج بود که مگر می‌شود فرش را هم در دانشگاه آموزش داد و یا آموخت؟ البته وضعیت حالا بهتر شده است اما هنوز هم راضی کننده نیست. در واقع این که ما دیر می‌پذیریم که حل بعضی از مسائل تنها از طریق علمی و به واسطه‌ی دانشگاه ممکن است فاصله‌ی ما را با کشورهایی که برای این قبیل مسائل ذهنی آماده دارند زیاد کرده و رقابت را برای ما دشوار کرده است. این مشکل تنها در فرش هم نیست. آقای دکتر کی نژاد تلاش فراوانی کردند که رشته‌ی چرم را در این دانشگاه که محل کارخانه‌ی چرم‌سازی سابق نیز هست راه‌اندازی کنند که فعلاً تا به امروز عملی نشده است.

کارایی: آیا این رابطه‌ی ضعیف بازار و دانشگاه در صنعت فرش تبریز به این معناست که جامعه‌ی تبریز در ادوار گوناگون به فکر توسعه‌ی بازار و تولید فرش از طریق نهادهای خصوصی و دولتی نبوده است؟

پورنامی: به هر حال صنعت فرش تبریز از خیلی وقت پیش می‌باید صاحب دانشگاه می‌شد. اولین موسسه‌ای که به طور قانونی در زمینه‌ی فرش در ایران شروع به فعالیت کرد موسسه‌ی قالی ایران است که در سال ۱۳۰۹ تاسیس شده است. بزرگ‌ترین کمپانی فرش نیز در آن زمان کمپانی شرق لندن بود. بعدها گستردگی صنعت فرش موجب شد که نیاز به ایجاد نهادی دولتی در این صنعت احساس شود. به این ترتیب است که در سال ۱۳۱۴ موسسه‌ی قالی ایران از میان می‌رود و شرکت سهامی فرش در

پورنامی: من فکر می‌کنم به هیچ عنوان اتفاق غیرقابل پیش‌بینی‌ای نیفتاده است. ما در پشت افتخارات فرهنگی گذشته و شعارهای اخلاقی، خودمان را پنهان کرده‌ایم. این در حالی است که امروزمان را باید ارزیابی کنیم و ببینیم اخلاق و فرهنگ امروزمان چیست. چرا این کارها انجام نشده و نمی‌شود؟ چون ما نتوانسته‌ایم هیچ چیز را قانونمند کنیم. دقت کنید به تعداد مغازه‌هایی که در بازار فرش تبریز به خرید و فروش فرش مشغول هستند. اصلاً ما به این همه فرش فروش در بازار تبریز نیاز داریم؟ بیشتر این افراد بجز معدودی از افراد انگشت‌شمار با کار دلالی روزگارشان را می‌گذرانند و به این ترتیب قیمت‌ها بالاتر و بالاتر می‌رود و در این روند افزایش کاذب قیمت‌ها بازار فرش آسیب‌می‌بیند.

کاریابی: دولت در این روند بازار فرش کجای ماجرا قرار دارد؟

پورنامی: اخیراً شرکت سهامی فرش به‌بخش خصوصی واگذار شده است. بنده از منتقدان این کار دولت هستم. درست است که خصوصی‌سازی اصلی مهم است که باید برای پویایی اقتصاد کشور انجام شود اما نباید آن را به هر موردی تسری داد. بالاخره دولت باید جایگاه نظارتی‌اش را حفظ کند. اگر اینطور عمل شود باید راهنمایی و رانندگی را هم خصوصی کنیم. تصدی دولت در مورد بافت فرش که زمانی توسط جهاد انجام می‌گرفت بسیار مورد انتقاد بود و تعطیل شد، اما این که ما شرکت سهامی فرش را که در جایگاه ناظر قرار دارد خصوصی کنیم جای نقد جدی دارد.

کاریابی: البته هنوز مرکز ملی فرش دولتی است.

پورنامی: بله مرکز ملی فرش وجود دارد و دولتی است. مشکل اینجاست که به موازات حضور این مرکز پشم دباغی هم در بازار وجود دارد و به شکل علنی و در نود درصد مغازه‌ها به فروش می‌رسد. رسیدگی به اینگونه موارد که مستقیماً با کیفیت فرش‌های تولیدی مربوط است از عهده‌ی هر فرد حقیقی و یا بخش خصوصی خارج است. لازم است بخش دولتی با اهرم‌های نظارتی اینگونه امور را سر و سامان دهد. در واقع باید در بازار فرش هم یک نوع پلیس ۱۱۰ داشته باشیم که بتوانیم بر بازار فرش نظارت داشته باشیم.

کاریابی: استفاده از این مصالح نامرغوب توسط خود بافندگان قابل کنترل نیست؟

پورنامی: بافنده‌ای که معمولاً در روستا تک‌بافی می‌کند، تشخیص نمی‌دهد که باید از کدام مواد اولیه استفاده کند. این بافنده فقط این را می‌داند که برایش بهتر است که از مصالحی استفاده کند که ارزان‌تر تمام شود. و این یعنی پشم گازوئیلی و مثلاً استفاده از نخ پلی‌استری. اگر نهاد دولتی نباشد این اتفاقات طبیعی است. رنگرزی با رنگ شیمیایی در حالی که نهاد دولتی ناظر وجود دارد توجهی ندارد. در حال حاضر در هریس و در همین تبریز خودمان هشتاد درصد رنگ‌های رنگرزی شیمیایی هستند.

کاریابی: اگر در تمام این رنگرزی‌ها رنگ طبیعی استفاده شود تولید فرش تبریز اصلاً به صرفه خواهد بود؟

پورنامی: بله. مساله در نحوه‌ی تولید است. اگر تولید انبوه انجام بشود رنگرزی طبیعی کاملاً به صرفه خواهد بود. در این مورد هم باز مساله‌ی نظارت بر قیمت‌ها در رنگرزی‌ها و همینطور پایبندی اجتماعی به فرهنگ و اخلاق بومی خرف اول و آخر را می‌زند. ما نمی‌توانیم قوانین‌مان را درست

به اجرا در آوریم. به عنوان مثال اگر قوانین اسلامی در قوانین کار به درستی اجرا شود اصلاً مشکلی نخواهیم داشت. قوانین شریعت ما بر این پایه است که قبل از آن که عرق جبین کارگری خشک بشود دستمزدش را بپردازیم. این در حالی است که ما در جامعه دلالانی داریم که از نهادهای مدیریتی و نظارتی، سرمایه‌گذار و بافنده درآمد بسیار بیشتری دارند. ما هنوز برای دستمزد بافندگان قانون مشخص دستمزد نداریم. البته کارگروهی در این زمینه تشکیل شده بود که بعد از یک جلسه دیگر بنده دعوت نشدم و نمی‌دانم که ادامه یافت یا نه. اما به هر صورت هنوز هم مشکل دستمزد بافندگان ادامه دارد و هنوز حتی حداقل حقوق تعیینی توسط دولت نیز برای‌شان رسمیت نیافته است.

کاریابی: در مورد دستمزدها ظاهراً تولید کنندگان این مساله را طرح می‌کنند که با همین سطح فعلی دستمزدها هم فرش در بازارهای جهانی خواهان ندارد.

پورنامی: مشکلی که امروز صنعت فرش را تهدید می‌کند دستمزد کارگران نیست. مساله تولید بیش از حد لزوم فرش است. فرش هنر صنعتی است که باید توسط اهلس تولید شود. نباید در صنعت فرش ما این همه تولید کننده وجود داشته باشد. وقتی کسانی در یک صنعت فعال هستند به اصول و قواعد تولید در آن آشنا نباشند طبیعی است که محصولات تولیدی آن‌ها هم نمی‌تواند از کیفیت درستی برخوردار باشد و در نهایت هم به صرفه نخواهد بود. در نتیجه تمام ناشی‌گری‌ها بر سر کارگران خواهد شکست. اگر واقعا مشکل، دستمزد کارگران است پس آن تعداد از تولید کنندگان و تجار فرش که در هر شرایطی حال‌شان خوب است و تحریم و هزار مشکل قانونی و اقتصادی هم پیش روی‌شان است چطور موفق می‌شوند. توجه داشته باشید که ما صحبت از حداقل‌های کمی و نه حد اکثرها و منظورمان این نیست که کارگران باید به اندازه‌ی سرمایه‌گذاران و یا تولید کنندگان کارفرما منتفع شوند. ما در مورد بیمه‌ی کارگران صحبت می‌کنیم.

کاریابی: این اخلاق از چه طریقی باید در تمامی شئون بازار فرش ساری و جاری شود؟

پورنامی: نهادهای نظارتی دولت باید توان اجرایی داشته باشند و با هم هماهنگ عمل کنند. از یک سو دانشگاه در هریس دانشکده‌ی فرض تاسیس می‌کند و سعی در ترویج مشخصات استاندارد فرش هریس در طرح و رنگ و تمام مشخصه‌ها دارد و از سوی دیگر اداره‌ی فرش با رنگرزان شیمیایی هیچ نظارتی ندارد. اصلاً فرض کنیم که فرش‌های طبیعی رنگ می‌شود حتی در صورت استفاده از روش‌های تولید انبوه هم گران‌تر تمام می‌شود. خوب دولت می‌تواند در این مورد یارانه در نظر بگیرد و سود این یارانه را به طور قطع در سال‌های آتی برداشت کند. تنها نهادهای که می‌توانست و در عمل به این موارد نظارت و عمل می‌کرد شرکت سهامی فرش بود که آن‌ها هم خصوصی کردند.

کاریابی: با این استانداردهای پایینی که برای بسیاری از فرش‌ها ذکر می‌کنید، این همه فرش‌هایی که از کشور صادر می‌شود چطور در خارج خریدار دارد؟

پورنامی: با قیمت پائین می‌خرند و رقبای‌مان در بازارهای بین‌المللی تا جایی که می‌توانند به استناد آن‌ها اعتبار‌مان را از بین می‌برند.

گفتگوی اختصاصی نشریه کاریابی با عزیز میرزایی یکی از مدیران کارگاه قالی بافی

در کسب و کار خانوادگی اهالی خانواده در خدمت هدف جمعی قرار می‌گیرند



تولید فرش در تبریز در طول تاریخ صورتی خانوادگی داشته است. حتی امروز نیز در این شهر بسیاری از خانواده‌ها پای دارهای قالی‌شان می‌نشینند و با تک‌بافی فرش روزگار می‌گذرانند. همین روال به هنگام تشکیل کارگاه‌های تولیدی نیز ادامه یافته و خانواده‌ها، هم در بافت و تولید و هم در مدیریت و نظارت نقشی اساسی ایفا کردند. اما نقشی که این شیوه‌ی اداره‌ی کسب و کار قالی‌بافی در روزگار کنونی در امر تولید دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روشی که شاید یکی از راهکارهای مهم و اصلی احیای جایگاه جهانی فرش تبریز باشد. از این روست که برآن شدیم که با مدیران یکی از کارگاه‌های قالی‌بافی تبریز در این زمینه گفت و گو کنیم. در ادامه حاصل گفت و گوی ما با جناب عزیز میرزایی از نظراتن می‌گذرد.

کاریابی: جناب میرزایی تا جایی که پرس و جو کردم کارگاه شما بیشتر به صورت خانوادگی اداره می‌شود. اینگونه کارگاه‌ها در تاریخ فرش تبریز کم نبوده‌اند اما در حال حاضر اثر چندانی از اداره‌ی کارگاه‌ها به صورت خانوادگی باقی نمانده است. کارگاه‌تان را چگونه اداره می‌کنید؟

میرزایی: باید بگویم که ما کارگاه‌مان را از اساس بر همکاری خانوادگی بنا کرده‌ایم. البته همانطور که گفتید اشتغال خانوادگی در قالب موسسات و شرکت‌ها و تعاونی‌های خانوادگی امری تازه نیست و از قدیم الایام این امر، به خصوص در تبریز، رایج بوده است. مثل خانواده‌ی عمواغلوها در قالی‌بافی و خانواده‌ی میرعلی در خوشنویسی. ما هم در جریان فعالیت ده ساله‌ای که در صنعت فرش داشته‌ایم تلاش کرده‌ایم که امور را طوری ترتیب و مدیریت کنیم که صورتی نوبه سنت قدیمی کسب و کار خانوادگی بدهیم.

کاریابی: چه حسنی در این کسب و کار خانوادگی است که هنوز هم هرازگاهی خودش را در صنعت فرش آذربایجان باز تولید می‌کند؟

میرزایی: حسن اصلی کار در این است که در این نوع از فعالیت اقتصادی اهالی خانواده بدون در نظر گرفتن مصالح خرد و فردی در خدمت هدف جمعی قرار می‌گیرند. تقسیم کار در میان اعضای خانواده نیز باعث مدیریت بهتر و کنترل و مدیریت مناسب روی کار می‌شود. مثلاً در کارگاه ما آقا بهنام به عنوان سرپرست و ناظر فنی است که تمام امور مربوط به تهیه‌ی مواد و مصالح، کنترل کیفی، انتخاب دار و ابزار و آلات قالی‌بافی را بر عهده دارد. آقا پرویز به امور تبلیغات و گرافیک و روابط عمومی رسیدگی می‌کند و خلاصه که هریک از اعضای خانواده باری از روی دوش کارگاه برمی‌دارند. البته با وجود تقسیم کارها از آنجا که هریک از اعضای خانواده به تمامی مراحل کار

احاطه دارند ممکن است در مواقع لزوم جای یکدیگر را در کارها بگیرند و این هم حسن دیگری است برای کار خانوادگی.

کاریابی: جناب میرزایی مسلماً در روند اداره‌ی کارهای بخش‌هایی وجود دارد که شما نمی‌توانید فقط با تکیه بر توانمندی‌های اعضای خانواده برنامه‌ریزی و عمل کنید. در چنین مواردی با افرادی که از بیرون از خانواده اضافه می‌شوند چطور تعامل می‌کنید؟

میرزایی: تمام تلاش ما در این مورد بر این است که در هر موردی که نیاز به همکاری دیگر همکاران داریم با همکاران و اساتید طراز اول همکاری کنیم. خود همین امر خود به خود هم کیفیت کار را ارتقا می‌دهد و هم مشکلات را به حداقل می‌رساند. البته در این موارد هم ما این توان را در خانواده داریم که بتوانیم از همکاری با اساتید گرانقدر نهایت بهره را برده و تجربیات جدید را به کارگاه انتقال دهیم. به عنوان مثال طرح و نقش‌های قالی ما را پسر عموی محترم‌مان آقای دکتر کریم میرزایی به طور انحصاری برای خانواده طراحی می‌کند و بر بافت نیز به طور مستقیم نظارت دارد. بدیهی است که ایشان با تکیه بر اعتباری که در طراحی قالی دارد توانسته است بسیاری از مسیرهای جدید همکاری را برای کارگاه ما هموار کند.

کاریابی: تا جایی که اطلاع دارم این که یک طراح بتواند کار خودش را تولید کند امری است بسیار مهم. ظاهراً کسب و کار خانوادگی این امکان را به آقای دکتر کریم میرزایی داده است که کارهای خودشان را در کارگاه تولید و بر بافت‌شان نظارت داشته باشند.

میرزایی: بله، همینطور است. طرح‌های کارگاه به طورت اختصاصی از طرف ایشان نقش زده می‌شوند و با نظارت ایشان بافته می‌شوند. ما در این زمینه به ایشان اعتماد کامل داریم. چرا که ایشان مدرس دانشگاه هنر اسلامی تبریز است و در زمینه‌ی طرح و نقش چندین مقام داخلی و خارجی دارد. در کشورهایی مثل آمریکا، فرانسه، بلژیک، کرواسی، بلژیک، ترکیه و آذربایجان کنفرانس و همکاری داشته است. کارگاه در یک همکاری دوطرفه با وی هم از طرح‌ها و ارتباطات ایشان بهره می‌برد و هم نقوش و طرح‌های ایشان را به تولید می‌رساند. اما آنچه که در پیشبرد تولید کارگاهی خانواده از این تعامل خانوادگی به دست می‌آید بسیار مهم‌تر است. این که ما می‌توانیم طرح‌ها و نقش‌هایی داشته باشیم که برای هر قالی نفیس تولیدی تنها برای یک بار و به طور دست اول تولید می‌شوند.

انگیزه‌ی ما از تولید طرح و نقش تازه به دیدگاه‌مان نسبت به هنر قالی‌بافی



عکس: سینا کاظمی

برمی‌گردد. قالی بافی را نباید یک هنر مجزا از دیگر هنرها دانست. ما برای این که بتوانیم به این معضل غلبه کنیم نه تنها تصمیم گرفتیم از طرح و نقش جدید استفاده کنیم، مصمم شدیم از دانش استادان مختلف نیز در این زمینه بهره ببریم.

از این نظر هم ارتباطاتی که با وجود دکتر میرزایی به وجود آمده است باعث می‌شود که ما بسیار آسان‌تر به هدف همکاری مان با اساتید فن دست پیدا کنیم. به عنوان مثال ما در زمینه‌ی نقطه با استاد کاظم دانش (دانشگاه پیام نور تبریز)، هم‌منظور در دیگر

انگیزه‌ی ما از تولید طرح و نقش تازه به دیدگاه مان نسبت به هنر قالی بافی برمی‌گردد. قالی بافی را نباید یک هنر مجزا از دیگر هنرها دانست. ما برای این که بتوانیم به این معضل غلبه کنیم نه تنها تصمیم گرفتیم از طرح و نقش جدید استفاده کنیم، مصمم شدیم از دانش استادان مختلف نیز در این زمینه بهره ببریم.

زمینه‌های تخصصی از رهنمودهای دکتر مهدی هراتی (فرهنگستان هنر)، دکتر مهدی محمدزاده (دانشگاه هنر اسلامی تبریز)، استاد رحیم چرخ‌چی (دانشگاه هنر اسلامی تبریز)، پروفیسور بکیر دنیز (دانشگاه آکدنیز آنتالیا)، پروفیسور رویا تقی‌اوا (رئیس موزه فرش پاکو)، دکتر یوسف منصورزاده (دانشگاه میراث فرهنگی تهران) و استاد احمد آیتاج (دانشگاه سلجوق قونیه) استفاده می‌کنیم.

ما حتی در مورد خوشنویسی هم که اساتید تبریز از دوران قدیم در خط نستعلیق و شکسته نستعلیق ید طولایی دارند دقت بسیاری داریم و با استاد یونس نصیری یکی از استادان طراز اول ایران همکاری داریم که در کارشان صاحب‌سبک‌اند.

کارایی: با این توصیفات که ارائه کردید به نظر می‌رسد که کارگاه قالیبافی «گلنشان تبریز» تنها به تولید قالی‌های نفیس می‌پردازد. با توجه به این که خواه نا خواه لازم است یک کسب و کار خانوادگی تمامی اعضای خانواده را از جنبه‌ی مالی تا حد معقولی تأمین کند، آیا تولید فرش‌های نفیس می‌تواند چنین امری را ممکن کند؟

میرزایی: تولید ما تنها به فرش‌های نفیس محدود نیست. کارگاه ما در سه

بخش به تولید فرش می‌پردازد. قالی‌های ۳۰ تا ۴۵ رج که زودبازده است و سرمایه و زمان کمتری می‌طلبد. قالی‌های ۴۵ تا ۶۰ رج که از لحاظ زمان و تولید شکیبایی و حوصله‌ی بیشتری را می‌طلبد و تقاضای خاص خودش را دارد. بخش سوم هم تولید قالی‌های نفیس و موزه‌ای با رج‌شمار بالای ۶۰ تا ۱۰۰ رج است. ما با تولید در دو بخش اول و دوم به اداره‌ی کارگاه مان می‌رسیم و با تولیدات دسته‌ی سوم که شامل قالی‌های نفیس است سعی داریم در نشان دادن نفاست قالی ایران و تبریز به جهانیان نقش موثری ایفا کنیم.

کارایی: اعضای خانواده در تولید تمام انواع فرش‌های تولیدی کارگاه دخالت دارند؟ و یا بافت برخی از این قالی‌های رج پائین را بدون دخالت اعضای خانواده انجام می‌دهید؟

میرزایی: تولید این همه قالی از عهده یک خانواده بیرون است بنابراین استفاده از توانمندی قالیبافان ماهر و زحمتکش امری است اجتناب‌ناپذیر. هر سه نوع قالی‌ها را همگی با همکاری هم تولید می‌کنیم. طبیعی است که منافع حاصل هم برای همه است. با کار کردن کنار هم است که می‌توانیم هم به اهداف مادی برسیم و هم به اهداف معنوی مان. قالی بافان را از نظر مهارت و زمان تولید به سه بخش تقسیم کرده‌ایم. روی قالی‌های با رج‌شمار تا ۶۰ رج، روزی دوشیفت ۸ ساعته کار انجام می‌شود. این در حالی است که در مورد قالی‌هایی با رج‌شمار بالای ۶۰ رج، یک تیم مشخص، روزی ۴ تا ۵ ساعت کار، تنها در یک شیفت کار می‌کند تا دوگانگی در بافت ایجاد نشود. به طور کلی در تمامی این تولیدات تمامی اعضای خانواده حضور فعال دارند. البته در کارگاه «گلنشان تبریز» بیش از ۵۰ نفر به طور مستقیم مشغول کارند که همگی شان چه هم‌نام ما باشند و چه نباشند برای ما اعضای یک خانواده‌اند.

گفتگوی اختصاصی نشریه کارایی بانادر علیپور تولیدکننده‌ی فرش

فرش تبریز، فرش نفیسی است

تبریز است که آن را به چیزی که هست بدل می‌کند. به این جهت است که هزینه‌های زیاد تهیه‌ی مصالح مرغوب به نفع فرش تبریز و تولیدکنندگان آن است و نه به ضرر آن.

کارایی: پس تولیدات شما به رغم گرانی مواد اولیه‌ی‌شان به صرفه هستند

علیپور: بله، به صرفه‌اند. ما تولیداتی با کیفیت مناسب تولید می‌کنیم و با قیمت مناسب نیز به مشتریانی که تقاضای کالای با کیفیت دارند ارائه می‌کنیم.

کارایی: آقای علیپور، آنچه که کارگاه شما را در بازار فرش تبریز شاخص کرده است موفقیت‌تان در اداره‌ی کارگاه فرش است که تعداد زیادی بافنده دارد. با توجه به این که بسیاری از فعالین بازار فرش معتقدند که حضور در این بازار به جهت بالا بودن دستمزد بافندگان صرفه‌ی اقتصادی ندارد، دلایل موفقیت‌تان را بفرمایید.

علیپور: من فکر می‌کنم این استدلال چندان منطقی نیست چون بیش از نود درصد هزینه‌های تولید فرش به هزینه‌های مواد اولیه برمی‌گردد و نه به دستمزد بافندگان. البته من این امر را هم به هیچ عنوان به عنوان نقطه ضعفی برای فرش تبریز نمی‌دانم چرا که این حفظ اصالت و کیفیت فرش



کارایی: شاید این اختلاف نظر در مورد به صرفه بودن یا نبودن تولید فرش به نوع فرش تولیدی برگردد. عده‌ای اعتقاد دارند که رقباى تازه به دوران رسیده‌ی فرش ایران و تبریز در بازارهای بین‌المللی، با تولید فرش‌هایی با بافت درشت، بازار فرش را از ما ربوده‌اند. به نظر می‌رسد که منظور آن تعداد از کسانی که معتقدند تولید فرش به صرفه نیست این نوع فرش‌هاست.

علیپور: البته این امر واقعیت دارد. در کشورهایی مثل پاکستان بافندگان در برابر سه وعده غذای روزانه‌ی شان از صبح تا شب فرش می‌بافند. آن هم فرش‌هایی که معمولاً رج‌شان از سی فراتر نمی‌رود. بدیهی است که میزان دستمزد بافندگان در این کشورها با کشور ما بسیار فاصله دارد. نظر شخصی بنده این است که اصلاً فرش تبریز فرش است نفیس. من نمی‌دانم از کدام رقبا صحبت می‌شود. ما اگر حقیقتاً فرش تبریز را تولید کنیم اصلاً چه نیازی هست که با فرش‌های آن‌ها رقابت کنیم. ما باید فرش نفیس خودمان را تولید کنیم.

کارایی: این گرانمایگی از کجا می‌آید؟

یعنی این کدام ویژگی است که هنوز هم توانسته است فرش ما را با فاصله‌ی زیادی نسبت به فرش تولیدی دیگر کشورهای جهان بالاتر نگه دارد؟

علیپور: واقعیت این است که ما در تولید فرش‌های متوسط و رج پائین اشتباهاتی انجام دادیم که باعث از دست رفتن بازارهای جهانی مان در این زمینه‌ها شد. قالی‌هایی با کیفیت پائین مواد اولیه و بافت و رنگ، اعتبارمان را خدشه‌دار کرده است. اما مسأله‌ی اصلی‌ای که باید به آن توجه داشت این است که ما اصلاً چه نیازی به تولید این فرش‌ها داریم؟ نقش و رنگ فرش تبریز آن را کاملاً از سایر فرش‌ها متمایز می‌کند. ما استادانی داریم مثل آقای قره‌باغی که بیش از ده هزار نقشه‌ی فرش طراحی کرده‌اند که الان هم در آرشپوشان موجود است. کدام رقیب ما در جهان چنین سرمایه‌ای را برای

رقابت دارد؟ ما بافندگانی داریم که می‌توانند فرش‌های ریزبافت را به سرعت و با بیشترین کیفیت ممکن ببافند در حالی که این رقبای ما در دنیا هنوز نتوانسته‌اند فرش‌های ریزبافت را تولید کنند. کجای دنیا چنین استعدادی وجود دارد؟ این مسائل است که فرش تبریز و به طور کلی فرش ایران را در موقعیتی غیر قابل رقابت قرار می‌دهد و به آن نفاستی دست نیافتنی می‌بخشد.

کارایی: در این که فرش نفیس تبریز در جهان نظیر ندارد حرفی نیست. اما اگر فرض را بر این بگیریم که قرار است در این بازار هم فعال شده و جایگاه قبلی مان را پیدا کنیم، بالاخره باید مشکلات مربوط به بافت فرش درشت بافت را هم حل کنیم. اهمیت این امر به ویژه وقتی روشن می‌شود که دقت کنیم که فرش‌هایی که در خانه‌های مردم در تبریز و یا در روستاها تک بافی می‌شوند معمولاً ریزبافت نیستند. اما بافت این فرش‌ها همچنان ادامه دارد و خانواده‌ها همچنان این تک بافته‌ها را تولید می‌کنند.

علیپور: همینطور است. این مسأله‌ای است که بیشتر ریشه در تحولاتی

دارد که در مواد اولیه ایجاد شده است. استفاده از مواد اولیه‌ی نامرغوب بزرگ‌ترین مشکل تک‌بافی‌هاست. این مشکل و بیشتر مشکلاتی که در طرح و رنگ پیش می‌آید ریشه در عدم آگاهی بافندگان دارد. اگر بتوان به طریقی اطلاعات لازم حرفه‌ای را به بافندگان انتقال داد بسیاری از این مشکلات حل خواهد شد و کیفیت بالای این فرش‌ها باعث خواهد شد که در بازار جهانی جایگاه‌شان را باز یابند.

کارایی: در این که لازم است اطلاعات را به بافندگان در سطح وسیعی انتقال داد حرفی نیست. اما این که این اتفاق از چه طریقی رخ می‌دهد بسیار مهم است. به نظر شما یکی از راهکارهای این امر حضور دانشگاه در بازار و تعامل این دو نیست؟

علیپور: حتماً همینطور است. اما نه به شیوه‌ای که در حال حاضر اجرا می‌شود. همین حالا ما دانشجویانی داریم که در رشته‌ی فرش دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال تحصیل هستند و به کارگاه‌های ما هم معرفی شده و رفت و آمد دارند. اما در اینجا مسأله‌ی مهمی وجود دارد. اول این که به نظر نمی‌رسد رشته‌ی فرش انتخاب اول بیشتر این بچه‌ها در کنکور بوده باشد و هدف اصلی‌شان از تحصیل در رشته‌ی فرش ادامه‌ی حرفه‌ای این رشته باشد. این مسأله در ذات خودش گسست میان بازار و دانشگاه را مستتر دارد. طبیعی است وقتی اغلب دانشجویان دانشگاه دیدگاهی حرفه‌ای به مسأله نداشته باشند نخواهند توانست ارتباط درستی با بازاری که کاملاً به مسأله به صورت حرفه‌ای نگاه می‌کند داشته باشند.

کارایی: متأسفانه این امر وجود دارد. اما اگر رشته‌ی فرش را در دانشگاه نداشته باشیم پس این رشته به صورت آکادمیک باید در کجا پیگیری شود؟

علیپور: ببینید هدف و یا دست کم یکی از اهدافی که از پیگیری رشته‌ی فرش در دانشگاه باید مد نظر باشد انتقال اطلاعات به کسانی است که به صورت حرفه‌ای در بازار فرش فعالند. از این طریق است که دانشگاه می‌تواند حضوری واقعی و موثر در بازار داشته باشد. منتها این انتقال از طریق کسانی که در دانشگاه دانش آکادمیک دارند اما هیچ تجربه‌ای در بازار ندارند نمی‌تواند چندان مؤثر باشد. من فکر می‌کنم اگر ما می‌توانستیم اطلاعات آکادمیک را به کسانی که در تولید و بازار فرش فعال هستند، به خصوص بافندگانی را که در شهرستان‌های آذربایجان مشغول این کارند منتقل کنیم، دانشگاه می‌توانست نقش و حضور واقعی در بازار فرش پیدا کند.

کارایی: برای اجرایی شدن این امر پیشنهادی دارید؟
علیپور: احتمال بسیار زیادی وجود دارد که بتوان این کار را با تاسیس دانشگاه‌های علمی کاربردی فرش عملی کرد. به این ترتیب حرفه‌ای‌های این صنعت می‌توانند سطح کارشان را به استانداردهای بین‌المللی برسانند و در عین حال دانشگاه نیز با تربیت دانشجویانی که دارای دانش آکادمیک بالایی هستند تأثیر بیشتری بر روی روند تولید فرش در کل ایران بگذارد. البته مسلم است که از میان این دانشجویان هم کسانی خواهند بود که بتوانند وارد بازار حرفه‌ای فرش شده و تأثیرات مثبتی بر جریان تولید فرش در کشور و تبریز بگذارند.



گزارش اختصاصی کارایی از «سمینار تجاری-اقتصادی فرصت‌های کسب و کار میان ایران و آلمان در سایه رفع تحریم‌های بین‌المللی» که در بهمن ماه سال جاری در سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذر بایجان برگزار شد. سخنران این سمینار احمد خوانساری، کارشناس ارشد موسسه بین‌المللی Watson Farely & Williams، یکی از موسسه‌های پیشرو در ارائه خدمات حقوقی و مشاوره‌ای در آلمان است.

مترجم: سونا زندوانی



- نرخ بیکاری (۲۰۱۵): ۶/۵٪ - حدوداً سه میلیون شغل از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی

فرصت‌هایی در بازار آلمان - چرا کشور آلمان؟

- بزرگترین بازار اروپا
- بازار آزاد و باز؛ واجد مولفه‌هایی همچون رفتار برابر، اصل انتقال آزاد سرمایه، بازگشت آزاد سود و خرید رایگان املاک و مستغلات می‌باشد.
- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ ۲۱ درصد سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متعلق به آمریکای شمالی می‌باشد.
- کارگران مجرب؛ مطابق مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۵-۲۰۱۴ بهترین و کارآمدترین فرآیند فن آوری بعد از ژاپن
- بودجه ۸۰ میلیارد یورویی برای تحقیق و توسعه در سال ۲۰۱۳ و بزرگترین حامی تحقیقات در اروپا
- سرمایه‌گذاری کلان در تحقیق و توسعه معادل ۱۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۳؛ به گونه‌ای که پنج شرکت از ده شرکت برتر تحقیق و توسعه اروپا جزو موسسه‌های آلمانی می‌باشند، سهام آلمان از ثبات اختراعات تقریباً دو برابر دو کشور فرانسه و انگلیس می‌باشد، همکاری‌های متعدد در میان موسسات، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها
- وجود زیرساخت‌های عالی؛ این زیرساخت‌ها باعث شده است تا کالاهای بیشتری در آلمان نسبت به سایر کشورها جایه‌جایی شود، آلمان دارای شبکه حمل و نقل متراکم هوایی بسیار متراکمی است و همچنین برمه‌هاون و هامبورگ به عنوان بزرگترین پایانه بنادر کانتینر در اروپا در این کشور قرار دارند.
- اقتصاد پایدار

اهداف و محتوای سمینار

درک فرصت‌های موجود در تجارت ایران-آلمان و فهم نیازها، احتیاجات، چهارچوب قانونی و فعالیت‌های فرهنگی با شرکای تجاری آلمانی به منظور انجام تجارت کارآمد با آلمان

محتوا:

۱. فرصت‌های بازار آلمان
۲. وضعیت نظام تحریم‌ها و تاثیر آن بر تجارت ایران-آلمان
۳. روش‌های ورود به بازار آلمان
۴. موضوع قراردادها
۵. موضوع سرمایه‌گذاری‌ها
۶. بایدها و نبایدها در زمان تجارت با آلمان
۷. گام‌های شروع و انجام تجارت با آلمان

مولفه‌های اقتصاد کلان آلمان

- جمعیت: ۸۰ میلیون نفری - جمعیت کهنسال
- تعداد شرکت‌ها: ۳/۷ میلیون و ۹۹/۶٪ شرکت‌های کوچک و یا متوسط (بنگاه‌های کوچک و متوسط، طبق تعریف کمیسیون اروپا موسسات تجاری هستند که کمتر از ۲۵۰ کارمند می‌باشند)
- مجموع حجم معاملات همه شرکت‌ها (۲۰۱۲): ۶/۱ تریلیون یورو، ۳۵٪
- حجم معاملات شرکت‌های کوچک و یا متوسط
- تولید ناخالص داخلی: ۹/۲ تریلیون یورو
- نرخ تورم (۲۰۱۴): ۰/۸٪

تولید ناخالص داخلی واقعی ۲۸ کشور اتحادیه اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، کمتر از ۱ درصد بوده است در حالی‌که تولید ناخالص داخلی آلمان به تنهایی چیزی حدود ۲ درصد است.

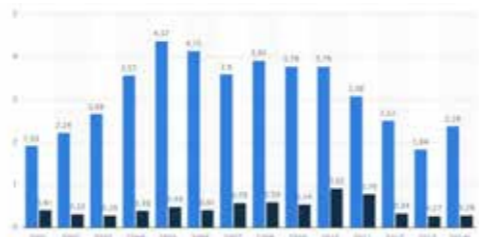
- کشور پیشرو در زمینه صادرات: سهم صادرات آلمان ۳۹ درصد است و مقصد ۶۶ درصد از صادرات این کشور، سایر کشورهای اروپایی است.

- وجود صنایع متنوع

سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آلمان در فاصله بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰

- ۴٪ فلزات، معادن، انرژی
- ۴٪ خودرو
- ۵٪ مراقبت‌های بهداشتی، دارویی، بیوتکنولوژی
- ۵٪ حمل و نقل، انبار کالا و تدارکات
- ۵٪ سایر صنایع
- ۷٪ الکترونیک و نیمه‌رساناها
- ۸٪ مواد شیمیایی، پلاستیک و کاغذ
- ۸٪ کالاهای مصرفی (مواد غذایی و نوشیدنی‌ها)
- ۱۰٪ نساجی
- ۱۱٪ ماشین‌آلات صنعتی و تجهیزات
- ۱۵٪ خدمات مالی و تجاری
- ۱۸٪ فن آوری ارتباطات و اطلاعات و نرم افزار

حجم تجارت خارجی (میلیارده یورو)



رنگ آبی نشان دهنده صادرات کشور آلمان به ایران
رنگ سرمه‌ای نشان دهنده واردات آلمان از ایران.

عواملی که تجارت با آلمان را جذاب می‌کند:

- تکنولوژی
 - سابقه و مهارت
 - نام تجاری
 - توانایی جهانی کردن کسب و کار بواسطه تجارت با آلمان
 - امنیت دارایی‌ها
 - دسترسی به ارز خارجی
 - دسترسی به منابع مالی
 - اعطای برخی کمک هزینه‌ها و یارانه‌ها؛
- در این کشور، بسته‌های متعدد تشویقی برای شرکت‌های کوچک و متوسط توسط دولت آلمان و هر یک از دولت‌های فدرال و اتحادیه اروپا اعطا می‌گردد. این بسته‌ها مشتمل بر موارد زیر می‌گردد: مشوق‌های نقدی که میزان آن نسبت به مناطق مختلف در آلمان متفاوت است، اعطای وام، به عنوان مثال وام‌های کارآفرینی توسط بانک توسعه فرانکفورت KfW و ارائه ضمانت‌های عمومی و اوراق بهادار، مشوق‌های مربوط به توسعه و ترویج آموزش و همچنین یارانه برای دستمزد کارکنان بنگاه‌ها، مشوق‌های مربوط به هزینه‌های تحقیق و توسعه.

تحریم‌ها

آیا همه تحریم‌ها از میان برداشته شده‌اند؟

- تحریم‌های آمریکا

تحریم‌های اولیه ایالات متحده آمریکا غالباً بدون تغییر مانده‌اند. البته استثناهایی نیز وجود دارند. این استثناها عبارتند از مجوزهای خاص برای فروش هواپیماهای تجاری و مجوزهای عمومی برای واردات فرش‌های خاص ایرانی و مواد غذایی. اما تحریم‌های ثانویه به طور قابل ملاحظه‌ای برداشته شده‌اند و بیش از ۴۰۰ نام از لیست تحریم‌ها حذف شده است. از این روی، تحریم‌هایی که بخش‌های خاصی از قبیل انرژی، حمل و نقل، بیمه، خودرو و بانک‌داری را هدف قرار داده بودند برداشته شده‌اند.

ملاحظات مرتبط با اشخاص غیر آمریکایی

برخی ملاحظات و محدودیت‌ها در ارتباط با افراد غیر آمریکایی همچنان پابرجاست از جمله حساسیت‌هایی که در ارتباط با معاملات صورت گرفته با دلار آمریکا وجود دارد. همچنین صادرات محصولات آمریکایی از طریق کشور ثالث و قوانین موجود در زمینه پول شویی هم جزو این ملاحظات می‌باشند.

- تحریم‌های اتحادیه اروپا

عمده تحریم‌های اتحادیه اروپا که در رابطه با انرژی هسته‌ای وضع شده بود، مرتفع شده است. در همین راستا نام بسیاری از افراد ایرانی، نهادها و بانک‌ها از لیست تحریم حذف شده، فعالیت‌های مرتبط با پتروشیمی، حمل و نقل، بیمه و فلزات مجاز شمرده شده، انتقال وجوه نیازی به اطلاع‌رسانی یا کسب مجوز ندارد و همچنین محدودیت‌های مرتبط با سوئیفت نیز مرتفع شده است.

البته تمامی تحریم‌ها و محدودیت‌های اتحادیه اروپا برداشته نشده است و هنوز برخی محدودیت‌ها پابرجاست از جمله باقی ماندن نام برخی افراد و نهادها در لیست تحریم‌ها، باقی ماندن برخی تحریم‌های اتحادیه اروپا و نیاز به مجوز قبلی برای کالاهایی با کاربرد دوگانه.

پیامدهای تغییرات اخیر

بسیاری از موانع برداشته شده‌اند و اکنون فرصت‌های جدید بسیاری وجود دارند. از طرفی طرف آلمانی بایستی، دغدغه‌های طرف ایرانی را برطرف نماید. از نقطه نظر آلمانی‌ها ملاحظات مربوط به محدودیت‌های باقی مانده، حتماً در توافق نامه‌ها و قراردادها منعکس خواهد شد. همچنین شرکت‌های آلمانی که بخشی از سهام آن‌ها مربوط به آمریکایی‌هاست، ناچارند از قوانین ایالات متحده آمریکا در معاملات بین‌المللی تبعیت کنند. موسسات مالی این کشور هم با توجه به برخی محدودیت‌های باقی مانده، با احتیاط بیشتری وارد مشارکت خواهند شد.

ورود به بازار آلمان، چگونه؟

در قالب‌های زیر می‌توان به بازار آلمان ورود کرد:

- کارگزار مالی

- سرمایه‌گذاری مشترک با شریک آلمانی

- به عنوان شعبه‌ای از یک شرکت دیگر

- به عنوان شعبه یک شرکت آلمانی که می‌تواند مشتمل بر موارد زیر گردد: شرکت‌های با مسئولیت محدود، شرکت با مسئولیت محدود کوچک، شرکت‌هایی با سهام محدود، شرکت‌هایی با مشارکت محدود

شرکت‌هایی با مسئولیت محدود

در آلمان به شرکت‌های خصوصی با مسئولیت محدود، که دست کم با سرمایه ۲۵۰۰۰ یورو ایجاد می‌شوند GmbH گفته می‌شود. این سرمایه می‌تواند برای اهداف شرکت استفاده شود، و بایستی توسط یکی از سهام‌داران سرمایه‌گذاری شود. شرکت‌هایی با مسئولیت محدود می‌توانند یک مدیر عامل و یا بیشتر داشته باشند و ثبت رسمی برای این شرکت‌ها مورد نیاز است. شرکت با مسئولیت محدود کوچک



تاسیس این شرکت ها نیازمند حداقل ۱۰۰ یورو سرمایه و صرفاً به صورت نقدی می باشد.

شرکت هایی با سهام محدود

تاسیس این شرکت ها نیازمند حداقل سرمایه ۵۰۰۰۰ یورو می باشد، در این شرکت ها بایستی یک هیات نظارت نیز حتماً وجود داشته باشد.

برخی از موارد بایستی در تاسیس تمامی شرکت ها در آلمان در نظر گرفته شوند، این موارد عبارتند از در نظر گرفتن یک محل کار که آدرس آن در مستندات قید شود، ایجاد حساب بانکی، اخذ اجازه اقامت یا ویزای تجاری، بهره مندی از مشاور مالیاتی و اخذ مجوز فعالیت در زمینه برخی فعالیت های خاص از جمله خدمات مالی یا دارویی.

مالیات

قبل از ورود به بازار آلمان، بایستی قوانین و مقررات مربوط به نظام مالیاتی در آلمان و معاهده های مالیاتی میان ایران و آلمان به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد.

ترکیب و ادغام

مسائل مربوط به قراردادها در آلمان:

لزوم وجود تفاوت میان مراحل پیش از امضاء و پس از آن:

- مرحله پیش از امضاء:

عملکرد خوب در این مرحله سرعت و اعتبار زیادی به امور می بخشد. در این مورد بایستی، مسائل کلیدی و مراحل فرایندی را مورد توجه جدی قرار دهید. مستندات مربوط به دارائی های نقدی بایستی تهیه و تدوین شود. انحصار از دیگر مواردی است که بایستی پیش از عقد قرارداد در تدوین آن مورد توجه قرار می گیرد. همچنین نحوه پوشش هزینه ها یا جبران خسارت های احتمالی، محرمانگی و تدوین چارچوبی برای موارد استثنائی نیز در این مرحله بایستی مورد توجه قرار گیرد. از دیگر الزامات این مرحله، تدوین بندهای الزام آور و غیرالزام آور، تدوین طرح تجاری و تعیین شریک تجاری و نماینده قانونی وی می باشد.

مرحله امضاء:

در این مرحله بایستی مسئولیت های ویژه و وظایف و تعهدات مورد توجه قرار گیرد. نبایستی از شرح و بسط مواردی که ممکن است در آینده محل اشکال باشد، اجتناب کرد و لازم است کلیه موارد با جزئیات مبسوط قید گردند، چرا که حل و فصل کلیه مسائلی که می تواند در آینده مشکل ساز باشد، راه را برای همکاری بهتر هموار می نماید.

از دیگر مواردی که لازم است در مرحله امضاء قرارداد مورد توجه قرار گیرد،

تسهیم سرمایه و مسائل مربوط به آن از جمله آورده های نقدی و ارزش مورد مبادله می باشد.

از دیگر موارد مهم در مرحله امضاء قرارداد، درجه حفاظت یا کد آی پی، تعیین مدیر شرکت یا پروژه و همچنین زبان تعاملات تجاری است.

موارد مهم دیگری که لازم است در مرحله امضاء قرارداد، مد نظر قرار گیرد، عبارتند از: مسائل مربوط به گزارش دهی و تعهدات مرتبط با تبادل اطلاعات دو طرفه، تعهدات مربوط به عدم رقابت فی مابین، اعطای نمایندگی و ضمانت ها، استانداردها و محدودیت های تعهد دو طرفه، به کارگیری کارکنان و تدوین قراردادهای فرعی، ابزارهای ارتباطی، مدت زمان قرارداد، نحوه اتمام قرارداد، لحاظ نمودن وقایع غیر مترقبه، مسائل امنیتی، محرمانگی، قوانین حاکم بر قرارداد و مسائل مربوط به حل اختلاف.

باید ها و نباید های کسب و کار با آلمان

به منظور برقراری ارتباط کارآمد تجاری با یک شریک آلمانی لازم است صریح و شفاف باشید، برای زمان بندی اهمیت فوق العاده ای قائل باشید و بدانید که زمان با بهره وری ارتباط جدی دارد، یک دارائی با ارزش محسوب می شود و همچنین ضرب الاجل ها بسیار اهمیت دارند.

استفاده از تکنولوژی مدرن نیز واجد اهمیت فراوان است، لزومی ندارد که برای هر تعاملی از ارتباط چهره به چهره و رو در رو استفاده کنید.

تفویض امور و اختیارات هم از موارد با اهمیت و قابل توجه دیگر است.

همچنین تعیین زبان ارتباط، مستندسازی فرایندها و امور و پاسخگوئی و در دسترس بودن هم از ابدهای مهم دیگر در برقراری یک رابطه پایدار تجاری با شرکی آلمانی است.

گام های شروع و انجام تجارت با آلمان

۱. تعیین اهداف
۲. تهیه و تدوین یک پرو فایبل از شرکت
۳. برقراری ارتباط با موسسات ذیربط (از قبیل اتاق بازرگانی ایران - آلمان) و ایجاد یک شبکه ارتباطی
۴. تعیین شرکای مناسب تجاری
۵. نهائی کردن مفاد مهم در یادداشت نامه های تفاهم
۶. تشکیل تیم اجرایی و تخصیص وظایف
۷. استفاده از مشاوران خارج از سازمان
۸. انجام فرایند به شکلی شفاف و متمرکز
۹. تهیه و تدوین شرایط امضا و خاتمه قرارداد

گزارش اختصاصی کاریابی از سخنرانی محسن رنانی اقتصاددان برجسته کشور در سمینار اقتصادات و الزامات برنامه ریزی در ایران بدون نفت که در دی ماه سال جاری در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان با مشارکت سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی برگزار شد.

ما باید سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین تولید کنیم



از خدا می خواهیم ما حفظ ادب کلام، ادب علم و ادب حضور، سخن را آغاز کنیم و با حفظ این آداب سخن را به پایان ببریم به گونه ای که در انتها چیدمان انگاره های ذهنی ما تغییر محسوسی کرده باشد. بسیار خرسندم که در محضر سروران گرامی، فعالین اقتصادی استان، دانشجویان و فعالین اجتماعی هستیم، در محضر علاقه مندان به توسعه ای این آب و خاکیم تا در باب چند سال توسعه ای کشورمان و خطاهایی که در این چند زمینه کردیم گفت و گو کنیم شاید در ادامه ای راه بتوانیم بهتر حرکت کنیم. اجازه بدید سخن رو با این پرسش آغاز کنیم توسعه چیست؟ آیا داشتن منطقه ی آزاد توسعه است؟ آیا انرژی اتمی نماد توسعه است؟ آیا داشتن خودروسازی به مثابه توسعه است؟ آیا داشتن فرودگاه، بزرگراه های شیک، ساختمان های بلندمرتبه، داشتن فناوری های مدرن نماد توسعه هستند؟ و اگر توسعه نیستند، پس توسعه چیست؟ به گمانم این سوالی است که ما صد ساله است پاسخ نداده ایم. ما هنوز نمی دانیم که آیا اساساً توسعه می خواهیم یا نه. آنچه مسلم است در طی سال های اخیر شاخص های توسعه ای ما تغییر چندانی نکرده است البته برخی مظاهر توسعه یافتگی را داریم، که این ها به خاطر وجود نفت است.

توسعه تحولی است که از اندیشه شروع می شود. از مغز شروع می شود و تا در مغز تحول روی ندهد، اتفاقی نخواهد افتاد. هر چه هم در عالم واقع اتفاق بیفتد، قیافه ها و ظاهرها نو شود، توسعه روی نخواهد داد. بنابراین اگر ما رشد کنیم، به معنای رشد اقتصادی، ولی توسعه پیدا نکنیم، این امر خطرناک است. عربستان دارای رشد اقتصادی است اما این رشد که در غیاب نوزایی در اندیشه روی داده است، داعش را پروراند است. در آلمان ۵ برابر کشور ایران اتومبیل وجود دارد، جمعیت این کشور هم با جمعیت کشور ما برابر است اما کل قربانیان رانندگی در این کشور ۳ هزار درصد است. در مقابل در ایران یک پنجم آلمان اتومبیل وجود دارد اما در سال، ۲۰ هزار نفر در اثر سوانح رانندگی کشته می شوند. یعنی اگر آلمانی ها به شرایط ما مبتلا بودند بایستی ۱۰۰ هزار کشته میدادند. از طرفی توسعه نیافتگی یعنی فقدان تحمل. این که ما تحمل نداریم که در حین رانندگی یک متر عقب تر بایستیم یا به یک نفر راه بدیم، این یعنی توسعه نیافتگی.

ژیسکاردستن رئیس جمهور فرانسه در سال ۱۳۵۵، به ایران مسافرت کرد که البته این سفر، سفر بدی برای شاه بود چون طی این سفر، ژیسکاردستن با شاه به اختلافات جدی برخوردند و چند ماه بعد از برگشت وی، انقلاب به پیروزی رسید ژیسکاردستن جزو رهبران غربی بود که طرفدار سقوط شاه بودند اما به هر روی در

جریان سفر وی به ایران، شاه شخصاً به استقبال او رفت. مسیر بازگشت از فرودگاه به کاخ، از طریق خیابان های شیک و تمیز انتخاب شده بود که هم در آنها جدول گذاری شده بود و هم گل کاری صورت گرفته بود. آن روزها مقارن با زمانی بود که کتاب «به سوی دروازه های تمدن بزرگ» شاه، منتشر شده بود و شاه داخل اتومبیل در خصوص این کتاب و ایده های آن با ژیسکاردستن صحبت می کرد. او در این کتاب از این که قرار است ایران ۱۰ سال دیگر به ژاپن تبدیل شود، سخن رانده بود. ژیسکاردستن در پاسخ به شاه می گوید: عذر خواهی می کنم اعلی حضرت، فکر نمی کنید این طرح ها برای جامعه ای که مجبور است دور گل های خیابان ها زنجیر کشی کند، زود است؟ به نظرم ژیسکاردستن سوال دقیقی را طرح می کند. آیا جامعه ای که در آن لازم است دور چمن و دور گل های خیابان نرده کشید، اساساً به گل نیاز دارد؟ بی معنی است که گل را با هزینه تمام شده ۱۰ هزار تومان بکارید و سپس ۲۰۰ هزار تومان هزینه نرده کشی دور آن نمایید. با این کار هم گل حرام می شود و هم نرده. بهتر نیست نه گل بکارید نه نرده؟ می شود جمع پولی که برای این کار صرف می کنید را در جای دیگری به مصرف برسانید. این مثال به طور دقیقی شکاف توسعه را نشان می دهد. حریم گل بایستی در ذهن ما شکل بگیرد به طوری که زمانی که ما گل را می بینیم به آن نزدیک نشویم. توسعه محدودیت ها را از دنیای خارج به دنیای ذهنی ما منتقل می کند. توسعه عبارت است از ذهنی شدن نرده ها، نرم افزاری شدن نرده ها و فکری شدن نرده ها. به نظرم اصلاً تناژ نرده هایی که به ازای هر یک نفر آدم در این مملکت وجود دارد، شاخص خوبی برای توسعه یافتگی است. هر چه در کشوری سرانه ای کاربرد نرده بیشتر باشد، یعنی شاخص توسعه یافتگی پایین تر است. داستان خیلی ساده است. یعنی وقتی نرده ای وجود ندارد، بدین معنی است که ما خود حریم ها را رعایت می کنیم. توسعه همانند رشد یک شخصیت انسانی است. ما به بلوغ می رسیم، برای به بلوغ رسیدن باید جسم ما رشد کند ولی همزمان با جسم ما بایستی شخصیت ما، روح ما و فکر ما نیز رشد کند. توسعه ای اجتماعی یعنی اینکه روح و شخصیت ما نیز به موازات فیزیک ما که عبارتست از اقتصاد، رفاه، صنایع، خیابان ها، جاده ها و فرودگاه ها رشد کند. در این صورت توسعه رخ خواهد داد. در غیر این صورت صرفاً پیشرفت رخ داده نه توسعه. توسعه ما هستیم، نه تجهیزات و ساختمان ها و ابزار آلات. توسعه یعنی تغییر آدم ها، نه تغییر خیابان ها. دقیقاً همان گونه که چنانچه انسان به لحاظ جسمی بزرگ شود اما به لحاظ عقلی کوچک بماند، وضعیت خطرناکی رقم می خورد، اجتماع نیز به همین

ترتیب می باشد. جامعه ای که رشد می کند، پیشرفت پیدا می کند، اما رفتارهای اجتماعی و افکار و عادات مردم تغییر نمی کند، جامعه ی خطرناکی است و بایستی از آن ترسید. ماشین در این جامعه نیاز به سرعت گیر دارد. نیاز به پلیس دارد، نیاز به زنده و دوربین دارد و گرنه وضعیت خطرناکی رقم خواهد خورد. اگر بارشد اقتصادی عوض نشویم، رشد پرهزینه و گران می شود. ما چاه های نفت خود را تخلیه کرده ایم، رشد کرده ایم ولی رشد ما گران تمام می شود. برای این رفاهی که هم اکنون به آن دست یافته ایم، پنج برابر آنچه که لازم بوده است را خرج کرده ایم. چرا؟ چون ما عوض نشده ایم. این پول اضافی خرج چه چیزی شده؟ کنترل همدیگر و کنترل خطرات همدیگر.

همه ی ما برای اینکه اقتصاد راه بیفتد و کشور کار کند، باید صبح سر کار برویم. هزینه ی سر کار رفتن چقدر است؟ علی الاصول این هزینه بایستی نیم لیتر بنزین یا یک بلیط اتوبوس یا یک بلیط مترو باشد و نه بیش از این. اما ما برای سرکار رفتن باید مبلغ قابل توجهی را در آغاز هر سال به عنوان عوارض از بابت هزینه‌های خط کشی، زرده کشی و نصب سرعت گیر به شهرداری پرداخت کنیم. شهرداری این پول ها را از ما می گیرد و برای خود ما خرج می کند. چون بلد نیستیم رانندگی کنیم هزینه مضاعفی می پردازیم. یک هزینه هم مربوط به عوارض شهرداری است که مصروف نصب سرعت گیر می شود و په هزینه هم مربوط به استهلاک اتوموبیل هایمان است که در مواجهه با این سرعت گیرها به وجودمی آید. به خاطر اینکه توانایی نداریم نیم سانت

کت

کمتر گاز بدیم، این هزینه‌ها را متقبل می شویم. البته این نیم سانت کمتر گاز دادن خیلی قدرت و تحمل می خواهد این‌ها توانمندی های بسیار بزرگی است که در فرایند توسعه باید کسب کنیم اما کسب نمی کنیم و کسب نکردیم. بخشی از این مساله به خانواده برمی گردد، بخشی از آن به مدرسه به خانواده باز می گردد و بخشی از آن به حکومت باز می گردد. بنابراین توسعه امر پیچیده ای نیست. توسعه نرم افزاری و ذهنی نیست و چندان به مسائل عالم بیرون ارتباط پیدا نمی کند. پول نقد صرفاً پیشرفت می آورد همانگونه که برای عربستان آورده است اما توسعه چیز دیگری است. برنامه های ۵ ساله توسعه به غلط اسم برنامه ی توسعه را بر خود دارند. برنامه های ۵ ساله، برنامه کارخانه هاست و پتروشیمی ها و پالایشگاه ها و فرودگاه ها و جاده ها. این برنامه ها ربطی به توسعه ندارد و برنامه های رشد است. در کدامیک از برنامه های توسعه ای ما در خصوص تحول انسان ها مطلبی نوشته شده است؟ مثلاً

در خصوص اینکه برنامه ریزی انجام دهیم تا در ۵ سال آینده، ۱۰ درصد کمتر دروغ

بگوئیم، و یا مثلاً متوسط سرعت مان در جاده‌ها ۱۰ درصد کاهش پیدا کند. مرحوم عظیمی در جریان تدوین برنامه‌ی تعادل که بیش از ۴۰،۳۰۰ تیم آن را همراهی می کرد، سرمایه ی اجتماعی را هم مورد توجه قرار داد. همین باعث شد تا ماده ی ۹۶ ام تدوین شود و دولت موظف شد تا سالانه سرمایه‌ی اجتماعی را اندازه گیری و رصد کند، در این خصوص گزارش ارائه کند و برای ارتقای آن گزارش بدهد. اما این کار صورت نمی پذیرد. به‌طور خلاصه اگر بخواهیم توسعه را به یک کارخانه شبیه بدانیم، که در نهایت قرار است دو محصول ارائه کند: رفاه و رضایت. ورودی آن انسان‌ها، پول، سرمایه، و آموزش است اما در نهایت انتظار داریم که محصول این کارخانه رفاه و رضایت باشد. رفاه یعنی سوار بر اتوبوس گرم و نرم و مدرن و امنی هستید و رضایت هم یعنی اعصاب شما راحت باشد و با عالم و آدم دعوا نکرده باشید. کارخانه توسعه برای تولید این دو محصول دو خط تولید دارد: یک خط تولید رفاه تولید می کند، یک خط تولید رضایت. دقیقاً همانند کارخانه‌ی ایران خودرو، به عنوان مثال، یک خط تولید باید شاسی را آماده کند، اتاق را سوار کند، موتور نصب کند تا ماشین آماده حرکت شود. اما اگر یک خط تولید دیگر بر روی ایمنی، کنترل و هدایت آن کار نکنند، ممکن است وضعیت خطرناکی رقم بخورد. این ماشین ظاهرآ می تواند با سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت هم حرکت کند اما اگر بر روی ایمنی این اتوموبیل کار نشده باشد، وضعیت بسیار خطرناکی رقم خواهد خورد. توسعه هم دقیقاً بدین ترتیب است. یکی از خطوط تولید در کارخانه توسعه سرمایه گذارِیست، که همان پتروشیمی و فولاد

است که از دل آن رفاه درمی آید اما اگر خط تولید دیگر کار نکند و این ها را ایمن نکند، رفتارهای ما را اخلاقی نکند، ما را به انسان‌های بهتری تبدیل نکند و رفتارهای ما را قابل کنترل ننماید، بدین معنی است که خط تولید دوم که مسئول خلق رضایت است، خوب کار نمی کند. پس توسعه دو بعد دارد: بعد رفاهی اقتصادی، که بیشتر فیزیکی، مادی و مبتنی بر فناوری است و بعد فرهنگی رفتاری. بعد مادی اقتصادی که رفاه را می آفریند و بعد فرهنگی رفتاری که رضایت را در اختیار ما قرار می دهد. در انتها رضایت و رفاه با هم ترکیب می شوند و توسعه رخ می دهد. پس خط تولید رفاه، خط مادی، اقتصادی، فیزیکی و خط تولید رضایت، خط رفتاری و فرهنگی، تحول رفتاری و فرهنگی است. این بعد مادی و فیزیکی مدرنیزاسیون (نوسازی) نام دارد و بعد فرهنگی رفتاری، مدرنیته (نوگرایی). پس مدرنیزاسیون یعنی بیرون نو بشود و مدرنیته یعنی درون نشود. مدرنیزاسیون یا نوسازی یعنی فیزیک نشود اما مدرنیته یا نوگرایی یعنی ذهن نو می شود. توسعه یک تحول رفتاری است که باید خیلی تدریجی و آرام آرام در وجود ما بیالد. در سال‌های بعد از انقلاب تمام توجه ما به بعد فیزیکی و مادی بوده است. اصلاً از نقطه‌ی صفر دنیای مدرن یعنی از زمان امضای قانون اساسی مشروطیت، که ما وارد دنیای مدرن شدیم، همین گونه بوده است. تفاوت دنیای مدرن و دنیای ماقبل مدرن در چیست؟ در دنیای ما قبل مدرن رابطه حکومت کننده و حکومت شوندگان براساس سنت‌ها و پیوندهای قبیله ای است اما در دنیای مدرن رابطه‌ی حاکم و مردمان و شهروندان براساس قرارداد اجتماعی،

قانون اساسی و حق نظارت شهروندان است. ما با فرمان مشروطیت در واقع وارد دنیای مدرن شدیم. در اردیبهشت ۱۲۸۴ فرمان مشروطیت صادر می شود و تنها دو سه ماه پس از آن در مرداد ۱۲۸۴ اولین چاه نفت ایران در مسجد سلیمان فوران می کند. این بخش همان طالع تیره و تار ماست. دولت مدرن وقتی در ایران پیدا شد و ما زمانی وارد دنیای مدرن شدیم که نفت هم کشف شد. یعنی هنوز ما تغییر نکرده بودیم که جیب هایمان پر از پول شد. بنابراین رفتارهای مادقیقاً مشابه رفتار آدم‌های تازه به‌دوران رسیده است. این مساله در صنعت و جاده سازی است. عدلیه، نظمیّه و آموزش و پرورش همه از نهادهای دوره‌ی مدرن است. رضا شاه عدلیه تاسیس می کند اما اولین رئیس عدلیه را در زندان می کشد. نظمیّه تاسیس می کند اما اولین رئیس نظمیّه را نیز در زندان شکنجه می کند. چرا این تعارض ها رخ می دهد چون پول نفت وجود دارد. پیدایش و اکتشاف نفت در موقع بسیار بدی بوده است. اگر نفت ۳۰ یا ۴۰ سال بعد از آن در ایران

اکتشاف شده بود، داستان بسیار متفاوتی رقم می خورد. تغییرات تدریجی تر، آرام تر و بهتر به وقوع می پیوست.

برای اینکه هر دو خط تولید کار کند، هم خط تولید رفاه، و هم خط تولید رضایت، ما حداقل نیازمند ۴ نوع سرمایه هستیم. اما من بایستی پیش از پرداخت به این ۴ نوع سرمایه، توضیح دهم که منظورم از سرمایه چیست. سرمایه با ثروت و دارایی متفاوت است. دارایی مشتمل بر آن مواردی است که ما صاحب آن ها هستیم اما به درد ما نمی خورند؛ نه می توانیم بواسطه وجود آن‌ها لذت و رفاه به دست آوریم و نه می توانیم از این دارایی ها تولید و ارزش خلق کنیم. به عنوان مثال خانه ای که از والدینمان به ارث می رسد اما وراث بر سر آن اختلاف دارند به طوری که نه آن را می فروشند و نه برای هیچ یک از وراث قابل استفاده است، این دارایی به درد نمی خورد. بنابراین دارایی عبارتست از داشته هایی که نه خلق رفاه می کنند و نه خلق تولید و ارزش. اما اگر خانه ای که به ما ارث رسیده، قابل فروش یا قابل سکونت باشد، دارایی ما به ثروت تبدیل می شود. چنانچه بتوانیم خانه مورد بحث را به فروش برسانیم و پول حاصل از فروش را وارد کار تولید، تجارت، بورس. و به طور کلی کسب و کار و خلق ارزش کنیم، آن پول به سرمایه تبدیل می شود. اما نکته این است که ما بخش بزرگی از زندگی خود را با صرف نگهداری دارایی ها می کنیم و یا صرف کسب ثروت. در حالی که مهم، داشتن سرمایه است. یکی از مشکلات ما ایرانی ها این است که سرمایه اصلی که خود هستیم را نادیده می انگاریم، خود ما، توانایی هایمان، روح مان و عمر مان را با صرف نگاه داشتن دارایی ها می کنیم و یا صرف کسب ثروت.

در حالی که آن چه که صرف این دو مورد می گردد، خود سرمایه است و می توان از آن ارزش خلق کرد. درحالی که این دارایی است که بایستی به ثروت تبدیل شود و ثروت به سرمایه.

اما ما برعکس، سرمایه را به ثروت تبدیل می کنیم، و ثروت را به دارایی. همان طور که گفتم سرمایه آن چیزی است که از قبل آن ارزش، سود و منفعت تولید می شود. سرمایه البته ویژگی های دیگری هم دارد از جمله این که بایستی مستهلک شود. به عنوان مثال می توان اتومبیل را به مثابه سرمایه محسوب کرد چرا که ۲۰ سال مورد استفاده قرار می گیرد و بعد از بین می رود، استهلاک آن نیز کم است. سرمایه ها، سرمایه های دیگر را به سمت خود جلب می کنند. بدین ترتیب با داشتن سرمایه اقتصادی، می توان سرمایه‌های دیگری همچون سرمایه علمی و سرمایه‌ی سیاسی را هم کسب کرد.

از دیگر ویژگی ها سرمایه، این است که سرمایه ها قابل انباشت و قابل ذخیره سازی اند. پس هر چیزی از این جنس بود، می تواند سرمایه محسوب گردد. آبرو سرمایه است، اعتبار سرمایه است، شهرت سرمایه است، علم سرمایه است، رفاقت سرمایه است، پول هم سرمایه است.

با این توضیحات می خواهیم در مورد چهار سرمایه که در مورد آن صحبت کردم، توضیح دهم. برای این که دو خط تولید توسعه، یعنی رفاه و رضایت به خوبی کار کنند، چهار سرمایه مورد نیاز است: سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی برای خط تولید رفاه، و سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین

برای خط تولید رضایت.

همانطور که گفتم خروجی خط تولید رفاه، کارخانه، جاده، فرودگاه و فن آوری است که دسترسی به این ها، مستلزم سرمایه اقتصادی و سرمایه‌ی انسانی است.

و اما برای تولید رضایت هم دو سرمایه اجتماعی و نمادین لازم است. سرمایه اجتماعی چیزی است که وقتی با یکدیگر به صورت معنوی جمع می شویم، وجود دارد. به عنوان مثال رابطه دو دوست، همکاری در قالب یک حزب، مشارکت در امور خیریه، همه و همه نشان دهنده وجود یک سرمایه اجتماعی است. اعضای یک کوچه را در نظر بگیرید، چنانچه این افراد در هنگام مواجهه با یکدیگر به زور به هم سلام کنند، این بدین معنی است که سرمایه اجتماعی وجود ندارد. سرمایه اجتماعی هم جزو مواردی است که می تواند به پول یا منفعت مالی تبدیل شود. به عنوان مثال، من می خواهم برای فرزندم جشن عروسی بگیرم

اما چون خانه من کوچک است، نمی توانم و بایستی پول خرج کنم و جشن را در تالار عروسی برگزار کنم. اما وقتی که با همسایه و دوستان خود ارتباط خوبی دارم، می توانم جشن عروسی فرزندم را در خانه آنها برگزار کنم. پس این رفاقت، تر جمان مالی پیدا می کند. پس سرمایه اجتماعی بین من و همسایگان، برای من منفعت مالی در پی دارد. سرمایه اجتماعی یعنی قانون گرایی، دوستی، اعتماد، مشارکت مدنی، تشکیل نهادهای مدنی، نهادهای دوستدار محیط زیست، راه اندازی حزب، راه اندازی بنیادهای خیریه، همکاری، همیاری، مدارا، و قبول اینکه دیگران حق دارند متفاوت از ما ببیندشند، متفاوت از ما زندگی کنند، متفاوت از ما بپوشند، متفاوت از ما زندگی کنند. اصلاً مدارا سرمایه اجتماعی بسیار مهمی است به طوری که جامعه‌ای که مدارا ندارد، سرمایه‌ی اجتماعی ندارد. نشاط، شادی، سرود محلی، سرود ملی، رقص های قومی، موسیقی قومی، آواز قومی همه و همه سرمایه اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی در واقع آن چیزی است که ما را به هم گره می زند و ما را کنار هم نگه می دارد.

همان گونه که گفتم خط تولید رفاه، هم نیازمند سرمایه اجتماعی است و هم نیازمند سرمایه نمادین.

و اما سرمایه نمادین (Symbolic Capital)؛ سرمایه نمادین بدین معناست که هر کدام از سرمایه های موجود در یک کشور از جمله سرمایه های اقتصادی، سرمایه های انسانی و سرمایه اجتماعی آنقدر به شهرت توام با احترام و افتخار می رسند که حالت نمادین به خود می گیرند. البته این شهرت توام با افتخار، مقدس نیست. فرق

کاریز ماها و شخصیت های کاریز ماتیک، با سرمایه های نمادین این است که کاریز ماها مقدس هستند، اما سرمایه های نمادین مقدس نیستند اما احترام همه را جلب می کنند. به عنوان مثال یک ساختمان در یک منطقه به گونه ای احداث می شود که نظر همگان را به خود جلب می کند همانند برج العربیه در دبی. این سازه با همان سیمانی ساخته شده است که سایر ساختمان ها هم با همان سازه ساخته می شوند. اما طراحی این برج به گونه ای بوده است که پوستر آن در همه جانصب می شود. این برج برای امارات متحده عربی یک سرمایه اقتصادی است که موجب افتخار است و به عنوان نماد دبی مطرح می شود. احتمالاً همه ما عکس اپرای سیدنی را دیده ایم. این ساختمان در کنار اقیانوس احداث شده اما نحوه ساخت آن به گونه ای است که مردم به محض دیدن آن، می فهمند که آن مکان سیدنی است. پس در آن جا سرمایه اقتصادی به سرمایه نمادین تبدیل شده است. به عنوان مثال، تخت جمشید یک سرمایه فرهنگی است که هم اکنون به یک سرمایه نمادین تبدیل شده است. افرادی که جزو سرمایه های انسانی محسوب می شوند، زمانی که به مرز شهرت و افتخار می رسند، به سرمایه نمادین بدل می شوند. به عنوان مثال، استاد فرشچیان که یک سرمایه انسانی است. چون به مرز شهرت رسیده، برای ایرانیان به یک سرمایه نمادین تبدیل شده است. همینطور شهریار و شجریان. سرمایه های اجتماعی هم می توانند به سرمایه های نمادین تبدیل شوند از جمله مراسم نوروز و سیزده بدر. این که در نوروز دور یکدیگر جمع می شویم، گفت و گو می کنیم، رفاقت می کنیم، کدورت ها را کنار می گذاریم، عید دیدنی می رویم، این ها سرمایه اجتماعی ماست. اما الان نوروز در عین حال به یک سرمایه نمادین نیز برای ما تبدیل شده است.

در روز عاشورا همه دور هم جمع می شویم، همکاری می کنیم و به یکدیگر کمک می کنیم. این مراسم، یک سرمایه اجتماعی است اما زمانی که عاشورا شهرت جهانی پیدا می کند، برای ما به یک سرمایه نمادین تبدیل می شود. عاشورا، تنها روزی است که ما همه با هم رقیقیم، فقرا بیش از ثروتمندان غذای خورند، تنها روزی است که در ایران گرسنه نداریم و فقرا به اندازه کافی غذا می خورند. مثلاً عید نوروز هم ممکن است به اندازه عاشورا برای فقرا کارکرد مثبت نداشته باشد، چون تهیه لباس و ملزومات عید برای این افراد دشوار است، اما در عاشورا هم فقرا خوشحالدند و هم ثروتمندان.

هر جا سرمایه نمادین وجود داشته باشد، قیمت خود و هر چه وابسته به خود است، را بالا

می برد. اگر استاد فرشچیان و یکی از بهترین دانشجوهای وی که به اندازه خود استاد حرفه ای است، دو نقاشی عین هم بکشند که حتی هیچ کس نتواند آن را از یکدیگر تشخیص دهد، باز هم وقتی کار به قیمت گذاری می رسد، اثر فرشچیان ده ها برابر اثر دانشجویش خریداری خواهد شد. این پول در واقع پول سرمایه نمادین استاد فرشچیان است نه پول نقاشی.

همچنین سرمایه های نمادین می توانند ثبات، آرامش و اجماع را به جامعه هدیه کنند به عنوان مثال مراجع تقلید در صد سال پیش چنین کارکردی داشته اند. سرمایه های نمادین همچنین رابطه های ما را قانون مند می کنند، ارزش آفرین هستند، اخلاقی ایجاد می کنند و الگودرست می کنند.

در سال های پس از جنگ آنچه که رخ داد این بود که تمام توجه دولت های پس از جنگ رفت به سمت سرمایه اقتصادی و انسانی، و خط تولید رفاه. از تاسیس کارخانه تا توسعه صنعت تولید سیمان، تولید برق، تاسیس دانشگاه در هر صورت تمام توجه ما معطوف به سرمایه گذاری در سرمایه ی اقتصادی و انسانی بود و اصلا سرمایه گذاری اجتماعی و نمادین مرکز توجه ما نبود. حتی همین الان هم در تدوین برنامه ی ششم هیچ جا اسمی از سرمایه نمادین نیست، احتمالاً سرمایه اجتماعی هم مورد غفلت واقع شده است. این است که می گویم برنامه های ما، برنامه های توسعه نیست، برنامه رشد و پیشرفت است. به نظر من مهمترین کار ما در این مقطع زمانی تولید سرمایه های اجتماعی و نمادین است که در نهایت بتوانند در کنار هم خط تولید رضایت را به کار اندازند.

آذربایجان؛ خاستگاه انتشار نخستین چاپ دیوان حافظ



پس از برگزاری نشست «حافظ پژوهی در آذربایجان» (نهم آذرماه ۱۳۹۴- دانشگاه تبریز)، تماس ها و پیغام هایی در تایید این نشست و یادکرد ضرورت برگزاری و اهمیت آن، از سوی برخی از پژوهشگران و محققان کشور، واصل شد. سلسله جنبان این پیغام های شوق انگیز، جمله ای بود که دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، به واسطه محقق ارجمند؛ دکتر باقر صدیقی، محبت فرموده و خواستار تداوم کار و انجام آن در قالب یک کتاب شده بودند.

تدوین مقاله ای علمی، برای تقدیم به مخاطبان مجله وزین کارایی، در فرصتی اندک، امکان پذیر نبود؛ منتها نظر به اهمیت بحث و به عنوان مقدمه ای بر موضوع، یادداشتی که البته از تازگی و اهمیت خالی نیست، تقدیم می نمایم. براساس مستندات تاریخی و بررسی هایی که نویسنده این سطور در خصوص نسخه های چاپی دیوان حافظ به عمل آورده، نخستین چاپ دیوان حافظ در سال ۱۷۹۱ میلادی (حدود ۱۱۷۰ شمسی) توسط یک سیاستمدار و فرهنگ دوست تبریزی به نام ابوطالب تبریزی؛ فرزند محمد بیگ خان، در شهر کلکته هندوستان انجام گرفته است. انتشار دیوان حافظ توسط ابوطالب تبریزی، سرآغاز حافظ پژوهی در عصر جدید و توجه گسترده علاقه مندان فرهنگ اسلام و ایران به ادبیات فارسی در سراسر جهان به شمار می رود. بعد از این چاپ بود که دو کشور عثمانی و مصر، به بررسی شعر حافظ روی آوردند و سخنوران دنیا، با شعر و اندیشه حافظ آشنا شدند.

زندگی ابوطالب تبریزی

پدر ابوطالب؛ محمدبن بیگ خان بن شفیعی تبریزی نام داشت که به دلیل سکونت در اصفهان، به اصفهانی نیز شهرت یافته است. در جوانی از بیم خشم نادرشاه افشار راهی هندوستان شد و در شهر لکهنو اقامت گزید. (غلامی جلیسه، ۱۳۹۲: ۲۷). ابوطالب در این شهر زاده شد و بر همین اساس به «ابوطالب هندی» یا «ابوطالب لکهنویی» نیز معروف شد. البته برخی از کتب تراجم، به دلیل اقامت طولانی مدت ابوطالب در شهر لندن، از او با عنوان «ابوطالب لندنی» نیز یاد کرده اند. از گزارشات احوال ابوطالب تبریزی چنین برمی آید که وی مردی سیاستمدار، هوشمند، ادب دوست و علاقه مند به فرهنگ اسلام و ایران بود. وی پس از یک زندگی پرفراز و نشیب و طولانی، در سال ۱۲۲۰ قمری در کلکته از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. (مجدالدین کیوانی، ۱۳۷۲: ۶۲۶).

آثار ابوطالب تبریزی

مهم ترین اثر ابوطالب تبریزی، خلاصه الافکار است. تذکره ای شامل شرح حال

و نمونه آثار شاعران فارسی گو از روزگاران قدیم تا زمان حیات ابوطالب. این تذکره به دلیل دارا بودن بر اطلاعات تاریخی و ادبی درباره سرایندگان فارسی زبان، از تذکره های ممتاز و البته ناشناخته به حساب می آید. از دیگر آثار او می توان به رساله در علم اخلاق، مصطلحات موسیقی، علم عروض، دیوان اشعار، معراج التوحید و مسیری طالبی اشاره کرد.

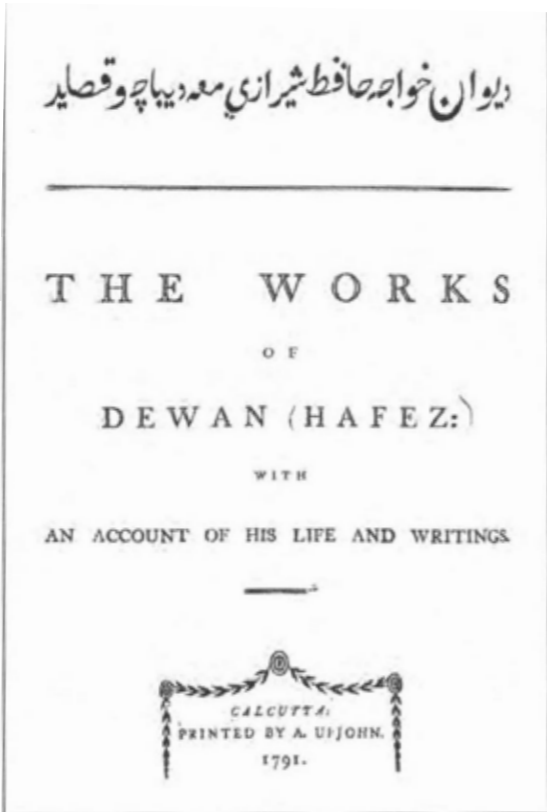
ابوطالب تبریزی و تصحیح و انتشار دیوان حافظ

یکی از مهم ترین و تاریخی ترین اقدامات ابوطالب تبریزی، تصحیح و چاپ دیوان حافظ است. ابوطالب در ذیل شرح حال حافظ در کتاب خلاصه الافکار، گزارش می دهد که به پیشنهاد یکی از دوستان انگلیسی اش، دیوان حافظ را از روی ۱۲ نسخه خطی تصحیح کرده و آن را در اواسط سال ۱۲۰۶ قمری در ۱۲۰۰ نسخه چاپ کرده است. براساس شواهد تاریخی، این چاپ، اولین چاپ دیوان حافظ است.

ابوطالب تبریزی در سال ۱۲۰۲ ق به دستور ریچارد جانسن (Richard jahnsen ۱۷۵۳ - ۱۸۰۷ م) کار تصحیح دیوان حافظ را آغاز کرد. ریچارد جانسن یکی از مستشرقین انگلیسی تبار کمپانی هند شرقی بود که علاقه وافری به ادبیات فارسی داشت و به همین جهت، کلکسیونر از نسخ خطی را نیز جمع آوری کرده بود. ظاهراً در حال حاضر، مجموعه ای از این نسخ خطی، در کتابخانه ایندیافیس لندن موجود است.

عشق و علاقه ابوطالب تبریزی به این مقوله، در کنار جذابیت چاپ، که در آن دوران صنعتی شگفت به حساب می آمد، ابوطالب را بر آن داشت که کار تصحیح دیوان حافظ را در شهر کلکته آغاز کند. وی در مقدمه دیوان حافظ در باب روش و اهمیت صنعت چاپ چنین بیان می کند:

«مجملی از بیان آن فن شریف اینکه حروف مفردة تهجی را به کثرت از سرب یا امثال آن ریخته یا خود می دارند و در حین کار، آنها را به یکدیگر متصل نموده موافق نقش کتاب، صفحه می سازند و آن صفحه را بر آلتی چوبین که به سبب تعبیه ای چند، سهل الحركت است، بسته و مرکبی خاص بر آن مالیده به حرکت همان آلت، بر روی کاغذ نقش می گیرند. هر چند در اتصال حروف و بستن صفحه و احتیاط غلاطها [کذافی الاصل. ظ: اغلاط چاپی] در ابتدا اندک تأثیری به کار می رود، اما در حین نقش، به حدی کار به سرعت می شود که در مدت دو ساعت، پانصد صفحه که هر صفحه دو ورق باشد، مرتب می گردد. کتابی که مشتمل بر ده هزار بیت بوده باشد، اگر چه در عرض دو سه سال به اتمام می رسد، اما همین که یک کتاب به آخر



تصویر شماره ۷: دیوان حافظ، کلکته: ۱۷۹۱م.

رسید، پانصد کتاب مکمل می گردد و جبر نقصان آن مدت به این صورت به عمل می آید». (دیوان حافظ، مقدمه ابوطالب تبریزی، ۱: ۱۷۹۱)

از جمله نکات مهم در این چاپ، استفاده حساب شده و دقیق ابوطالب از نسخ خطی در چاپ و انتشار دیوان حافظ است. ابوطالب تبریزی، در آن زمان با مقوله تصحیح متون کهن آشنا بوده و با علم به این مهم، دست به انتشار این دیوان زده است. بررسی و شناسایی نسخ خطی کهن و اصح در دیار هندوستان، برای تصحیح این کتاب، وی را ناچار ساخته بود تا از حدود ۱۲ نسخه خطی در تصحیح این متن بهره بگیرد (آل داوود، ۱۳۸۲: ۲۰) وی در مقدمه ای که بر دیوان حافظ نوشته، در باب مشکلات این کاری گوید:

«به ملاحظه فقدان کتب صحیحه در این دیار و از چند کتاب ابتر، انتخاب نسخه منقحه که مطابق اصل یا کالاصل تواند شد، این کار متعسر می نمود، اما با امید امداد روحانیت خواجه و استرضای صاحب معظم الله قبول نمودم و از چند کتاب که فی الجمله گمان صحت بر آنها می رفت، به واسطه ملکه این فن و اطلاع بر اسالیب سخن انتخاب نمودم و آن را به چپاخانه [کذافی الاصل. چپاخانه] رسانیده در ملاحظه صحت غلطها نیز جدو و گدبه کار بردم، چنانچه بر هر صفحه، ده دوازده مرتبه نظر کردن می افتاد و امید این بود که نام غلط در کتاب نماند، اما به دو سبب این کار دلخواه صورت نگرفت، یکی به جهت اینکه در اثنای چپا [کذافی الاصل. چاپ]، نقطه و حروف خورد شکسته می شود، دیگر از نصفه ردف شین تا آخرها، امر مقابله به یکی از رفقای بی توفیق این حقیر تعلق داشت. القصد بعد اطلاع بر اسباب مذکوره، بار دیگر نظری انداخته آن غلطها را با نشان ورق و صفحه و سطر در چند ورق تیرج وار ضبط ساختم و در ذیل این اوراق درج نمودم». (حافظ، مقدمه ابوطالب، ۱۷۹۱: ۲) تصحیح متن دیوان حافظ توسط ابوطالب تبریزی، تا سال ۱۲۰۶ ق. به طول انجامید. ابوطالب، گزارشی خواندنی در خصوص تیراژ، نوع چاپ و قیمت این کتاب در آن زمان در کتاب خلاصه الافکار خود آورده است. مطابق این گزارش، در آن سال چاپ دیوان حافظ با تیراژ ۱۲۰۰ نسخه به اتمام رسیده بوده که از این میان ۶۰۰ جلد از دیوان حافظ بر روی کاغذ فرنگی چاپ شده بود که قیمت آن در آن زمان ۱۶ روپیه بوده و ۶۰۰ جلد دیگر آن بر روی کاغذ هندی منتشر شده که به قیمت ۸ روپیه به فروش می رسیده است. (آل داوود، ۱۳۸۲: ۲۰).

آداباً اتمّ السّاقی انّ در کما و تآواها
سرمه حقّ آسان نمود اولی امانت کلکها
بودی باذکر نامر صباران نظر یکدنا
ز کتاب همه میگردی بر خون آنگاه در دلها
بمی گزافه کنی کن گزمت بیزدقان گوید
که مانگ بفر شو ز راه او رسم سزها
مرا در منزل همان بناسم و عرض چون برام
هر سس فریاد میداد که بنمود چها
شب تاریکدم در صبح کرد از پنهان ایل
کجا آند فال باسگسار ان مساها
بهر کارم ز خود کامی بد نامی گنید آخر
نهان کی با نماند آن را ایل کزین سزانه کلکها
مضوری کریمی خوانی از دلکس و عوام
مثنی سائلین من تروان عالم دنیا و اهلها

ایا فروغ حسن باه از روی زندان
آبر و تی تویی از بهانه ز غم ان مش
عزم دیدم از خود ابرو جان بر لب آم
باز کرده و یا مرآه پرست فرمان مش
کمی بدوست از غرض با رب که برستان
تا طر مجموع با زلف بر لب ان مش
کس بدور

از نکات ارزشمند تاریخی در این تصحیح، اشاره به نام دست اندرکاران چاپخانه و وظایف آنها در چاپ این کتاب است که از حیث تاریخ چاپ، بسیار مهم است. دیوان حافظ ابوطالب، به اهتمام ای اچجان و با همکاری جان چیمبرس، عظیم الدین، هرنام سنکه و تیتورام به چاپ و انتشار رسیده است. (حافظ، ۱۷۹۱: ۴)

بعد از مقدمه ای در چگونگی چاپ و انتشار دیوان حافظ، ابوطالب مقدمه ای در «بیان احوال خواجه» به نگارش در می آورد. این مقدمه به جهت اهمیتش، بعدها به صورت جداگانه در نشریه بخش اردوی دانشگاه سند، (جام شورو، ش. ۸-۹ به سال ۹۵-۱۹۹۴ م. صفحات ۵۱۹ تا ۵۲۲) به چاپ رسید (عقیل، ۱۳۹۱: ۲۳). بعد از این مقدمه، جواب سئوالات آقای جانسن در شناخت عشق توسط ابوطالب درج شده و بعد از آن غلطنامه کتاب در ۲۷ صفحه به چاپ رسیده است.

دیوان حافظ با مقدمه ای منسوب به جامع آن، یعنی محمد گلندام آغاز می گردد که ابتدای آن بدین قرار است:

«بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین فی التتمیم. حمد بی حد و ثنای بی عد و سپاس بی قیاس خداوندی را که جمع دیوان حافظان آرزاق به پروانه سلطان ارادت اوست، بی ماندی که رفیع بنیان ایوان سبع طباق، نشانه عرفان حکمت بی علت او، حکیمی که طوطی شکر خای ناطقه انسانی را در محاذات آینه تأمل عرایس معانی، به آوای دلگشای...».

این دیوان با قصاید حافظ آغاز می گردد و در ابتدای آن، قصیده ای منسوب به حافظ در مدح امام علی (ع) به چاپ رسیده است که در بسیاری از چاپ های امروزی دیوان حافظ، اثری از آن نیست و مطلع آن چنین است:

مقدّری که ز آثار صنع کرد اظهار
سپهر و مهر و مه و سال و ماه و لیل و نهار
مدار سیر کواکب به امر کن فیکون
قرار داد بر این طاق گنبد دؤار

بعد از قصاید، به ترتیب، غزلیات، قطعات، ترجیعات، ترکیب بندها، مخمس ها، مثنوی ها و در نهایت، رباعیات ذکر شده است.

باری دیوان حافظ ابوطالب تبریزی را می توان یکی از شایسته ترین و ارزشمندترین فعالیت های علمی وی به شمار آورد؛ خدمتی بزرگ که در گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان و عرصه بین الملل، نقشی مهم و اساسی داشت. این چاپ تا سال های سال، اساس بسیاری از چاپ های دیگر و همچنین ترجمه ها، شروع و مطالبی بوده که پیرامون دیوان حافظ به نگارش درآمده است.

در پایان، به متولیان محترم امور پژوهش در دانشگاه تبریز و دیگر مراکز تحقیقاتی، پیشنهاد می شود که با توجه به گذشت نزدیک به ۳۰۰ سال از چاپ این نسخه ارزشمند دیوان حافظ، و با عنایت به اینکه نسخه مذکور بسیار کمیاب و غیرقابل دسترس است، همچنین نظر به اهمیت تاریخی و ادبی این کتاب به ویژه اهمیت تاریخی آن در حوزه جریان زبان و ادبیات فارسی در آذربایجان، شایسته است این کتاب، ضمن بازبینی های دقیق علمی، مجدداً به زیور طبع برسد. (الحمدلله اولاً و آخراً).



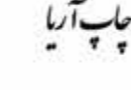
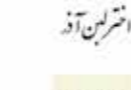
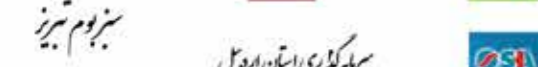
بوترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies

www.irantac.ir



بوترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies

www.irantac.ir



ساختمانی فرایند

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

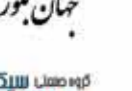
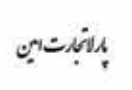
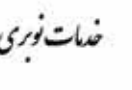
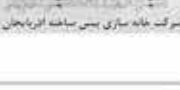
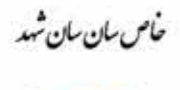
سازه راه

سازه راه

سازه راه

سازه راه

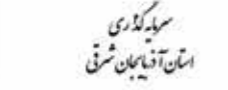
سازه راه



Shirin Asal
شیرین عسل



تكدانه



تكدانه



تكدانه



تكدانه



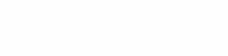
تكدانه



تكدانه



تكدانه



تكدانه



AFA STEEL

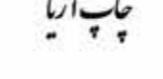


سرمایه گذاری استان آذربایجان شرقی

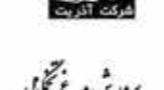
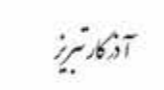
فولاد خنجرین گسترش



آذانتان



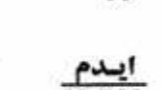
آذانتان



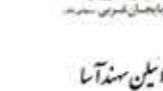
آذانتان



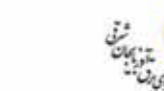
آذانتان



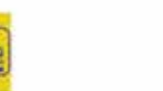
آذانتان



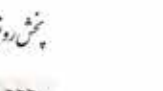
آذانتان



آذانتان



آذانتان





واحد آزمایشگاه و کنترل کیفیت

آزمایشگاه شرکت آذربام یکی از مجهزترین و پیشرفتهترین آزمایشگاهها نه تنها در ایران، بلکه در میان کشورهای منطقه است که توانایی انجام آزمایشهای مربوط به انواع عایق و قیرها را دارا می باشد و به عنوان آزمایشگاه همکار اداره استاندارد شناخته شده و همچنین آزمایشگاه این شرکت موفق به اخذ گواهینامه ۱۷۰۲۵ نیز گردیده است

افتخارات

- * اخذ گواهینامه استاندارد ملی ایران و انتخاب شرکت به عنوان واحد نمونه کیفی در سالهای متمادی
- * اخذ گواهینامه استاندارد اروپا جهت صادرات محصولات به کشورهای اروپایی
- * انتخاب مدیر آزمایشگاه به عنوان مسئول نمونه کنترل کیفیت کشوری در سال ۹۱ و ۹۲
- * اخذ گواهینامه استانداردهای ISO9001:2008, ISO10002:2004, ISO14001:2004, OHSAS18001:2007

واحد های مستقل شرکت آذربام

- * واحد قیر سازی
- * واحد تولید عایق
- * واحد تولید ژئوتکستایل و ترموباندینگ
- * واحد تولید پلی بگ و بشکه سازی
- * واحد ساخت تانکرهای دوجداره حمل قیر
- * ناوگان حمل و نقل شرکت آذربام
- * شبکه توزیع قیر در گرجستان و ترکیه
- * واحد تحقیق و توسعه با هدف تحقیق و پژوهش در مورد قیر و آسفالت

Azar Bam



شرکت آذربام

تولید کننده عایقهای رطوبتی حفاظ و قیرهای صنعتی

افتخار دیگر برای آذربام **واحد نمونه کیفی کشوری و استانی سال ۹۴**



سعید فتاح زاده
مدیر عامل شرکت آذر بام

کیفیت اتفاقی نیست

تاریخچه

شرکت آذربام در سال ۱۳۷۲ با سرمایه گذاری بخش خصوصی در محل ناحیه صنعتی سهند تبریز تاسیس شد. هدف گذاری شرکت در بدو تاسیس فراهم آوردن انواع عایق های رطوبتی و قیرهای صنعتی و سایر مشتقات قیری به منظور تامین نیاز سراسر ایران اسلامی بود و در ادامه با صادرات محصولات به کشورهای اروپایی این هدف را ارتقاء و بسط داد

شرکت آذر بام با استفاده از دانش، تخصص و درایت متخصصان داخلی و خارجی و همچنین با پشتکار و مسئولیت پذیری و تصمیم سازی مدیران لایق خود در کمترین زمان توانست به استانداردهای روز رسیده و از تکنولوژی های مدرن دنیا برخوردار شود. این شرکت با توان تولید دو هزار تن انواع پرایمر، ۱۸ میلیون متر عایق و ۹۰۰ هزار تن قیرهای صنعتی در سال که با بهره گیری از دو واحد مجزای برج قیر سازی هر کدام با ظرفیت ۱۲۰۰ تن، مجموعاً ۲۴۰۰ تن در روز و مخازن ذخیره محصول به ظرفیت ۴۰ هزار تن و مخازن مواد اولیه به ظرفیت ۱۰ هزار تن در رده بزرگترین کارخانجات تولید عایق و قیر در خاورمیانه قرار گرفته است

این شرکت با استفاده از دستگاه های فوق پیشرفته آزمایشگاهی توانسته است انواع قیرهای طبقه بندی شده به روش شارپ و طبقه بندی بر اساس نفوذ پذیری را تولید به بازارهای داخلی و خارجی عرضه نماید



خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی
آذربایجان شرقی

ایجاد امکان پیوستن به
شبکه گسترده ای از
تجارب و دانش ها

تبریز: ولیعصر، انتهای شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی تبریز
کد پستی: ۵۱۵۷۸۳۸۷۳۳ تلفن: ۳۳۳۳۳۶۰۰ - ۰۴۱



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گم آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

کارگاه آموزشی علمی و عملی

اصول و فنون مذاکرات تجاری



www.imiazar.ir

شهریه دوره: ۲,۷۰۰,۰۰۰ ریال

مدت دوره: ۲۴ ساعت



۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

آدرس کانال رسمی سازمان telegram.me/imi_tabriz



آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گمی آذربایجان شرقی

مرکز آموزش های تخصصی فناوری اطلاعات و ارتباطات

برگزاری دوره های تخصصی

COMFAR

EViews

کاملاً عملی و کاربردی



۰۰ ۶۰۳۳۳۳۳۳

۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴



ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

فرم اشتراک ماهنامه کارایی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۶۰۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۳۰۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه، شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان واریز نموده فیش بانکی یا فیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۰۴۱-۳۳۳۹۷۳۳۷۷ فکس نمایید.

به پیوست فیش بانکی به شماره به مبلغ بابت حق اشتراک ماهنامه کارایی ارسال می شود

نام

نام خانوادگی:

آدرس پست الکترونیک:

نشانی:

کدپستی: تلفن:



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

آموزش خدماتی نرم افزار طراحی سه بعدی



SketchUp



مدت دوره: ۲۴ ساعت

شهریه دوره: ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال

۳۳۳۷۹۹۵۴ - ۹

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گی آذربایجان شرقی



کلاس های فشرده زبان آلمانی

Let's learn German



IMILA
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی

تبریز- آبرسان - جنب هتل تبریز- کوی پناهی - نبش کوچه فروردین

www.imiazar.ir

شماره تماس: ۵۹-۳۳۳۷۹۹۵۵



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده کمی آذربایجان شرعی

دفتر آموزشهای تخصصی

دوره حق العمل کاری، امور گمرکی و ترخیص کالا

بخش سوم: تشریفات ترخیص کالا از گمرک

بخش اول: صادرات

بخش چهارم: ترانزیت کالا (عبوری)

بخش دوم: واردات

۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴

مدت دوره: ۳۲ ساعت

شهریه دوره: ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز کوی پناهی دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی